

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



# ره‌توشه راهیان نور ویژه نوجوانان (تابستان ۱۳۹۲)

تهیه و تدوین:  
دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم  
معاونت فرهنگی و تبلیغی  
گروه تأمین منابع  
۱۳۹۲

**عنوان و پدیدآور:** ره توشه راهیان نور ویژه نوجوانان تابستان ۱۳۹۲ / تهیه و تنظیم معاونت

فرهنگی و تبلیغی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

**مشخصات نشر:** قم: تا ظهور، ۱۳۹۲.

**مشخصات ظاهری:** ۱۶۸ ص. - (متون علمی - آموزشی ویژه مبلغان؛ ۱۱۸)

**شابک:** ۷۰۰۰ ریال: ۲-۳۸-۲۹۷۴-۹۶۴-۹۷۸

**وضعیت فهرس نویسی:** فیپا.

**یادداشت:** کتابنامه به صورت زیرنویس

**موضوع:** اسلام - مسائل متفرقه - ادبیات نوجوانان.

**موضوع:** اسلام - راهنمای آموزشی.

**موضوع:** اسلام - تبلیغات - راهنمای آموزشی.

**شناسه افزوده (سازمان):** مؤسسه آینده سازان.

**شناسه افزوده (سازمان):** دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم. معاونت فرهنگی و تبلیغی.

**رده بندی کنگره:** ۱۳۹۲ / ۹۹۲۳ / ۸ BP

**رده بندی دیویی:** ۲۹۷/۰۲

**تهیه و تدوین:** دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، معاونت فرهنگی و تبلیغی با همکاری مؤسسه

آینده سازان

**نویسندگان:** حجج اسلام آقایان ابوالفضل ابوالقاسمی - حسن فکری - حسن یوسفی - حمید جلالی -

حمیدرضا اسلامی - محمدجواد گلزار - مدرسی - مرتضی مروی - مهدی کریمی.

**ناظران محتوایی:** مرتضی دانشمند، علی اکبر مؤمنی.

**ویراستار:** علی خانی

**صفحه آرا:** اکبر اسماعیل پور

**کارشناس ره توشه:** علیرضا انصاری

**کارشناس چاپ و نشر:** محمود نوراللهی

**کارشناس ناظر چاپ:** مرتضی فراهانی

**کارشناس بازار یابی:** عطاءالله علیزاده

**ره توشه راهیان نور ویژه نوجوانان تابستان ۱۳۹۲**

**ناشر:** تا ظهور

**لیتوگرافی، چاپ و صحافی:** چاپخانه دفتر تبلیغات اسلامی

**نوبت چاپ:** اول، ۱۳۹۲

**شمارگان:** ۵۰۰۰ جلد

**بهاء:** ۷۰۰۰ تومان

**تلفن:** ۰۲۵-۳۷۱۱۶۰۰ داخلی ۱۲۴۶ **نمابر:** ۰۲۵-۳۷۷۴۳۱۷۶

**پست الکترونیک:** [tabligh@dte.ir](mailto:tabligh@dte.ir)

تمامی حقوق این اثر محفوظ است

## فهرست مطالب

۷.....	سخن اول.....
۹.....	درس اول: راهنما.....
۲۱.....	درس دوم: مائده آسمانی.....
۳۵.....	درس سوم: مائده ملکوتی.....
۵۱.....	درس چهارم: پرواز تا بی نهایت.....
۵۹.....	درس پنجم: سکوی پرواز.....
۷۱.....	درس ششم: پاک باش و سلامت.....
۸۱.....	درس هفتم: پاکیزگی ظاهری.....
۹۱.....	درس هشتم: پاکیزگی باطنی.....
۹۹.....	درس نهم: کلید بهشت، سپر آتش.....
۱۱۱.....	درس دهم: کلاس اخلاق.....
۱۱۹.....	درس یازدهم: خواب خوب.....
۱۲۷.....	درس دوازدهم: معیار ایمان.....
۱۳۷.....	درس سیزدهم: گل راستی.....
۱۴۷.....	درس چهاردهم: من بزرگ شدم - قسمت اول.....
۱۵۹.....	درس پانزدهم: من بزرگ شدم - قسمت دوم.....



## سخن اول

گروه سنی «نوجوان»، چنان که مورد تأکید و تصریح متون دینی است، یکی از مقاطع سنی بسیار با اهمیت، اثربخش و اثرگذار بر آینده است؛ هم‌چنین دنیای غرب نیز از ده‌ها سال پیش به این نکته حساس پی برده و در این راه، سرمایه‌های فراوانی را به کار بسته و از این دوران جهت نهادینه‌سازی ارزش‌های مورد نظر خود بهترین بهره‌ها را نصیب فرهنگ خود کرده است.

البته دنیامداران در راه به خدمت گرفتن فکر و قلب نوجوانان کشورهای اسلامی و نیز آماده ساختن آنان برای پذیرش نظام سلطه و اقتضائات آن در بزرگسالی، بیکار ننشسته و برنامه‌ریزی‌های آگاهانه و حساب‌شده‌ای را رقم زده‌اند. انبوه بازی‌های رایانه‌ای که از هر سو به کشورهای جهان سوم سرازیر است، گواهی روشن بر این مدعا است.

بدیهی است که بسیاری از اعمال و کنش‌های دوره بزرگسالی، واکنشی برخاسته از پدیده‌های زندگی خردسالی و نوجوانی است. از سوی دیگر، خداوند متعال به انسان استعداد‌های فراوانی بخشیده که از دوران نوجوانی همراه او است و روشن است که اگر این استعدادها شناخته شوند و برای بارور کردن آن برنامه‌ریزی شود، نتایجی فراوان و پسندیده‌ای خواهد داشت.

بنابراین، بی‌توجهی، غفلت و نداشتن برنامه برای نوجوانان، گناهی نابخشودنی است و پیامدهای ناگواری برای جامعه اسلامی خواهد داشت.

دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، در راستای این هدف مهم و والا، همچون سالیان گذشته درس‌هایی کاربردی در زمینه‌های متنوعی را آماده نموده و در قالب ره‌توشه نوجوانان عرضه کرده است.

مبلغان گرامی، به ناچار در حوزه تبلیغی خود با این عزیزان روبه‌رو خواهند بود و برای مواجهه اثربخش با آنان باید از آمادگی‌های لازم برخوردار باشند.

ابتکار، سلیقه و توجه به جنبه‌ها و اقتضائات نوجوانان و نیز شناخت مناطق گوناگون شهر و روستا و بهره‌گیری از تجربه‌ها و اطلاعات سایر مربیان که در آن حوزه مشغول فعالیت هستند، در پیشبرد و موفقیت برنامه‌های تدارک دیده‌شده برای نوجوانان مؤثر و مفید خواهد بود.

در پایان، از تمام عزیزانی که در تهیه و تنظیم این دروس تلاش نموده‌اند، به‌ویژه از نویسندگان محترم مؤسسه آینده‌سازان و ناظران ارجمند و حجت الاسلام والمسلمین آقای علی‌اکبر مؤمنی رئیس محترم گروه تأمین منابع و آقای محمود نوراللهی، مسئول چاپ و نشر صمیمانه سپاسگزارم.

سعید روستا آزاد

معاون فرهنگی و تبلیغی



## درس اول: راهنما

### موضوع

حکمت، ضرورت و برکات عمل به معارف و دستورات اسلامی.

### هدف رفتاری

۱. ارتقای سطح انگیزه، شناخت و اهتمام نوجوان نسبت به احکام و آداب اسلامی و سبک زندگی دینی؛
۲. واکاوی ارتباط تکلیف، تقلید و تأثیرگذاری انسان بر عالم امکان؛
۳. معرفی رهبری فرامادی برای سعادت در زندگی دنیا و آخرت و ارائه تحلیلی شفاف از این رهبر فرامادی.

### درسنامه

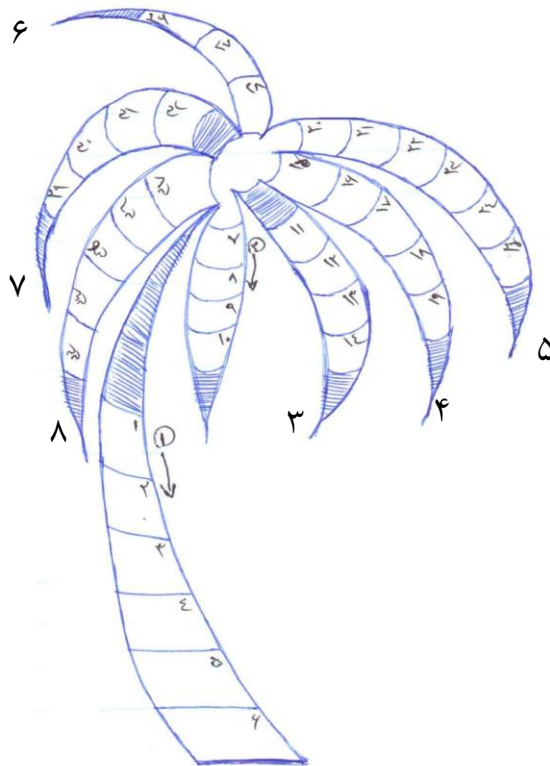
۱. مربی با کشیدن جدول (شماره «۱»)، روی تخته و نیز با توزیع آن بین دانش‌آموزان، مخاطبان را در حل جدول مشارکت می‌دهد. این جدول، دارای رمزی است که در نهایت، توسط دانش‌آموزان کشف خواهد شد. رمز این جدول، «مرجع تقلید» می‌باشد.
- مربی در ضمن کلاس، مواقعی که مناسب می‌بیند، پرسش‌های جدول را یکی یکی طرح می‌کند. بهتر و تأثیرگذارتر، این است که رمز جدول در پایان بحث مشخص شود.
۱. نام چرخ‌های ماشین: لاستیک.
۲. میوه درخت نخل: خرما.
۳. کاری که از نظر شرعی نباید انجام داد: حرام.
۴. مقابل مجهول: معلوم.

۵. از ظروفی است که داخل آن برنج طبخ می شود: قابلمه.

۶. نام گلی است: یاس.

۷. طبق دستور پزشک مصرف می شود: دارو.

۸. جاندار نیست: بی جان.



جدول شماره «۱»

\* رمز جدول، به ترتیب، در خانه های شماره: ۲۹، ۲۶، ۱، ۲۰، ۴، ۱۶، ۳۵، ۱۲ و ۹ قرار دارد.

سپس مربی می‌تواند با یکی از این دو مثال ذیل یا هر دوی آنها، بحث را شروع کند.

### مثال اول:

**سؤال:** آیا تا به حال قطعات یک پازل را در کنار هم چیده‌اید؟

برای هر کدام از قطعات، جایی مخصوص تعریف شده است که اگر سر جای خودشان گذاشته نشوند، تصویر پازل ناقص خواهد بود. در ذهن‌تان نقشه ایران را به صورت یک پازل در آورید که هر کدام از استان‌ها، تکه‌های پازل می‌باشند. اگر بگویند پازل به هم ریخته نقشه ایران را در کنار هم بچینید، شما چون کشورتان را خوب می‌شناسید، پس از چند دقیقه با چیشی مناسب و صحیح، یک نقشه گره‌ای شکل و زیبا را درست می‌کنید.

**سؤال:** به نظر شما اگر در نقشه جغرافیایی ایران، واقعاً استان آذربایجان غربی و استان بوشهر جابه‌جا شوند، چه اتفاقی می‌افتد؟

فکر کنید مردم شیرین‌زبان آذربایجان غربی با لهجه ترکی‌شان بخواهند مانند مردم خونگرم بوشهر صحبت کنند و یا از آن طرف، بوشهری‌ها بخواهند با لهجه خودشان الفاظ و کلمات ترکی را بگویند، یا مثلاً آب و هوای سردسیری شمال غرب ایران را با آب و هوای جنوب ایران جابه‌جا کنیم. آن وقت، آیا درخت نخل و خرمایی می‌ماند؟ اگر رسم و رسومات و آداب و نوع پوشش مردم آذربایجان غربی را با آداب و نوع پوشش مردم بوشهر عوض کنیم، چه اتفاقی می‌افتد؟ آری، ایران زمانی زیبا است که استان‌های آن هر کدام با ویژگی‌های منحصر به فردشان همان‌جایی قرار گیرند که خدای متعال آن‌ها را ترسیم و آفریده است. آن وقت یک ایران متحد و پیروز خواهیم داشت.

### مثال دوم

**سؤال:** چگونه یک تیم قهرمان می‌شود؟

یک مربی زبردست قبل از شروع فصل بازی، بازیکنان مورد نیازش را گزینش می‌کند. سپس با تمرینات حساب‌شده، آن‌ها را آماده مسابقه می‌نماید.

یک مربی خوب با توجه به توانایی بازیکنان، ظرفیت تیم را در نظر می‌گیرد و با بررسی نقاط ضعف و قوت تیم مقابل، نفرات خویش را درون زمین می‌چیند. هر بازیکن، حکم یک مهره پازل را دارد که باید سر جای خودش و با توجه به توصیه‌ها و تذکرات مربی بازی کند؛ مثلاً مربی فوتبال می‌گوید: امروز با سیستم ۲-۵-۳ بازی می‌کنیم.

#### سؤال از بچه‌ها: سیستم ۲-۵-۳ یعنی چه؟

آفرین! یعنی ۳ نفر دفاع، ۵ نفر وسط زمین به عنوان هافبک و ۲ نفر هم جلو به عنوان خط حمله بازی می‌کنند. دروازه‌بان نیز همیشه سر جای خودش قرار دارد. اگر از ۳ نفری که قرار است در پشت دفاع بازی کنند، یک نفرشان به منطقه حمله برود، چه اتفاقی می‌افتد؟ یا مثلاً اگر دروازه‌بان، دروازه را رها کند و به وسط زمین بیاید، چه شود؟

آن وقت تیمی که این همه زحمت کشیده، هزینه کرده و تبلیغات انجام داده، نتیجه مطلوب را نمی‌گیرد. کادر فنی، مربی و مسئولان تیم سرخورده می‌شوند و تماشاچیان و هواداران تیم نیز ناراضی، ورزشگاه را ترک می‌کنند. تصور کنید مثلاً دروازه‌بان به خط حمله برود و یا کسی که در خط حمله است، به جای این‌که دروازه حریف را باز کند، به وسط زمین بیاید و یا هافبک، جای دروازه‌بان تیم ملی بازی کند. آن وقت به جای این‌که نگذارد توپ وارد دروازه شود، ممکن است هر لحظه توپ‌ها را درون دروازه تیم خودش قرار دهد.

#### نکته

۱. هر بازیکن، در حکم یک مهره پازل است که باید سر جای خودش قرار گیرد.
۲. هر بازیکن باید با توجه به نظرها و تذکرات مربی بازی کند؛ تا تیم به نتیجه مطلوب برسد.

بچه‌ها من یک پیرمرد قهرمان می‌شناسم که زندگی‌اش روی حساب و کتاب بود. پیر بود و چروکیده، اما در زندگی با نقشه‌ای کامل و برنامه‌ریزی شده حرکت کرد و به همین جهت، حکایت او دارای پند و عبرت برای همه ما است.

## داستان پیرمرد

پیرمرد داستان ما، چند سالی است که از دنیا رفته و تنها ذکر خیرش سر زبان‌ها مانده است. الآن هم قبرش در شهر تبریز قرار دارد. به قیافه‌اش که نگاه می‌کردی، سادگی و یکرنگی را در او می‌دیدی. آزارش به کسی نمی‌رسید. فقیر بود و ژنده‌پوش. شغلش حمالی بود. تو بازار تبریز بار و اثاث مردم را جابه‌جا می‌کرد. با پولی که از حمالی کردن در می‌آورد، شکم خانواده‌اش را سیر می‌کرد. به جهت پیری و ژنده پوشی و گرد و خاکی بودنش، کسی به او اعتنا نمی‌کرد. روزی از روزهای خدا، مردی به او گفت: پیرمرد! این وسایل را بردار و ببر تا سر بازارچه. پیرمرد هم با یک «یا علی» گفتن، وسایل مرد را گذاشت روی دوش و قدم‌زنان حرکت کرد. چند متری نرفته بود که صدای فریاد خانمی همه را سر جایشان می‌خکوب کرد. کودک آن خانم روی پشت بام بازارچه رفته بود. مشغول بازی کودکانه خودش بود که پایش سر خورده و از آن بالا آویزان شده بود؛ اما دیگر نیرویی در بدن نداشت تا خودش را ننگه دارد. همه مات و مبهوت بودند که آخر چه خواهد شد؟ اگر آن کودک بیفتد، زنده می‌ماند؟ چه بلایی سرش خواهد آمد؟ مادر بیچاره هم آرام و قرار نداشت. ناگهان، کودک از آن بالا رها شد و به سوی کف بازارچه با سرعت سقوط کرد. پیرمرد ژنده‌پوش بازار تبریز، دستش را به سمت آسمان گرفت و گفت: خدایا! آن کودک را همان‌جا بین زمین و آسمان ننگه دار! در اوج ناباوری همه دیدند که کودک بین زمین و آسمان ایستاد. پیرمرد رفت و او را گرفت و به مادرش تحویل داد. مردم، دور پیرمرد داستان ما جمع شدند. یکی می‌گفت: جادو و جمیل بلد بودی، نمی‌دانستیم! دیگری می‌گفت تا رمز و رازش را نگوئی نمی‌گذارم بروی و... .

پیرمرد ژنده‌پوش گفت: رازش این است که یک عمر هر چه خدا خواست، گفتم چشم. یک بار هم من از او چیزی خواستم، رویم را زمین نزد و گفت چشم. سؤال: راستی بچه‌ها چه می‌شود که یک آدم گمنام و گرد و خاکی که شغلش هم حمالی است، این مقام و توانایی را به دست می‌آورد؟

مگر انسان اشرف مخلوقات نیست؟ مگر انسان بهترین مخلوق خدا نیست؟ مگر خدا وقتی انسان را آفرید نفرمود: «و تبارک الله احسن الخالقین». مگر انسان تأثیرگذارترین، متفکرترین، خلاق‌ترین و عالم‌ترین خلق روی زمین نیست؟ پس چرا این همه جرم و جنایت، این همه اشتباه، کلاهبرداری، دزدی و... صورت می‌گیرد؟

**سؤال:** در یک کلام، بچه‌ها! چرا ما آدم‌ها دچار اشتباه و خطا می‌شویم؟ (جواب بچه‌ها)

اگر یادتون باشد، گفتیم که یک تیم زمانی به قهرمانی خود امیدوار است که بازیکنان طبق پازل، نقشه و تفکرات مربی حرکت کنند. نقشه ایران، زمانی پیروز است که هر استانی همان طور که خدای حکیم طرح‌ریزی نموده است، سر جای خودش قرار گیرد. مشکل ما آدم‌ها، این است که نقشه روح و وجودمان را نمی‌شناسیم. شاید با مهره‌های پازل جسم خود آشنا باشیم، یعنی می‌دانیم چه خوراکی‌هایی برای بدن ما مفیدند، چه غذاهایی خوشمزه‌اند، هنگامی که سرما خورده‌ایم، چه میوه‌هایی باید مصرف شوند و...، اما متأسفانه غذا و خوراکی‌های روح خویش را نمی‌شناسیم. جسم‌مان چاق می‌شود، ولی روحمان لاغر و لاغرتر می‌گردد.<sup>۱</sup> هنوز نمی‌دانیم پازل شخصیت روحی و معنویمان چگونه است؟ چه مهره‌هایی دارد و جای این مهره‌ها درون روحمان کجا است؟ ای مهره‌ها چه تأثیری در زندگی دنیا و آخرت‌مان دارد.

الآن برایتان می‌گویم که این پیرمرد زنده‌پوش با چه قاعده و قانونی توانست کاری کند تا همه انگشت به دهان بمانند.

اندیشمندان دین ما می‌گویند: پازل روح آدم‌ها، مثل یک درخت میوه می‌ماند. درخت میوه، از چهار قسمت اصلی تشکیل شده است: ۱. ریشه؛ ۲. تنه؛ ۳. شاخ و برگ؛ ۴. میوه‌های تر و تازه.

---

۱. امام حسن مجتبی علیه السلام می‌فرماید: «تعجب می‌کنم از کسی که در چگونگی استفاده از خوراکی‌های خود اندیشه می‌کند؛ ولی درباره نیازمندی‌های فکری و عقلی خود تأملی نمی‌کند. از آنچه معده‌اش را اذیت می‌کند، پرهیز می‌نماید؛ در حالی که سینه و قلب (ذهن و فکر و روح) خود را از پست‌ترین چیزها پر می‌کند.» (بحار الأنوار، ج ۱، ص ۲۱۸)

(۱) ریشه این درخت، اصول و اعتقادات اساسی دین است؛ همان چیزهایی که تا ما آن‌ها را قبول نداشته باشیم، به ما مسلمان نمی‌گویند.  
بچه‌ها! چه کسی می‌تواند اصول دین را نام ببرد؟

### نکته

مربی با توضیحی اجمالی به بچه‌ها بفهماند که اعتقاد به اصول دین، امری عقلی یا قلبی و شخصی می‌باشد و هر وجدان بیداری آن را قبول می‌کند.

(۲) تنه این درخت، اخلاق است. اخلاق، همان چیزهایی است که اگر در زندگی رعایت کنیم، به ما «با مرام»، «با معرفت» یا «با شخصیت» می‌گویند؛ همان اوصافی که ما را در قلب دیگران جای می‌دهد و پیش خدا عزیز می‌کند؛ مثلاً چگونگی احترام و ادب در برابر پدر و مادر و استاد، شیوه برخورد با انسان فقیر و مستمند، راه و رسم معاشرت با فامیل و دوستان و همسایگان، و آداب مواجه شدن با حیوانات و گیاهان و موارد دیگری که هر کدام از آن‌ها، مَهره‌ای از پازل اخلاق دینی و حیات معنوی انسان است که باید سر جای خودشان قرار داده شوند.

(۳) شاخ و برگ این درخت، احکام است. برای آن‌که بفهمید احکام یعنی چه، مثالی برایتان می‌زنم. یک راننده موظف است با قوانین راهنمایی و رانندگی آشنا باشد. اولاً، وظیفه انسانی او حکم می‌کند تا نسبت به رانندگان دیگر و عابران پیاده، با اخلاق و ادب اسلامی برخورد نماید. ثانیاً با توجه به قوانین راهنمایی و رانندگی و تابلوها و چراغ‌های راهنمایی، باید بداند در چه مکانی توقف ممنوع است، در چه جایی با سرعت غیر مجاز نرود، پشت چراغ قرمز باید بایستد و... راننده برای آن‌که جریمه نشود و ماشینش را در پارکینگ ن خوابانند و از طرف اداره راهنمایی و رانندگی تشویق بشود، قوانین راهنمایی و رانندگی را با جان و دل می‌پذیرد و عمل می‌کند. احکام، یعنی مسلمان غیر از این‌که با اخلاق است، بداند برای چه کارهایی خداوند چراغ قرمز قرار داده و نباید جلوتر برود و برای چه کارهایی تابلوی توقف مطلقاً قرار داده و باید حرکت کند؛ مثلاً اگر مال حرام و شبهه‌ناکی وارد زندگی‌مان شد، آن‌جا تابلوی چراغ قرمز است و نباید آن را مصرف کنیم. یا مثلاً در برخورد با چیزهای نجس چه وظیفه‌ای

داریم و یا مسائل دیگری که هر کدام از آن‌ها، مَهره‌ای از پازل احکام دینی و حیات معنوی‌مان را تشکیل می‌دهند.

(۴) ثمره و میوه درخت روح انسان، خوشبختی دنیا و آخرت است. هر اندازه مَهره‌های پازل این درخت بهتر و قشنگ‌تر سر جایشان گذاشته شوند، میوه‌هایش شاداب‌تر، خوش‌بوتر و خوشمزه‌تر خواهد شد.

**نکته:** قسمت‌های مختلف یک درخت می‌تواند بر هم تأثیرگذار باشند؛ به عنوان مثال، اگر تنه درخت، مواد غذایی مناسب را به شاخ و برگ نرساند، ممکن است بعضی از شاخ و برگ‌ها بخشکد یا آفت بزند. گاهی هم شاخ و برگ‌های آفت‌زده موجب می‌شوند تنه درخت بیمار شود.

### تأثیر اعمال

آدمیزاد به دلیل عدم شناخت جایگاه احکام و اخلاق در زندگی خودش، هم‌نوعانش و مخلوقات دیگر خدا را به دردمس می‌اندازد. این‌که قیمت‌ها بالا می‌رود، عمرها کوتاه می‌شوند، تجار سود نمی‌برند، میوه‌ها خوب و مرغوب نمی‌شوند، چشمه‌ها کم‌آب می‌شوند، باران نمی‌بارد، افراد شرور و ناشایست بر مردم مسلط می‌شوند،<sup>۱</sup> همگی بازخورد چینش اشتباه مَهره‌های پازل اخلاق و احکام، توسط این موجود دو پا می‌باشد. مربی برای نشان دادن تأثیر اعمال و رفتار انسان در زندگی فردی و اجتماعی او، می‌تواند از داستان‌های زیر کمک بگیرد. این داستان‌ها می‌تواند او را در بیان حکمت و مصلحت دستورات الهی یاری رساند.

### صدقه

روزی حضرت عیسی علیه السلام و یارانشان از کنار جمعیتی عبور می‌کردند. آن جمعیت مشغول شادمانی بودند. وقتی حضرت عیسی علیه السلام دلیل شادمانی آنان را جويا شد، گفتند: اینان سرگرم عروسی هستند. حضرت عیسی علیه السلام فرمود: امروز شادمان‌اند؛ ولی فردا گریان! پرسیدند: چرا؟ فرمود: عروس آنان امشب خواهد مرد! اما وقتی فردا دیدند

---

۱. بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۳۵۰.



عروس نمرده و سالم است، از حضرت عیسی علیه السلام سبب را پرسیدند، ایشان فرمود: هر چه خواست خدا باشد، همان می‌شود. با هم برویم ببینیم حکمت این کار چیست؟ حضرت عیسی علیه السلام به همراه یاران خود به خانه داماد آمد، اجازه گرفته و وارد خانه شدند. حضرت عیسی علیه السلام از عروس پرسید: آیا شما دیشب کار خیری انجام داده‌ای؟ گفت: خیر، فقط هر شب جمعه فقیری به در خانه ما می‌آمد و به اندازه مخارج یک هفته به او کمک می‌کردیم. دیشب همان فقیر آمد و کسی متوجه او نشد؛ ولی من صدای او را شنیدم. ناشناس رفتم و به اندازه همیشه به او کمک کردم. حضرت عیسی علیه السلام که این ماجرا را شنید، فرمود: از جای خود برخیز. تا بلند شد و ایستاد، همه دیدند مار بزرگی در مکانی که او نشسته بود، قرار دارد! حضرت عیسی علیه السلام فرمود: به جهت آن صدقه‌ای که داده‌ای، این بلا از تو دفع شده است؛ وگرنه این مار، تو را از بین می‌برد.<sup>۱</sup>

امام صادق علیه السلام: صدقه بدهید؛ زیرا صدقه، اموال را تا حدّ زیادی افزایش می‌دهد.<sup>۲</sup>

## ظلم

در حرم حضرت معصومه علیها السلام عالم وارسته و بزرگی به نام آیت‌الله بهاء‌الدینی مدفون است. ایشان می‌فرمود: اوایل حکومت رضاخان بود. شبی رضاخان وارد قم شد و در کوچه و خیابان رفت و آمد می‌کرد. برای آن‌که زهره چشمی از مردم شهر بگیرد و آن‌ها را بترساند، دو جوان را بدون آن‌که در ظاهر کاری کرده باشند، دستگیر کرد. او بدون هیچ محاکمه و سؤال و جوابی، آن دو جوان را در مقابل چشم مردم به قتل رسانید! بنده از این کار زشت و ناجوانمردانه و وحشیانه او، بسیار ناراحت شدم؛ ولی از این‌که چرا این دو جوان انتخاب شدند، در حیرت مانده بودم. با خود گفتم باید حسابی در کار باشد. تحقیق کردم و از افرادی درباره یکی از آن دو نفر، پرس‌وجو نمودم. گفتند: روز قبل از حادثه، آن دو جوان گربه‌ای را گرفته و برای تفریح و خوشگذرانی

۱. امالی، صدوق، ص ۶۰۰.

۲. وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۲۵۷.

خود و خندانند دیگران، نفت بر سر حیوان زبان‌بسته ریخته و زنده زنده او را آتش زدند. فردای آن روز، به دست ظالمی دیگر به سزای عمل خود رسیدند.<sup>۱</sup>

### صلهٔ رحم

رسول خدا ﷺ می‌فرماید: انسانی صلهٔ رحم می‌کند، در حالی که از عمرش سه سال بیشتر باقی نمانده است؛ ولی خداوند [جهت همان صلهٔ رحم] عمر سه سال او را سی سال می‌کند و کسی نیز قطع رحم می‌کند، در حالی که از عمرش سی سال باقی نمانده؛ اما خداوند [به دلیل قطع رحم] آن عمر سی ساله را به سه سال تبدیل می‌کند.<sup>۲</sup>

امام صادق علیه السلام نیز فرموده: کسی که می‌خواهد خداوند سبحان سختی مرگش را آسان کند، باید نسبت به خویشاوندان صلهٔ رحم نماید و به والدین خود نیکی کند. در این صورت، خداوند مرگ را بر او آسان کرده و در زندگی فقیر نخواهد شد.<sup>۳</sup>

### وضو

مردی از کمی رزق و روزی خود، به نبی اکرم ﷺ شکایت کرد و چاره طلبید. آن حضرت فرمود: همواره با طهارت و وضو باش تا روزی تو زیاد شود. همین کار را انجام داد و رزق و روزی‌اش توسعه پیدا کرد.<sup>۴</sup>

### نقشه سعادت

سؤال: بچه‌ها! به نظر شما نقشه‌ای که جای مهربان‌های پازل اخلاق و احکام زندگی را به ما می‌گوید، چگونه است و از کجا یا چه کسی باید آن را بگیریم؟

مربی برای آن‌که بچه‌ها بیشتر با جایگاه مرجع تقلید آشنا شوند، می‌توانند از تصویرسازی زیر بهره ببرند.

۱. خدا انسان را برای رسیدن به کمال و سعادت آفرید.

۱. آیت بصیرت، ص ۹۹.

۲. بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۹۹.

۳. همان، ج ۷۱، ص ۹۰.

۴. مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۳۰۰.

۲. خدا نقشه کمال و سعادت انسان را در قرآن قرار داد و بر قلب پیامبر نازل کرد. پیامبر خدا ﷺ تفسیرکننده کتاب سعادت انسان بود.
۳. بعد از پیامبر، امامان معصوم علیهم السلام مفسر کتاب سعادت انسان بودند.
۴. امام دوازدهم حضرت مهدی علیه السلام، به جهت خواست خدا غائب شد. دیگر امامی نبود تا مردم مستقیماً به او رجوع کنند و او کتاب سعادت را برای آنها تفسیر کند. حضرت مهدی علیه السلام برای آنکه مردم در زمان غیبت ایشان سرگردان و حیران نشوند، راه چاره‌ای را پیش روی آنها قرار داد. ایشان فرمود: در حوادث و اتفاقات واقع شده [در زندگی تان] به روایان حدیث ما (مراجع تقلید) مراجعه کنید.
۵. مراجع تقلید، با مراجعه به قرآن و روایات اهل بیت علیهم السلام نقشه سعادت ما را در توضیح المسائل و کتاب‌های اخلاقی تهیه کرده‌اند.

### نکته

۱. مراجع تقلید توسط علما و حوزه علمیه به مردم معرفی می‌شوند.
۲. برای اطلاع از فتوای مرجع تقلید یا جواب سؤال شرعی خود می‌توان:
  - الف. به توضیح المسائل او مراجعه کرد.
  - ب. به پایگاه اینترنتی ایشان مراجعه نمود.
  - ج. به وسیله تلفن با دفتر مرجعیت تماس حاصل کرد.
  - د. حضوری به دفتر ایشان یا نمایندگان او در شهرستان‌ها مراجعه نمود.
  - ه. در نامه‌ای سؤالات خود را مطرح کرده و به نشانی دفتر مرجع تقلیدمان ارسال نماییم.

### پرسش و تمرین:

۱. معارف و دستورات دینی، از چه بخش‌هایی تشکیل شده است؟
۲. برخی از نتایج عمل نمودن به دستورات دینی را بیان نمایید.
۳. نقش مرجع تقلید در شناساندن احکام دین چیست؟
۴. طبق روایت امام حسن مجتبی علیه السلام، نیازمندی‌های زندگی انسان چه چیزهایی است؟



## درس دوم: مائده آسمانی

### موضوع

چیستی انسان و نقش ایمان و عمل صالح در زندگی او.

### هدف کلی

دانش آموز در این درس، با خود حقیقی‌اش آشنا می‌شود. همچنین تلاش می‌شود دانش آموز با عمل صالح و شیوه درست انجام آن آشنا گردد. برخی از این شیوه‌ها عبارت‌اند از:

۱. انجام عمل صالح با یاد و مدد الهی؛
۲. برطرف کردن آلودگی‌های قبل از عمل با استفاده از نماز؛
۳. میل و رغبت هنگام عمل؛
۴. استمرار در عمل؛
۵. آرامش هنگام عمل.

### هدف رفتاری

از دانش‌آموزان انتظار می‌رود که در پایان درس، میان خود جسمانی و خود حقیقی تفاوت بگذارند، رفتارهای عبادی و اعمال صالح را با کیفیت همراه کرده و از میوه شیرین اعمال صالح به‌خوبی بهره‌مند گردند.

### روش‌های مناسب تدریس

۱. توضیحی (با استفاده از تشبیه معقول به محسوس می‌توان به ابعاد دیگری از بحث دست یافت)؛
۲. فعال (پرسش و پاسخ).

## رسانه‌های آموزشی

۱. تخته سیاه یا وایت‌برد؛ ۲. استفاده از تصاویر اقسام غذاها (تصویر یا پرژکشن)

بچه‌ها دوست دارید در آینده چه کاره شوید؟

مهندس، معلم، خلبان، مکانیک، راننده یا پزشک.

چه کسی می‌تواند بگوید چرا بعضی از شغل‌ها در جامعه از ارزش بیشتری

برخوردارند؟

مثلاً ما در جامعه هم راننده نیاز داریم و هم پزشک، اما کدام ارزش بیشتری دارند؟

چرا؟

بله، شغلی مثل پزشکی، با جان انسان‌ها در ارتباط است و سلامت انسان‌های یک

جامعه، وابسته زحمات پزشکان است.

بچه‌ها دوست دارید که امروز کمی درباره پزشکی صحبت کنیم؟

بحث پزشکی را با چند سؤال آغاز می‌کنیم.

اگر از نشانه‌های مرگ موجودات مختلف بپرسیم، چه پاسخی می‌دهید؟ برای نمونه،

نشانه مرگ یک گیاه چیست؟ شاید بگویید توقف رشد و تولید مثل گیاه، زرد شدن

برگ‌ها، عدم تنفس و... .

حال اگر از نشانه‌های مرگ یک حیوان بپرسیم، چه می‌گویید؟ پاسخ، ساده است.

کافی است به علایم مرگ گیاه، نشانه‌هایی مانند توقف ضربان قلب و نبض، نابینایی،

ناشنوایی و... افزوده شود و روشن است که نشانه مرگ حیوان، از دست دادن این

علایم اختصاصی خواهد بود.

با نگاهی به پاسخ‌های پیش‌گفته، سؤال دیگری در ذهن ایجاد می‌شود: چرا در پاسخ

شما، نشانه‌های مرگ گیاه و حیوان با یکدیگر متفاوت است؟ طبیعی است که چون

نشانه‌های حیات این دو متفاوت است، علایم مرگ این دو نیز متفاوت خواهد بود.

اما نشانه‌های مرگ انسان چیست؟ در نگاه اول، پاسخ ساده است: توقف ضربان

قلب و نبض و...؛ اما این نشانه‌ها، همان علایم مرگ حیوان است و در صورت یکسان

بودن نشانه‌های مرگ، باید انسان و حیوان از یک نوع حیات برخوردار باشند؛ در حالی

که می‌دانیم زندگی انسان و حیوان، یکسان نیست.

بنابراین، نشانه درست مرگ انسان کدام است؟

با کمی دقت، متوجه می‌شویم که علامت مرگ انسانی را باید در از دست دادن ویژگی‌های اختصاصی حیات انسانی جست‌وجو کرد و نه در نشانه‌های مشترک بین انسان و حیوان؛ به بیان دیگر، ضربان قلب و نبض و... در شمار نشانه‌های حیات حیوانی انسان است و نه از نشانه‌های حیات انسانی.

بسیاری از مردم تصور می‌کنند تا وقتی قلب کار می‌کند، اعصاب فعالیت دارند، نبض می‌زند و تا وقتی انسان در روی زمین راه می‌رود، زنده است. چه موقعی می‌توان گفت که یک انسان، مُرده است؟ آن وقتی که پزشک گوشی را روی قلبش می‌گذارد و بعد اعلام می‌کند که قلب به طور کامل از حرکت ایستاده است. البته از یک جهت، همین طور است؛ ولی این، زندگی انسانی انسان نیست؛ بلکه زندگی حیوانی انسان است. انسان باید این زندگی را داشته باشد؛ ولی این، زندگی مشترک او با همه حیوان‌ها است؛ یعنی مثلاً یک سگ هم که زنده است، همین نوع زندگی را دارد. سگ هم قلبی دارد، اعصابی دارد، رگ‌هایی دارد، خونی در جریان دارد و نیز اعضا و جوارحی دارد.

ولی در قرآن یک نوع حیات دیگر، غیر از این حیات، برای انسان ذکر شده است؛ انسان در منطق قرآن کریم ممکن است زنده باشد؛ در میان مردم راه برود، قلبش ضربان داشته باشد، اعصابش کار بکند، خون در بدنش جریان داشته باشد، اما در عین حال، مُرده باشد.

قرآن می‌فرماید: «لِيُنذِرَ مَنْ كَانَ حَيًّا»<sup>۱</sup> برای این‌که هشدار دهی کسی را که زنده است. «قرآن کریم مردم را به دو دسته تقسیم می‌کند: مردم زنده و مردم مُرده. بعد می‌فرماید: این قرآن، روی افرادی اثر دارد که نشانه‌هایی از حیات در آن‌ها باشد؛ اما آن کسانی که مُرده‌اند، قرآن هم روی آن‌ها اثر نمی‌گذارد.»<sup>۲</sup>

از گفت‌وگوهای انجام‌شده به این نکته دست می‌یابیم که هستی دارای مراتبی

۱. یس، آیه ۷۰.

۲. برای مطالعه بیشتر، رک: مجموعه آثار شهید مطهری، ج ۲۵، ص ۴۴۹ - ۴۵۰؛ همان، ص ۴۴۷ - ۴۴۸.

لایه‌دار و پلکانی است و نشانه مرگ موجودات در هر مرتبه، از دست دادن علایم حیاتی اختصاصی اوست، نه نشانه‌های مشترک با موجودات دیگر. بنابراین، مرگ حقیقی انسان به توقف ضربان قلب او یا از دست دادن حواس ظاهری‌اش نیست، بلکه مرگ انسان با توجه به مرتبه حیاتی او ارزیابی می‌شود. برای مثال، انسان در مقایسه با حیوان، به جهت داشتن عقل و شعور انسانی از مرتبه بالاتر حیات برخوردار است؛ از این رو، اگر انسانی از عقل و خرد بهره نبرد، اگر چه قلب او در حال تپش است، دچار مرگ انسانی شده و فقط دارای حیات حیوانی یا گیاهی است.

به همین دلیل است که امیر مؤمنان، علی علیه السلام می‌فرماید: «زندگی، به دانایی است.»<sup>۱</sup> و یا فرموده است: «دانش فرا گیرید تا برای شما زندگی به ارمغان آورد.»<sup>۲</sup> در نتیجه، ممکن است یک شخص به‌ظاهر انسان، مرده‌ای متحرک باشد؛ حیوانی زنده و انسانی مرده؛ زیرا علایم حیات انسانی در او وجود ندارد؛ هر چند علایم حیات حیوانی را دارد.

بنابراین، ما از حیاتی با نام «حیات انسانی» برخورداریم و باید عوامل و موانع آن حیات را به‌درستی بشناسیم؛ عواملی که به آن‌ها جاهلیم و در صورت عدم توجه به این حیات وسیع، در دایره حیوانیت باقی می‌مانیم و از قرار گرفتن در مسیر انسانی محروم خواهیم بود.

چنین انسانی اگرچه دچار مرگ مغزی نیست، اما دچار مرگ انسانی است؛ مرگی که ده‌ها بار دردناک‌تر از مرگ مغزی است؛ مرگی که در آن انسان نفس می‌کشد و راه می‌رود، ولی مُرده است. می‌بیند و می‌شنود، اما در حد یک حیوان.<sup>۳</sup>

۱. غرر الحکم، ص ۶۳: «بِالْعِلْمِ تَكُونُ الْحَيَاةُ.»

۲. همان: «اَكْتَسَبُوا الْعِلْمَ يُكْسِبُكُمْ الْحَيَاةَ.»

۳. اعراف، آیه ۱۷۹: «وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ؛ و در حقیقت، بسیاری از جنیان و آدمیان را برای دوزخ آفریده‌ایم؛ [چرا که] دل‌هایی دارند که با آن [حقایق را] دریافت نمی‌کنند و چشمانی دارند که با آن‌ها نمی‌بینند و گوش‌هایی دارند که با آن‌ها نمی‌شنوند. آنان همانند چهارپایان، بلکه گمراه‌ترند. [آری،] آن‌ها همان غافل‌ماندگان‌اند.»



حالا تصور کنید خدای نکرده برای یکی از دوستان تان حادثه‌ای پیش آمده و مجروح شود. شما چه می‌کنید؟

به سرعت با اورژانس تماس می‌گیرد. شماره اورژانس چند است؟<sup>۱</sup>  
به سرعت دوستان را داخل ماشین قرار می‌دهند و ما هم همراه آن‌ها سوار ماشین آمبولانس می‌شویم. گاهی از چراغ قرمز هم رد می‌شویم؛ چون جان یک انسان در خطر است.

اما در همین حین، اتفاق عجیبی می‌افتد و ماشین متوقف می‌شود. تعجب می‌کنیم که چه اتفاقی افتاده؟ از شیشه آمبولانس بیرون را نگاه می‌کنیم، راننده از ماشین پیاده شده و با یک دستمال، مشغول پاک کردن ماشین است.

چرا؟ با ناراحتی از ماشین پیاده می‌شویم و می‌پرسیم: چرا معطل‌اید؟ چرا حرکت نمی‌کنید؟ راننده با خونسردی پاسخ می‌دهد که نظافت، امر مهمی است و ما باید به پاکیزگی ماشین اهمیت دهیم.

شما به این راننده محترم، چه پاسخی می‌دهید؟ اشتباه راننده آمبولانس چیست؟<sup>۲</sup>  
بله، راننده متوجه اهمیت جان یک انسان در مقایسه با نظافت ظاهری اتومبیلی که برای انسان‌ها ساخته شده، نشده است.

خداوند به انسان‌ها روح بخشیده و روح را سوار بر جسم آدمی کرده است؛ همانند انسانی که سوار بر ماشین می‌شود، روح نیز سوار بر جسم شده است؛ اما بسیاری از انسان‌ها سواره را فراموش کرده‌اند و فقط به وسیله‌ای که روح بر آن سوار شده، یعنی به جسم توجه دارند. پارکینگ این ماشین، کجا است؟ (خانه). چه بنزینی درون آن بریزیم؟ (چه غذایی بخورم). لاستیک‌هاش چه جوری باشد؟ (کفش‌ها). چه روکشی براش بخرم؟ (لباس‌ها). بنابراین، تمام همت و توجه من، در ماشینم خلاصه شده است. اما چه به روز این بنده خدایی که سوار این جسم (ماشین) شده، می‌آید؟ فقط خدا می‌داند و بس!

---

۱. بیان بعضی از خاطرات ناگوار، اما مرتبط و زیبا، بسیار مناسب است.

۲. شنیدن پاسخ دوستان کلاس.

ما امروز می‌خواهیم ماشین جسم را توی پارکینک پارک کنیم و کمی درباره وضعیت سلامت روح گفت‌وگو کنیم. اولین نکته‌ای که درباره روح باید دانست، وضعیت غذایی او است.

از مهم‌ترین عوامل سلامت، نوع تغذیه انسان است.

بچه‌ها! برای این که جسم انسان سالم باشد، باید تغذیه مناسب داشته باشد، غذاهایی مانند: گوشت، مرغ، سبزیجات، لبنیات و شیر؛ پفک، چیپس، نه نه نه. بعضی از غذاها اگرچه خوش مزه‌اند، اما نه تنها مفید نیستند، بلکه سلامت انسان را هم به خطر می‌اندازند.

از دیدگاه اسلام، روح انسان دارای دو نوع غذای مهم است: اول ایمان و دوم عمل صالح.

در قرآن کریم، بعضی کلمات و جمله‌ها بسیار تکرار شده است؛ به طوری که آن کلمات و جمله‌ها، زبانزد عموم‌اند و معروف شده‌اند، مانند ایمان و عمل صالح که معمولاً با ترکیب «الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ» آمده است.<sup>۱</sup> از این جا می‌توان فهمید که این کتاب مقدس آسمانی، تا چه اندازه سعادت بشر را در گرو این دو چیز می‌داند. پس معلوم می‌شود که سعادت انسان، دو رکن دارد: ایمان و عمل.

ایمان، یعنی باور داشتن به خداوند هستی‌بخش و یگانه، معاد، نبوت پیامبران علیهم‌السلام و عدل الهی.

و عمل صالح، عملی است که دو شرط اساسی دارد:

۱. برای خدا انجام شود؛ نه برای مثلاً قدرت‌نمایی، شهرت یا ریا.
  ۲. کار خوبی باشد و به گناه آلود نباشد، مانند: نماز، روزه، درس خواندن، احترام به پدر و مادر و خلاصه تمامی رفتارهایی که خداوند به انجام آن‌ها فرمان داده است.
- اما پرسش مهم این جاست که آیا تنها نیت انسان پاک باشد و رفتار خوبی انجام

۱. بشارت قرآن، برای انسان‌هایی است که جامع حُسن فاعلی (ایمان و نیت خالص) و حُسن فعلی (علم صالح) باشند؛ زیرا برای ورود به بهشت، اجتماع حُسن فعلی و فاعلی لازم است؛ هرچند برای سقوط در جهنم، فقدان یکی از آن دو کافی است.

دهد، روح انسان رشد می‌کند؟ اجازه دهید پرسش را به شکل دیگری بپرسیم: آیا ممکن است شخصی غذای خوبی بخورد، اما رشد نکند و این غذا در بدن او تبدیل به گوشت و استخوان نشود؟

پاسخ مثبت است؛ اما چرا؟<sup>۱</sup>

بله، ممکن است یک شخص غذا بخورد؛ اما رشد مناسبی نداشته باشد؛ چرا؟ چون با شیوه صحیح غذا خوردن آشنا نبوده است. بچه‌ها چه کسی می‌تواند بگوید تغذیه درست (درست غذا خوردن) چه شرایطی دارد؟

بله، درست است:

۱. قبل از غذا دست‌ها را بشویم.
۲. با «بسم الله الرحمن الرحيم» غذا را آغاز کنیم.
۳. غذا را تند تند نخوریم.
۴. زمان مناسبی را برای خوردن غذا انتخاب کنیم؛ مثلاً صبح، بهترین وقت غذا خوردن است و آخر شب، بدترین وقت تغذیه.<sup>۲</sup>
۵. به اندازه غذا بخوریم؛ نه چندان بخور که از دهانت برآید، نه چندان بخور که جانت درآید؛ نه کم و نه زیاد.
۶. از غذاهای سالم و پر انرژی، مانند: لبنیات، گوشت‌ها، سبزیجات و... استفاده کنیم؛ نه غذاهای زیان‌آور مانند: نوشابه‌ها، چیپس، پفک و...<sup>۳</sup>
۷. با اشتها و میل غذا بخوریم و اگر گرسنه نیستیم یا میل به غذایی نداریم، به زور آن را نخوریم؛ چرا که چنین غذایی، جذب بدن نمی‌شود و فقط دفع می‌شود.
۸. به طور مستمر، تغذیه‌ای سالم داشته باشیم؛ نه این‌که یک روز غذای خوب

---

۱. شنیدن پاسخ دانش‌آموزان.

۲. مستدرک الوسائل، ج ۱۶، ص ۲۶۶. در روایات، توصیه شده است که شام ترک نشود؛ ولی به خوردن شام در ابتدای شب توصیه شده است.

۳. یادآوری انواع غذاها مفید و فواید آن‌ها یا ایجاد نشاط از طریق به نمایش درآوردن چگونگی تغذیه نامناسب (مثل تند تند غذا خوردن)، موجب نشاط در کلاس می‌گردد.

بخوریم و روز بعد غذای نامناسب؛ یک وعده غذایی، به‌تنهایی برای سلامتی کافی نیست؛ بلکه گاهی برای جبران کمبود آهن یا ید در بدن، ماه‌ها باید غذاهایی مانند سبزیجات مصرف کرد.

بچه‌ها! تغذیه روح نیز همین‌گونه است؛ برای نمونه، برخی از آداب عمل صالح این چنین است:

۱. انسان باید هر عمل صالحی را با «بسم الله الرحمن الرحيم» آغاز کند و از خداوند برای انجام اعمال خیر یاری بجوید.

از علی رضی الله عنه روایت شده است: «وقتی بسم الله الرحمن الرحيم بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نازل شد، آن حضرت فرمود: اولین بار که این آیه بر حضرت آدم نازل شد، فرمود: تا زمانی که فرزندان من این آیه را قرائت کنند، از عذاب [الهی] در امان خواهند بود.»<sup>۱</sup>

۲. اگر کسی بعضی عبادات را به‌تندی انجام دهد، مانند این است که غذا را نجویده بخورد. این غذا هضم و جذب بدن نمی‌شود و موجب سلامتی نمی‌گردد. اگر انسان نمازش را تند بخواند، ثمره‌ای برایش نخواهد داشت؛ بلکه باید نمازش را با آرامش و دقت بخواند.

در روایات اسلامی، بر رعایت آداب نماز و انجام درست و صحیح آن، توصیه‌های متعددی شده است؛ از جمله این‌که روزی حضرت علی بن ابی‌طالب رضی الله عنه شخصی را در حال نماز خواندن دیدن که به‌سرعت نماز خود را می‌خواند. پس از نماز، حضرت به او فرمود: چه مدت است که چنین نماز می‌خوانی؟ آن مرد عرض کرد: از فلان وقت.

حضرت فرمود: مثل تو نزد خداوند، مثل کلاغ است که دانه را نوک می‌زند. بدان اگر تو در این حال بمیری، بر غیر دین پیامبر صلی الله علیه و آله مرده‌ای.<sup>۲</sup>

۳. هر عمل را در زمان مناسب خودش انجام دهد؛ مثلاً روزه اگرچه همیشه خوب است، اما روزه‌های مستحبی در ماه‌های رجب و شعبان، بسیار با اهمیت و در سلامت

۱. ملکی تبریزی، اسرار الصلوة، ص ۲۲۶.

۲. بحار الأنوار، ج ۸۴، ص ۲۴۱.

روح مؤثر است. همچنین نماز اول وقت، با نمازی که در آخر وقت خوانده شود، تفاوت بسیاری دارد.

۴. بچه‌ها! چه کسی می‌داند که انسان قبل از عمل صالح چگونه باید روحش را شستشو دهد؟

بله، روایت مهمی نقل شده که حضرت علی علیه السلام روزی رو به سوی مردم کرد و فرمود: به نظر شما امیدبخش‌ترین آیه قرآن کدام آیه است؟ بعضی گفتند: آیه «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ»<sup>۱</sup> خداوند هرگز شرک را نمی‌بخشد و پایین‌تر از آن را برای هر کس که بخواهد، می‌بخشد.»

امام فرمود: خوب است؛ ولی آنچه من می‌خواهم نیست. بعضی گفتند: آیه «وَمَنْ يَعْمَلْ سُوءًا أَوْ يَظْلِمْ نَفْسَهُ ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ اللَّهَ يَجِدِ اللَّهَ غَفُورًا رَحِيمًا»<sup>۲</sup> هر کس عمل زشتی انجام دهد یا بر خویشتن ستم کند و سپس از خدا آمرزش بخواهد، خدا را آمرزنده و مهربان خواهد یافت.»

امام فرمود: خوب است؛ ولی آنچه را می‌خواهم، نیست. بعضی دیگر گفتند: آیه «قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ»<sup>۳</sup> ای بندگان من که در اثر گناه، بر خویشتن زیاده‌روی کرده‌اید، از رحمت خدا مأیوس نشوید. در حقیقت، خدا همه گناهان را می‌آمرزد که او خود آمرزنده مهربان است.»

امام فرمود: خوب است؛ اما آنچه را می‌خواهم، نیست. بعضی دیگر گفتند: آیه «وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَمَنْ يَغْفِرِ اللَّهُ لَهُ إِلَّا اللَّهُ وَلَمْ يُصِرُّوا عَلَىٰ مَا فَعَلُوا وَهُمْ يَعْلَمُونَ»<sup>۴</sup> پرهیزکاران کسانی هستند که هنگامی که

۱. نساء، آیه ۴۸.

۲. نساء، آیه ۱۱۰.

۳. زمر، آیه ۵۳.

۴. آل‌عمران، آیه ۱۳۵.

کار زشتی انجام می‌دهند، یا به خود ستم می‌کنند، به یاد خدا می‌افتند، از گناهان خویش آمرزش می‌طلبند و چه کسی است جز خدا که گناهان را بیامرزد.»

باز امام فرمود: خوب است؛ ولی آنچه می‌خواهم، نیست. در این هنگام، مردم از هر طرف به سوی امام متوجه شدند و همه‌همه کردند. امام فرمود: چه خبر است ای مسلمانان؟ عرض کردند: به خدا سوگند، ما آیه دیگری در این زمینه سراغ نداریم. امام فرمود: از حبیب خودم رسول خدا شنیدم که فرمود:

«امیدبخش‌ترین آیه قرآن این آیه است: «وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفَيِ النَّهَارِ وَزُلْفًا مِّنَ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ ذَلِكَ ذِكْرَى لِلذَّاكِرِينَ»<sup>۱</sup> نماز را در قبل و بعد از ظهر و بخشی از شب به پادار که خوبی‌ها، بدی‌ها را نابود می‌کند. این تذکری است برای آنان که اهل تذکرند.»

و فرمود: ای علی! آن خدایی که مرا به حق مبعوث کرده و بشیر و نذیرم قرار داده یکی از شما که برمی‌خیزد برای وضو گرفتن، گناهانش از جوارحش می‌ریزد، و وقتی به روی خود و به قلب خود متوجه خدا می‌شود از نمازش کنار نمی‌رود مگر آنکه از گناهانش چیزی نمی‌ماند، و مانند روزی که متولد شده پاک می‌شود، و اگر بین هر دو نماز گناهی بکند نماز بعدی پاکش می‌کند، آن‌گاه نمازهای پنج‌گانه را شمرد بعد فرمود: یا علی جز این نیست که نمازهای پنج‌گانه برای امت من حکم نهر جاری را دارد که در خانه آن‌ها واقع باشد، حال چگونه است وضع کسی که بدنش آلودگی داشته باشد، و خود را روزی پنج نوبت در آن آب بشوید؟ نمازهای پنج‌گانه هم به خدا سوگند برای امت من همین حکم را دارد.<sup>۲</sup>

۵. عمل صالح را به اندازه انجام دهد؛ برای مثال، این گونه نباشد که در عبادات افراط و تفریط یا زیاده‌روی و کوتاهی کند. انسان وقتی سالم است که میان اندامش تناسب وجود داشته باشد و اگر عضوی بزرگ‌تر یا کوچک‌تر از حد معمول باشد،

۱. هود، آیه ۱۱۴.

۲. تفسیر نور (۱۰ جلدی)، ج ۴، ص ۱۲۹.

ناقص الخلقه به حساب می‌آید. در امور معنوی نیز انسان باید ارزش‌ها را به طور هماهنگ در خود پرورش دهد.

امام صادق علیه السلام داستانی نقل می‌کند. فرمود: مردی بود مسلمان و عابد؛ همسایه‌ای داشت مسیحی، با او رفت‌وآمد می‌کرد تا کم‌کم تمایل به اسلام پیدا کرد و به دست او مسلمان شد. بعد، این آدم به خیال خودش خواست او را خیلی مسلمان کند و به ثواب بسیاری برساند. آن بیچاره که تازه مسلمان شده بود و فردا روز اول اسلامش بود، یک وقت دید که قبل از طلوع صبح کسی در خانه‌اش را می‌زند. گفت: کیستی؟ آن مرد پاسخ داد: من همسایه مسلمان توأم. مسیحی تازه‌مسلمان گفت: چه کاری پیش آمده؟ گفت: من آمده‌ام که با همدیگر برای عبادت به مسجد برویم.

بیچاره بلند شد، وضو گرفت و به مسجد رفت. [پس از خواندن نمازهای نافله] گفت: تمام شد؟ گفت: نه، نماز صبحی هم هست. نماز صبح را هم خواند. تمام شد؟ نه، بگذار نافله بخوانیم، مستحب است. آن قدر نافله بخوانیم که بین الطلوعین بیدار باشیم. آفتاب طلوع کرد. گفت: یک مقدار بعد از آفتاب هم [عبادت کنیم]. ظهر هم او را برای نماز ننگه داشت و گفت: تو که غذا نخورده‌ای، نیت روزه هم بکن. تا عصر نیز نگاه داشت و خلاصه او را تا دو ساعت از شب گذشته رها نکرد. فردا صبح که رفت در خانه‌اش را زد، گفت: کیستی؟ گفت: برادر مسلمانم. برای چه آمده‌ای؟ آمده‌ام برویم برای عبادت. گفت: این دین برای آدم‌های بیکار خوب است؛ ما استعفا دادیم، رفتیم به دین اول. بعد امام صادق علیه السلام فرمود که این‌طور نباشید. این شخص، انسانی را مسلمان کرد و بعد به دست خودش، او را مرتد و کافر کرد.<sup>۱</sup>

۶. با میل و رغبت عمل صالح را انجام دهد؛ یعنی همان گونه که تغذیه در هنگام میل و اشتها به یک غذا، عامل مهمی در جذب آن به بدن و تبدیل آن به سلول‌های جسمی انسان است، انجام عمل صالح به هنگام رغبت و میل، عامل جذب و تبدیل آن به فضیلت‌های انسانی است. انجام عمل با حالتی کسل و بی‌حوصله، نه تنها سبب جذب عمل نیست، بلکه عامل دور شدن ما از هدف آن عمل نیز می‌باشد؛ برای نمونه،

---

۱. سیری در سیره نبوی، ص ۲۱۳.

نماز خواندن با حالت کسالت، مانند صحبت کردن با حالت بی‌میلی با یک دوست است. این صحبت کردن، نه تنها ما را به او نزدیک نمی‌کند، بلکه سبب ناراحتی او نیز می‌گردد.

بنابراین، باید تلاش کنیم هنگام عمل نشاط پیدا کنیم. چگونه است که هنگام غذا خوردن با رنگ‌آمیزی و چیدن سفره زیبا، اشتهای انسان تحریک می‌شود، در عمل صالحی مانند نماز نیز انسان با داشتن جا نمازی زیبا و زدن عطر و مسواک و... میل به عبادت پیدا می‌کند و با رغبت به نماز می‌ایستند. در روایات می‌خوانیم: «إِنَّ لِلْقُلُوبِ إِقْبَالَاً وَإِدْبَاراً»<sup>۱</sup>؛ روح انسان، گرایش و فرار دارد. هرگاه رو می‌کند و گرایش دارد، از آن باید بهره‌گیری نمود و هرگاه آمادگی ندارد، نباید به آن فشار آورد؛ زیرا ناخودآگاه، واکنش منفی نشان می‌دهد.

۷. تمرین و استمرار در عمل صالح، بسیار مهم است. اگر نگاهی کوتاه به توانمندی‌های ورزشی، علمی یا شغلی خود بیندازیم، به‌روشنی در می‌یابیم که این توانمندی‌ها برآمده از تمرین و مداومت بوده است؛ برای نمونه، یک شناگر بعد از آموزش درست، تنها به وسیله تمرین و مداومت در آن است که می‌تواند این ورزش را بخشی از روح خود کند. شخصی که شنا نمی‌داند، در ابتدا از آب، وحشت فراوانی دارد؛ اما همین فرد بر اثر تمرین و مداومت، آنچنان توانمند می‌گردد که به‌راحتی روی سطح آب می‌خوابد و از شنا کردن لذت می‌برد. در بهره‌مندی از عمل صالح نیز تمرین و مداومت، اصلی غیرقابل انکار است؛ برای مثال، شاید در ابتدا صدقه دادن به دیگران (به مقدار زیاد) کاری دشوار باشد، اما با تمرین و مداومت، بعد از مدتی انسان به‌راحتی می‌تواند از مبلغ فراوان بگذرد و به دیگران کمک کند.<sup>۲</sup>

۱ بحار الأنوار، ج ۷۸، ص ۳۵۷.

۲. اهمیت اشتیاق به عمل، به گونه‌ای است که شهید مطهری (ره) درباره مداومت در عمل می‌گوید: «آن‌گاه در باب نوافل هم گفته‌اند که یک دفعه خواندن [و] یک دفعه نخواندن، کار صحیحی نیست؛ یک دفعه انسان نافلة صبح را بخواند، یک دفعه نخواند؛ یک دفعه نافلة مغرب را بخواند، یک دفعه نخواند؛ یک دفعه نافلة عشا را بخواند، یک دفعه نخواند؛ یک دفعه نافلة شب را بخواند، یک دفعه نخواند. آن اثر نمی‌بخشد؛ مداومت بر این مستحبات و نوافل است که اثر می‌بخشد.» (مجموعه آثار، ج ۲۷، ص ۷۱۱-۷۱۲)



### پرسش و تمرین:

۱. چگونه می‌توان از انجام یک عمل صالح لذت برد؟
۲. امیدبخش‌ترین آیه قرآن کریم را بیان کنید.
۳. راه‌های تحریک اشتهای انسان به عمل صالح را بیان نمایید.
۴. رابطه خود حقیقی و خود غیر حقیقی انسان را در قالب مثال بیان کنید.
۵. انسان حیات حقیقی خود را از چه راهی به دست می‌آورد؟



## درس سوم: مائده ملکوتی

### موضوع

ضرورت انس با قرآن، و مراحل و شیوه حضور قرآن در زندگی.

### هدف کلی

ارتقای انگیزه نوجوان در زمینه انس با قرآن و مواجهه با قرآن به عنوان کتاب زندگی، همراه با تبیین مراحل و شیوه توجه و انس با قرآن.

### هدف رفتاری

امید است که نوجوانان عزیز با الگوگیری از سیره اهل بیت علیهم السلام و بزرگان توجه بیشتری به قرآن در زندگی داشته باشند؛ همچنین طبق روش‌های پیشنهادی، انس با قرآن را فراتر از تلاوت آیات بدانند و با مفاهیم آن آشنا شود.

### روش‌های مناسب تدریس

۱. توضیحی - توصیفی؛ ۲. روش فعال (استفاده از پرسش و پاسخ برای بهره بردن از آگاهی‌های نوجوان در ضمن بحث)؛ ۳. جدول؛ ۴. معما؛ ۵. داستان.

### رسانه‌های آموزشی

تخته و ماژیک، فلش کارت.

سلام بچه‌های عزیز!

امیدوارم همیشه، خوب و شاد و سلامت و سرزنده باشید. قبل از شروع برنامه، اجازه دهید جهت تعجیل در فرج و سلامتی امام عصر علیه السلام به پیشگاهش همه با هم صلواتی را هدیه کنیم:

«اللهم صلی علی محمد و آله محمد و عجل فرجهم.»

دوستان من! چند دایره روی تخته می‌کشم و از شما عزیزان می‌پرسم که به نظر شما، با این دایره‌ها چه کلمه‌ای را می‌توان نوشت؟ (مربی دایره‌ها را به ترتیب شماره رسم می‌کند. سپس مطابق شکل، آن را کامل می‌کند.)

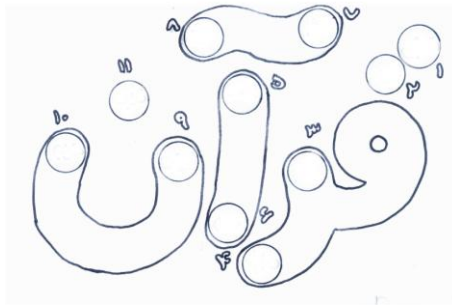
دقت کنید من کم‌کم برخی از قسمت‌ها را به هم وصل می‌کنم. شما حدس بزنید که چه کلمه‌ای است؟ هم‌زمان با وصل کردن دایره به هم، به این حکایت گوش کنید و حدس بزنید این حکایت از زبان کیست؟

... شرح مسلمان شدنش را چنین می‌گوید: در نیویورک که بودم یک روز در کتابخانه قدم می‌زدم و کتاب‌ها را نگاه می‌کردم؛ چشمم افتاد به کتابی که رویش نوشته شده بود: قرآن کریم. کنجکاو شدم که ببینیم در قرآن چه چیزی آمده است؛ آن را برداشتم و شروع کردم به ورق زدن، و آیاتش را به انگلیسی خواندم. احساس کردم که این کلمات، کلماتی نورانی است و نمی‌تواند گفته بشر باشد. خیلی تحت تأثیر قرار گرفتم. آن را امانت گرفتم و بیشتر مطالعه کردم و احساس کردم که آن را می‌فهمم و قبول دارم. ... بعد از این قضیه، به یک مرکز اسلامی در نیویورک مراجعه می‌کند و درخواستش مبنی بر این‌که می‌خواهد مسلمان شود را مطرح می‌کند و مسلمان می‌شود.<sup>۱</sup> شما را یک راهنمایی می‌کنم؛ نام چیزی است که جایش در زندگی ما روی تاقچه، سر سفره عقد، گوشه کتابخانه، و سر قبر و مجلس فاتحه مردگانمان است؛ البته از همه مهم‌تر این‌که: کتاب بزرگ زندگی است! خوب، جواب این سؤال چیست؟ شما بگو. آفرین! «قرآن کریم.»

خوب، بچه‌ها این دوستان را تشویق کنید. ممنونم. حالا برای سلامتی‌اش، یک کف مرتب، نه یک صلوات قشنگ بفرستید. آفرین به بچه‌های گلم!

---

۱. نام این فرد، «ادواردو آنیلی» می‌باشد که پدرش سناتور ثروتمندی می‌باشد که مالک چند کارخانه اتومبیل‌سازی مانند کارخانه فیات و چند بانک خصوصی می‌باشد.



سه نفر از سران قریش: ابوسفیان، ابوجهل و اخنس بن شریف، شبی از شب‌ها برای شنیدن آیات قرآن به طور مخفیانه نزدیک خانه پیامبر ﷺ آمدند. پیامبر ﷺ در حالی که آیات قرآنی را تلاوت می‌کرد، هر کدام در گوشه‌ای پنهان شدند؛ بدون آن‌که دیگری با خبر شود و تا صبح، گوش به تلاوت قرآن سپردند. هنگام طلوع فجر متفرق شدند؛ ولی در راه یکدیگر را دیدند؛ در حالی که هر کدام دیگری را سرزنش می‌کرد و با هم پیمان بستند که دیگر این کار تکرار نشود. شب دیگر، همان کار را تکرار کردند و صبح، هنگامی که یکدیگر را در مسیر دیدند، همان سخنان شب قبل و همان سرزنش‌ها را بر زبان راندند. دوباره با هم قرار گذاشتند که دیگر تکرار کارشان را نکنند و سپس به خانه‌های خود رفتند.

شب سوم نیز همین مسأله تکرار شد و صبح‌هنگام که یکدیگر را ملاقات کردند، به هم گفتند: «ما از این مکان، تکان نمی‌خوریم تا عهد و پیمان ببندیم که برای همیشه این کار را ترک کنیم.» در نهایت، پیمان بستند و متفرق شدند.<sup>۱</sup>

**بچه‌ها! به نظر شما چرا قرآن بر ذهن و روح و رفتار ما اثر نمی‌گذارد؟**  
به نظر من، قرآن سبب دو عامل است که حتی چنین آدم‌ها (مشرکان) را به سوی خود جذب می‌کند:

---

۱. پیام قرآن، به نقل از سیره ابن هشام.

۱. **خود قرآن:** معارف و محتوای قرآن از یک سو، و زیبایی بیان و رسایی قرآن از سوی دیگر؛

۲. **پاکی روح و روان پیامبر:** پیامبر به عنوان قرائت‌کننده قرآن، آیات الهی را با تمام شرایط تلاوت می‌کرد و با پاکیزگی جسم و روح، به قرآن و معارف آن توجه می‌کرد.

این شعر، در وصف کیست؟ آیا می‌توانید مصرع دوم آن را تکمیل نمایید؟

چه خوش است صوت قرآن ز تو دل‌با شنیدن

به رخت نظاره کردن سخن خدا شنیدن<sup>۱</sup>

حالا می‌توانید پاسخ سؤال من را بدهید که چرا قرآن آن گونه که باید و شاید بر ما

تأثیر ندارد و ما چندان با قرآن مأنوس نیستیم؟

خود قرآن که در دسترس ما است و خودش را از ما دریغ نکرده است. پس ما

زمینه‌ها را در خودمان آماده نکرده‌ایم تا از باران و برکات قرآن در زندگی مادی و

معنوی‌مان استفاده کنیم.

### حکایت

یک ماهی قرمز زیبا و کنجکاو شنیده بود که در دنیا چیزی به نام «آب» وجود دارد.

او همچنین شنیده بود که آب، یکی از مهم‌ترین نعمت‌های خدا است که به برکت آن،

تمام هستی زنده است و طراوت دارد.

این ماهی به راه افتاد تا شاید به آب دست پیدا کند و از نزدیک، با این نعمت

خداوند آشنا شود؛ او دریای پهناور را طی کرد و به هر موجود زنده‌ای یا ماهی کوچک

و بزرگی که می‌رسید، از آب سراغ می‌گرفت تا این‌که موج بزرگی آمد و او را به ساحل

دریا پرتاب کرد. ماهی بیچاره، لَه‌لَه زنان، مرگ و پایان زندگی را پیش چشم خود

می‌دید و این‌جا بود که فهمید نعمت آب همان بوده است که در آن شناور بوده و به

برکت آن، زنده بوده است.

---

۱. معروف است که مرحوم سید بحرالعلوم، هنگامی که امام زمان علیه السلام را در حال قرآن خواندن در حرم امیر مؤمنان علیه السلام

دیدند، این شعر را سرودند.

بچه‌ها، مثل ما نسبت با قرآن، مانند قصه ماهی و آب است که چون در اختیار ما است و به حضور او در کنارمان عادت کرده‌ایم، قدرش را نمی‌دانیم و از آن استفاده و بهره نمی‌بریم؛ تا زمانی که مرگمان فرا رسد و زندگی را از کف بدهیم و دستمان از «زندگی قرآنی» کوتاه شود.

این‌جا است که آورنده قرآن، پیامبر ﷺ در روز قیامت شکایت می‌کند که:  
«قَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا»<sup>۱</sup> رسول خدا می‌گوید [شکایت می‌کند]: ای پروردگار من! همانا قوم من قرآن را رها کردند.»  
علاوه بر این، خود قرآن نیز در پیشگاه خداوند از کسانی که قرآن را رها نموده و از آن بهره نبرده‌اند، شکایت می‌کند.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «سه کس نزد خدا شکایت می‌کنند؛ مسجد ویرانی که اهل آن در آن نماز نمی‌گذارند و عالمی که در بین نادانان قرار گرفته و قرآن رها شده‌ای که گرد و غبار روی آن نشسته و خوانده نمی‌شود.»<sup>۲</sup>

تا حالا نتیجه گرفتیم که بهره نبردن ما از قرآن، به جهت کوتاهی خودمان است؛ زمین چشم و ذهن و دل‌مان را تا شخم نزنیم، از برکات باران هدایت قرآن بی‌بهره‌ایم. قبل از پرداختن به وظایف ما در قبال قرآن و برای بهره بردن از قرآن باید بدانیم هدف نزول قرآن چیست؟ و قرآن چه ثمری برای ما دارد؟

هدف از نزول قرآن، به صورت روشن در آیه ۸۹ سوره نحل آمده است: «وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ.»

### مراحل و شیوه توجه و انس با قرآن

مراحل توجه به قرآن، شامل چند تا «ت» است. آیا شما می‌توانید چند تا از آن‌ها را نام ببرید؛ تا در مورد آن‌ها توضیح دهم.

۱. اصول کافی، ج ۲، ص ۶۰۶.

۲. همان، ص ۱۱۸.

- ۱. تعلم
- ۲. تعلیم
- ۳. تکریم
- ۴. تلاوت
- ۵. تحفظ
- ۶. تفکر
- ۷. تدبیر
- ۸. تمسک و تأثیر

### ۱. تعلم (یاد گرفتن)

امام صادق علیه السلام: «سزاوار است انسان مؤمن نمیرد، مگر آن‌که یا قرآن را فراگرفته باشد، یا در حال فراگیری آن باشد.»<sup>۱</sup>

### ۲. تعلیم (یاد دادن)

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله: «بهترین شما کسی است که قرآن را یاد بگیرد و یاد بدهد.»<sup>۲</sup>  
وقتی سوره الرحمن نازل شد، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به یارانش فرمود: «چه کسی حاضر است این سوره را برای بزرگان قریش بخواند؟»  
همه ساکت شدند و هیچ کس جوابی نداد؛ چون همه از اذیت و آزار بزرگان قریش می‌ترسیدند. عبدالله بن مسعود بلند شد و گفت: «ای رسول خدا! من این کار را انجام می‌دهم.» ابن مسعود، لاغر و ضعیف بود. او پیش بزرگان قریش رفت که همگی دور خانه کعبه جمع شده بودند و سوره الرحمن را برای آن‌ها خواند. ابوجهل به او حمله کرد و یک سیلی محکم به صورت او زد که از گوشش خون آمد.<sup>۳</sup>

۱. اصول کافی، ج ۲، ص ۵۹۹.

۲. مستدرک الوسائل، ج ۴، ص ۲۳۳.

۳. محمدرضا اکبری، داستان‌های پیروان وحی، ص ۲۲.



### ۳. تکریم

از امام صادق علیه السلام روایت شده که: خداوند روز قیامت درباره قرآن به عزت و جلالت و ولایت خود سوگند می‌خورد که: «کسانی که تو را اکرام و احترام کردند، اکرام کنم و هر که تو را خوار ساخت، خوار می‌کنم».<sup>۱</sup>

به یقین، این روایت، هم احترام ظاهری و هم احترام باطنی به قرآن را در بر می‌گیرد. مصادیق متعددی را برای حفظ احترام ظاهری به قرآن می‌توان بر شمرده؛ مثل: روی زمین نگذاشتن قرآن، نگهداری آن در جای مناسب، مؤدب نشستن در محضر قرآن، قرار ندادن چیزی بر روی قرآن.

نوشته‌اند که امام خمینی (ره) به طور معمول در حسینیه جماران روی صندلی می‌نشست؛ ولی یک روز وقتی وارد حسینیه شد، با این که صندلی در جای خود بود، روی زمین نشست؛ زیرا آن روز نفرات ممتاز مسابقات قرآن آمده بودند و قرار بود در آن جلسه، چند آیه از قرآن تلاوت شود.<sup>۲</sup>

خاطره دیگر این که روزی امام خمینی (ره) طبق معمول، روی صندلی نشسته بود که قرآنی آوردند و روی زمین گذاشتند. امام وقتی متوجه شد، بی‌درنگ آن را برداشت و روی میزی که در کنارش بود، گذاشت و فرمود: «قرآن را روی زمین نگذارید».<sup>۳</sup>

بهرتر است قاری قرآن، هنگام تلاوت آیات، مؤدب و رو به قبله بنشیند و هنگام تلاوت قرآن، از خندیدن و شوخی و مزاح و... بپرهیزد.

### ۴. تلاوت (خواندن)

از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده، خانه‌هایتان را با تلاوت قرآن نورانی کنید و آن‌ها را مثل یهودیان و مسیحیان تبدیل به گورستان نکنید؛ چرا که آنان، عباداتشان را فقط در

---

۱. وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۸۲۷.

۲. همان.

۳. همان، ص ۱۱۵.

کلیساها و کنیسه‌ها به جا می‌آوردند. هر خانه‌ای که در آن قرآن زیاد تلاوت شود، خیر و برکت آن افزوده می‌گردد و اهل آن در وسعت قرار می‌گیرند و...<sup>۱</sup> بچه‌ها این نور را چه کسانی می‌بینند؟ فرشتگان آسمان. در ادامه این روایت آمده: و آن خانه برای اهل آسمان نورافشانی می‌کند؛ همان طور که ستارگان برای اهل دنیا نور می‌دهند.

تلاوت قرآن، دارای شرایط و آدابی است که اگر انسان آن‌ها را رعایت نماید، روح و روان خود را آماده می‌کند تا از سفره قرآن بهره‌بردار؛ چنان‌که کسی که بر سر سفره می‌نشیند، برای استفاده بهتر از غذای داخل آن، باید مقدماتی را رعایت نماید.

### (۱) پاکیزگی روحی (طهارت با غسل یا وضو یا تیمم):

از امیر مؤمنان علیه السلام روایت شده: «به کسی که قرآن را با وضو بخواند، ۲۵ حسنه و به کسی که بدون وضو قرآن بخواند، ۱۰ حسنه می‌دهند.»<sup>۲</sup> البته استحباب وضو، برای قرائت است؛ وگرنه کسی که می‌خواهد دست بر آیات الهی بگذارد، باید وضو داشته باشد.

### (۲) بهداشت و پاکیزگی دهان:

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: راه قرآن را پاکیزه کنید. سؤال شد: ای رسول خدا! راه قرآن چیست؟

بچه‌ها! آیا شما می‌توانید حدس بزنید راه قرآن چیست؟ فرمود: دهان‌هایتان. پرسیدند: چگونه؟ فرمود: با مسواک زدن.<sup>۳</sup> با ظاهری آراسته به محضر قرآن رفتن، پسندیده‌تر از حالات دیگر است.

### (۳) دعا خواندن:

از مستحباب پیش از تلاوت قرآن، دعا کردن است. در این باره دعای متعددی از اهل بیت: روایت شده و در ابتدای بسیاری از قرآن‌ها چاپ شده است که می‌توان آن‌ها را مشاهده نمود.

۱. اصول کافی، ج ۲، ص ۴۴۶.

۲. وسائل الشیعه، باب ۱۳ از ابواب قرآنة القرآن، ج ۳.

۳. میزان الحکمه، ج ۸، ص ۸۶، ح ۸۵.

#### (۴) استعاذه:

شایسته است به هنگام تلاوت، از شرّ شیطان رانده شده به خدا پناه ببریم؛ زیرا خداوند در قرآن می‌فرماید: «فاذا قرأت القرآن فاستعذ بالله من الشیاطن الرجیم؛<sup>۱</sup> چون خواستی قرآن قرائت کنی، پس، از شیطان رانده شده به خداوند پناه ببر.»

#### (۵) زمان تلاوت:

اگرچه تلاوت قرآن، زمان خاصی نمی‌شناسد، ولی در برخی از زمان‌ها سفارش بیشتری به تلاوت شده است.

- ماه مبارک رمضان: از پیامبر ﷺ روایت شده: «هر کس در این ماه یک آیه قرآن بخواند، مثل کسی است که در ماه‌های دیگر یک بار قرآن را ختم کند.»<sup>۲</sup>

حضرت امام خمینی (ره) با قرآن انس بسیار داشت و در شبانه‌روز، به‌خصوص هنگام نماز شب، به تلاوت قرآن می‌پرداخت و در هر فرصتی که به دست می‌آورد، مشغول تلاوت قرآن می‌شد. هنگامی که در پاریس تبعید شده بود، وقتی خبرنگارها برای مصاحبه به محضرش می‌آمدند، معمولاً حدود ده دقیقه برای آماده کردن دوربین‌هایشان معطل می‌شدند. امام در همین فرصت، به تلاوت قرآن مشغول می‌شد. بعضی از حاضران می‌گفتند: خود را برای مصاحبه آماده کنید. ایشان فرمود: آیا در این چند دقیقه وقتم ضایع شود؟

علاوه بر این، هر سال چند روز قبل از ماه رمضان، حضرت امام خمینی (ره) دستور می‌دادند: برای افرادی که مورد نظر ایشان بود، چند بار قرآن قرائت شود.<sup>۳</sup>

حتی ایشان در روزهای آخر عمر که در بستر بیماری بود، دوربین مخفی، لحظه‌های دشوار زندگی‌اش را ثبت کرد و همه دریافتند که در نیمه شب، قرآن به دست داشت و مشغول تلاوت بود.

---

۱. نحل، آیه ۹۸.

۲. اصول کافی، ج ۲، ص ۶۱۸ و ۶۱۷.

۳. سرگذشت‌های ویژه از زندگی امام خمینی، ج ۵، ص ۶۸-۷۰.

علامه طباطبایی، مفسر بزرگ شیعی و صاحب تفسیر المیزان، شب‌های ماه رمضان تا صبح بیدار بود، مقداری مطالعه می‌کرد و بعد به دعا و قرائت قرآن، نماز و ذکر می‌پرداخت.<sup>۱</sup>

- قرائت قرآن در شبانگاه: پیامبر ﷺ می‌فرماید: «کسی که هنگام شب ۱۰ آیه قرآن را بخواند، از غافلان به حساب نخواهد آمد.»<sup>۲</sup>

#### (۶) مکان تلاوت:

در هر مکانی که احترام قرآن حفظ شود، می‌توان قرآن را تلاوت نمود؛ اما بهترین جاها، عبارت‌اند از:

- مسجد: از پیامبر ﷺ روایت شده است: «مسجدها را برای قرآن ساخته‌اند.»<sup>۳</sup>

- خانه: پیامبر ﷺ می‌فرماید: «خانه‌هایتان را با تلاوت قرآن نورانی کنید.»<sup>۴</sup>

#### (۷) میزان تلاوت:

در قرآن، در مورد مقدار تلاوت آمده است که «فاقروا ما تیسر من القرآن»<sup>۵</sup> هرچه از قرآن برایتان امکان دارد، بخوانید.»

قرآن را باید زیاد تلاوت نمود. چرا؟ چون تلاوت زیاد قرآن، زنگار قلب‌ها را از بین می‌برد، مشمول هدایت، شفا، برکت و تقوا می‌شود.

در روایت، کمترین میزان تلاوت، ۱۰ آیه در هر شب ذکر شده است.<sup>۶</sup>

پنجاه آیه در هر روز هم توصیه شده است.<sup>۷</sup>

---

۱. همان، ص ۱۶۴.

۲. همان.

۳. وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۴۹۳.

۴. اصول کافی، ج ۲، ص ۴۴۶.

۵. مزمل، آیه ۲۰.

۶. اصول کافی، ج ۱، ص ۹۱۲.

۷. همان، ص ۶۰۹.

### (۸) تلاوت از روی قرآن:

انسان، هر چند حافظ قرآن باشد، ولی مستحب است قرآن را از رو تلاوت کند؛ چرا که نگاه به آیات قرآن، عبادت است.

### (۹) بلند خواندن قرآن:

به نظر می‌رسد، تلاوت قرآن با صدای بلند، اگر مزاحمتی برای دیگران نداشته باشد، از مستحبات است؛ چرا که در روایات آمده: امام سجاد علیه السلام قرآن را با صدای بلند تلاوت می‌نمود که سقاها را هنگام عبور از کنار منزل حضرت، میخ‌کوب می‌کرد تا به صدای دل‌نشین حضرت گوش فرا دهند.<sup>۱</sup>

### (۱۰) کیفیت تلاوت:

– تلاوت با صدای زیبا: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «زَيِّنُوا الْقُرْآنَ بِأَصْوَاتِكُمْ؛<sup>۲</sup> قرآن را با آوای خود، زینت دهید.»

امام صادق علیه السلام از قول پیامبر می‌فرماید: «هر چیزی، زینتی دارد و صدای خوش، زینت قرآن است.»<sup>۳</sup>

خود پیامبر، زیباترین صوت قرآن را داشت.<sup>۴</sup>

مرحوم اقبال لاهوری که در آخر زندگی‌اش، دچار ضعف و بیماری چشم شده بود و از مطالعه نیز محروم مانده بود، تنها مونسش قرآن بود؛ اما با همان اندک بینایی، به قرآن می‌نگریست و با لذتی سرشار از ایمان، آیات را تلاوت می‌کرد و می‌گفت: پدرم

---

۱. وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۵۸۵.

۲. سنن بیهقی، ج ۱۰، ص ۲۲۹.

۳. المحجة البيضاء، ج ۲۰، ص ۲۳۲.

۴. بحار الأنوار، ج ۹۲، ص ۳۲۶.

به من توصیه کرده است که فرزندم هرگاه قرآن می‌خوانی، چنان بخوان که گویی خداوند آن را بر تو نازل کرده است.<sup>۱</sup>

### (۱۱) تأمل در تلاوت:

شتاب در خواندن قرآن، مورد نکوهش است و توصیه شده که قرآن را به آرامی بخوانید. خود قرآن نیز سفارش نموده که آیات الهی را با ترتیل تلاوت کنیم؛ زیرا این نوع تلاوت، باعث می‌شود که انسان با تفکر و تدبر بیشتری قرآن را تلاوت کند. رعایت تجوید قرآن و ادا کردن درست حروف، مربوط به ترتیل است؛ «وَرَتَّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِیلًا»<sup>۲</sup>

### (۱۲) سکوت و گوش دادن:

هنگام تلاوت قرآن توسط دیگران، نباید سخن بگوییم؛ بلکه باید با آرامش به آیات گوش دهیم؛ زیرا خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

«وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ»<sup>۳</sup> وقتی قرآن خوانده می‌شود،

به آن گوش دهید و سکوت کنید؛ شاید مورد رحمت خداوند واقع شوید.

چو قرآن بخوانند دیگر خموش به آیات قرآن فرا دار گوش  
امام سجاد علیه السلام می‌فرماید: «کسی که حرفی از کتاب خدا را بشنود، بدون آن‌که خود تلاوت کرده باشد، خداوند برای او حسنه‌ای می‌نویسد و یکی از گناهانش را پاک می‌کند و یک درجه او را بالا می‌برد.»<sup>۴</sup>

در صورتی که سکوت نکردن، نشانه نوعی بی‌توجهی به قرآن و هتک حرمت آن باشد، اشکال دارد.

### ۵. تحفظ (حفظ کردن)

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله: «خداوند، قلبی را که قرآن را در خود جای داده، عذاب نمی‌کند.»<sup>۵</sup>

۱. اوصاف پارسایان، ص ۱۸۲.

۲. مزمل، آیه ۴.

۳. اعراف، آیه ۲۰۴.

۴. اصول کافی، ج ۲، ص ۶۱۲.

۵. وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۸۲۵.

امام صادق علیه السلام می فرماید: «حافظ قرآن که به آن عمل کند، همچون سفیران و فرشتگان وحی که بزرگوار و نیکو رفتارند، خواهد بود.»  
مراد از حفظ کردن آیات، هم به خاطر سپردن آن در ذهن است و هم نوشتاندن مفاهیم قرآن به قلب و روح انسان.

## ۶. تأمل و تفکر

شایسته است مسلمان در معانی ظاهری آیات تفکر کند و با مرور ترجمه آیات، در کنار تلاوت آیات، بر مفاهیم ظاهری نیز تسلط پیدا کند و متناسب با نیازهای روحی و رفتاری، از آن توشه بگیرد.

در روایتی این گونه آمده: «قرآن را باید با ترتیل و به آرامی تلاوت کرد. هرگاه در تلاوت به آیه‌ای که مربوط به بهشت است، رسیدی، اندکی توقف کن و از خدا بهشت را بخواه و وقتی به آیات مربوط به جهنم رسیدی، باز اندکی صبر کن و از آتش جهنم به خدا پناه ببر.»<sup>۱</sup>

بنابراین، در مرحله تفکر، هنگامی که قرآن را تلاوت می‌کنیم، با دقت در ترجمه آیات به درک مفاهیم و فهم معارف قرآن دست پیدا می‌کنیم؛ ولی با ارتباط مفاهیم و معارف قرآنی کاری نداریم.

امیر مؤمنان علیه السلام می فرماید: «قرآن، ظاهری زیبا و شگفت‌انگیز و درونی پرمایه و عمیق دارد.»<sup>۲</sup>

بیچه‌ها! انس با ترجمه قرآن و کتاب‌های آشنایی با سوره‌ها،<sup>۳</sup> می‌تواند زمینه‌ساز تفکر در قرآن باشد.

حالا که خسته شدید، بیایید یک جدول قرآنی با هم حل کنیم.

---

۱. اصول کافی، ج ۲، ص ۶۱۸ و ۶۱۷.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۸.

۳. مربی محترم می‌تواند سری کتاب‌های «آشنایی با سوره‌ها» اثر آقای جواد محدثی را به دانش‌آموزان معرفی نماید.

بچه‌ها! این همه کار خوب همچون یاد گرفتن، یاد دادن، خواندن و حفظ کردن و... قرآن چه پاداشی دارد؟ این جدول را با هم حل می‌کنیم تا به پاسخ این سؤال دست یابیم.

\* سوره‌ای در قرآن، به معنای دود؟ دخان (۸، ۲، ۲، ۷)

\* به کوچک‌ترین جزء یک سوره، چه می‌گویند؟ آیه (۴، ۵، ۶)

\* ترجمه «پروردگار» در عربی چیست؟ رب (۱۱، ۳)

\* عدد درهای بهشت؟ هشت (۱۰، ۹، ۱۲)

۳	۲	۱
۶	۵	۴
۹	۸	۷
۱۲	۱۱	۱۰

چه کسی می‌تواند رمز جدول را حدس بزند؟<sup>۱</sup>

رمز جدول: «خانه‌ای در بهشت».

پیامبر اسلام ﷺ می‌فرماید: «کسی که قرآن سخن او باشد و مسجد هم خانه‌اش،

خدا برای او خانه‌ای در بهشت می‌سازد.»<sup>۲</sup>

## ۷. تدبیر

تدبیر در آیات قرآن، به معنای «فهم نظم و هماهنگی کلمات و آیات است که به فهم هماهنگ معارف قرآنی منتهی می‌شود.» تدبیر، در واقع، فهمی عمیق‌تر از ظاهر قرآن و رمزگشایی از ارتباط آیات قرآن می‌باشد؛ «كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَ

۱. چنانچه کسی پاسخ داد، مربی او را تشویق کند؛ در غیر این صورت، دانش‌آموزان را راهنمایی می‌کند تا حروف

جدول را به صورت عمودی کنار هم قرار دهند و پاسخ را بیابند.

۲. امالی صدوق، ص ۴۰۵.



لَيْتَدَكَّرَ أَوْ لَوْ أَلْتَابَ؛<sup>۱</sup> این قرآن، کتابی گران قدر و پرخیر و برکت است که آن را به سوی تو فرستادیم تا همگان در آیات آن تدبر کنند و صاحبان خرد نیز متذکر شوند.»  
گوینده یا نویسنده عاقل، واژگان را پشت سر یکدیگر قرار می دهد و جملاتی معنادار می سازد. جملات را پشت سر هم قرار می دهد و کلامی هدفمند را سامان می دهد. «پشت سر هم قرار دادن هدفمند»، معادل «تدبیر» در زبان عربی است. پس کار گوینده یا نویسنده، تدبیر واژگان و جملات است.

شنونده عاقل یا خواننده عاقل نیز به فهم تک تک کلمات اکتفا نمی کند و آن ها را پشت سر هم می فهمد تا معنای جملات را درک کند؛ همچنین به فهم یکایک جملات بسنده نمی کند و آن را پشت سر هم می فهمد، تا هدف سخن یا متن را درک نماید. «تدبر»، اصطلاحی است که رفتار طبیعی این شنونده عاقل را بیان می کند.  
امیر مؤمنان علیه السلام می فرماید: «آگاه باشید که فایده ای در قرائت بدون تدبر نیست.»<sup>۲</sup>  
در هنگام تدبر در آیات قرآن، باید به گونه ای باشیم که گویا مفاهیم و معارف قرآنی یک جا از جانب خداوند بر قلب خودمان نازل می شود.

فیض کاشانی از قول یکی از حکیمان می گوید: ابتدا قرآن را می خوانم و لذتی نمی بردم؛ چندی بعد که آن را می خوانم، چنان بود که گویی آن را از رسول خدا می شنوم که بر اصحابش می خواند. بالاتر رفتم و آن را از جبرئیل شنیدم که بر پیامبر می خواند؛ از آن هم بالاتر رفتم و اینک آن را از خداوند متعال می شنوم و لذتی می برم و تنعمی دارم که نمی توانم از آن بگذرم.<sup>۳</sup>  
برای تدبر در قرآن، چند چیز به عنوان مقدمه لازم است:<sup>۴</sup>

۱. ص، آیه ۲۹.

۲. بحار الأنوار، ج ۸۹، ص ۲۱۱.

۳. همان، ص ۱۸۱.

۴. «تلاوت قرآنی مطلوب است که انسان با تدبر بخواند و کلمات الهی را بفهمد که به نظر ما می شود فهمید؛ اگر انسان لغت عربی را بلد باشد و آنچه را هم که بلد نیست، به ترجمه مراجعه کند و در همان تدبر کند، دو بار، سه بار، پنج بار که بخواند، انسان فهم نسبت به مضمون آیه پیدا می کند... هرچه انسان بیشتر انس و غور پیدا کند، بیشتر می فهمد.»

- تلاوت مکرر قرآن؛

- انس با ترجمه قرآن؛

- مراجعه به برخی از تفاسیر همچون تفسیر نمونه.

گفتنی است که تدبیر در قرآن، موجب شرح صدر و نورانیت قلب برای انسان می‌شود.<sup>۱</sup>

### ۸. تمسک و تأثیر

همه مراحل قبلی، مقدمه دسترسی به این مرحله است. از این رو، مهم‌ترین مرحله انس با قرآن و توجه به آن را باید جاری کردن معارف قرآن در زندگی دانست؛ یعنی تحقق «زندگی قرآنی». از یکی از زنان پیامبر ﷺ در مورد اخلاق پیامبر ﷺ سؤال شد. او در پاسخ گفت: اخلاق ایشان، بر اساس قرآن بود.<sup>۲</sup>

یکی از نشانه‌های مؤمنان این است که با قرآن بیشتر انس دارند و تلاش می‌کنند در حد امکان، از نور و معرفت قرآن بهره‌مند شوند.

انسانی که با قرآن مانوس است، تلاش می‌کند که هیچ وقت دروغ نگوید و در برخورد با دیگران متواضع باشد و در خلوت و تنهایی مراقب خودش است؛ چرا که همیشه خداوند مهربان را ناظر و شاهد اعمال خویش می‌داند.

سرود عشق و ایمان را بخوانید کتاب نور و عرفان را بخوانید شما را هر چه می‌باشد میسر گسل آیات قرآن را بخوانید در آخر، چند دعای قرآنی می‌کنم؛ شما هم آمین بگویید. ان شاء الله در دنیا و آخرت همنشین قرآن باشیم.

- «اللهم نور قلوبنا بالقرآن»؛ - «و اشف مرضانا بالقرآن»؛

- «و اغفر موتانا بالقرآن»؛ - «اللهم ارحمنا بالقرآن».

---

بنابراین، در زندگی حتماً قرآن با تدبیر را در نظر داشته باشید و نگذارید حذف شود.» (از بیانات حضرت آیت‌الله

خامنه‌ای، ۸۴/۴/۱۷)

۱. معانی الأخبار، ص ۶۷.

۲. ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۶، ص ۳۴۰.

## درس چهارم: پرواز تا بی نهایت

### موضوع

آثار انس و ارتباط با نماز و مسجد در زندگی انسان.

### هدف کلی

در این درس، سعی شده است که با تبیین سیره و سخنان شهدا و بزرگان دین، اهمیت انس با نماز و مسجد ارائه شود و به آثار و فواید این ارتباط نیز اشاره گردد.

### هدف رفتاری

امید است که دانش‌آموزان با الگوگیری از بزرگان و شخصیت‌های دینی، انس بیشتری با نماز و حضور در مسجد پیدا کنند و مسجد را به عنوان سنگر حفظ خود، تلقی نمایند.

### روش‌های مناسب تدریس

استفاده از داستان و حکایت برای اهمیت موضوع، پرسش و پاسخ و استفاده از مشارکت دانش‌آموزان در بحث، توضیح به وسیله نمودارسازی.

### رسانه‌های آموزشی

تخته، ماژیک و فلش کارت.

### حکایت

پایان دوره آموزشی خلبانی فرا رسیده و عباس همه امتحانات را با نمره عالی پشت سر گذاشته است. فرمانده پادگان آموزشی، عباس را احضار می‌کند. فرمانده رو به

خلبان جوان می‌کند و می‌پرسد: شنیده‌ام مدت‌ها است که از هم‌اتاقی خود جدا شده‌ای و اتاق را به دو قسمت تقسیم کرده‌ای و شب‌ها در محوطه پادگان می‌دوی. عباس از عکس‌های مستهجن و مبتذلی سخن می‌گوید که توسط هم‌اتاقی آمریکایی‌اش بر دیوارها نصب شده بود. او از هیجان شهوت جوانی سخن می‌گوید و علت ورزش شبانه و پرده کشیدن میان اتاق را دوری از گناه ذکر می‌کند. عباس خوب می‌داند که دل، جایگاه خدا است؛ نه خانه هر کسی. فرمانده پادگان آمریکایی، لحظه‌ای گفت‌وگو را ترک می‌کند و از اتاق خارج می‌شود؛ اما وقتی باز می‌گردد، صحنه عجیبی را می‌بیند. عباس خم و راست می‌شود و لب‌هایش را می‌جنباند؛ گویا چیزی می‌گوید. مدتی، منتظر عباس پشت میز می‌نشیند. کار عباس که تمام شد، از او می‌پرسد: این چه کاری بود، دیگر؟ عباس می‌گوید: این، نماز بود و برای فرمانده کمی در مورد آن توضیح می‌دهد. فرمانده از عظمت روح و اراده «عباس بابایی» لذت می‌برد و مدرک پایان تحصیلی آن را امضا می‌کند.<sup>۱</sup>

بچه‌ها می‌توانید حدس بزنید «عباس» چه کسی است؟  
بله، آفرین، شهید «عباس بابایی» یکی از فرماندهان دفاع مقدس است.  
از داستان شهید عباس بابایی، کدام یک آثار ارتباط با نماز را می‌توان نتیجه گرفت؟  
بله، دوری نمودن از گناه و مجلس گناه و استقامت در برابر فشار شهوات جوانی و وقت‌شناسی.

ارتباط با نماز، آثار بسیاری در زندگی انسان دارد. آیا می‌توانید برخی از آن‌ها را نام ببرید؟

۱. دوری از گناهان و استقامت در برابر فشار گناه و شهوات؛ به‌خصوص در دوران نوجوانی و جوانی: «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ»<sup>۲</sup> همانا نماز انسان را از فحشا و منکر باز می‌دارد.»

۱. ر.ک: پرواز تا بی‌نهایت، ص ۴۲.

۲. عنکبوت، آیه ۴۵.

درس چهارم: پرواز تابی نهایت ■ ۵۳

۲. استقامت و بردباری در برابر سختی‌ها و شداید زندگی. انجام کارهای پسندیده و خداپسند، نماز موتور محرک انسان برای انجام کارهای مناسب و اعمال صالح است.<sup>۱</sup>

### خاطره

شب ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲ بود که ساواکی‌های رژیم شاه، نیمه‌های شب به منزل حاج آقا «روح‌الله» ریختند و او را به طرف تهران بردند. آن‌ها خیلی مضطرب بودند. در بین راه قم و تهران، نزدیک اذان صبح، آقا به آن‌ها فرمود:

«این قدر وحشت زده نباشید؛ در وسط این بیابان، کسی نیست که قصد اذیت شما را داشته باشد. چند دقیقه ماشین را برای ادای نماز صبح متوقف کنید و شما هم نماز بخوانید. شما ارتش کشور اسلامی هستید و از بودجه اسلام ارتزاق می‌کنید. واجب است که به احکام و فرامین اسلام پای‌بند باشید.»

سرانجام، بر اثر فشار و اصرار زیاد ایشان، حاضر شدند که ماشین را برای چند لحظه نگه دارند تا ایشان تیمم نمایند و نماز صبح را در ماشین به جا آورند.<sup>۲</sup>

### داستان

نزدیک ظهر بود. از آسمان آتش می‌بارید. دو طرف، لحظه‌ای را به استراحت پرداختند. بیشتر سربازها در سایه چادرها دراز کشیده بودند و به فکر فرورفته بودند. «ابن عباس» پسر عموی پیامبر ﷺ در گوشه‌ای نشسته بود و میدان جنگ را نگاه می‌کرد که ناگاه علی رضی الله عنه را دید که دست را سایبان چشم قرار داده و با دقت به آسمان خیره شده است. جلو رفت و به آرامی پرسید: «علی جان! با این دقت به دنبال چه می‌گردی؟»

امام رضی الله عنه به سمت او برگشت و با لبخندی ملایم گفت: «می‌خواهم بدانم وقت نماز رسیده یا نه!»

---

۱. مربی محترم، این موارد را روی تخته می‌نویسد و به تدریج در مورد آن‌ها توضیح می‌دهد.

۲. امام در سنگر نماز، ص ۳۵.

ابن عباس با تعجب گفت: ما در حال جنگیم و هر لحظه احتمال حمله دشمن می‌رود!

امام علیه السلام فرمود: به یاد داشته باش که جنگ ما با شامیان بر سر نماز خواندن است. هنوز کلام امام تمام نشده بود که صدای خوش اذان، فضا را معطر کرد و امام جلو ایستاد و با یاران و سربازان خود نماز را اول وقت و به جماعت خواند.<sup>۱</sup> بچه‌ها، در تاریخ حکایت کرده‌اند که بوعلی سینا هنگامی که در حل یک مسأله علمی می‌ماند و به مشکل برخورد می‌کرد، وضو می‌گرفت و دو رکعت نماز می‌خواند و از خدا می‌خواست که به برکت این نماز، گره از ذهن او باز کند و برای حل آن مسأله، به او کمک نماید.

گفتیم که یکی از مهم‌ترین آثار ارتباط با نماز، زندگی ایمانی و انجام اعمال صالح و پسندیده است. در سوره معارج هنگامی که خداوند می‌خواهد «نمازگزاران» را معرفی کند، برخی از رفتارهای شایسته آن‌ها را در زندگی فردی و اجتماعی فهرست می‌کند و می‌گوید این رفتارها، اعمال صالحی است که از نمازگزاران سر می‌زند:

۱. اهل عبادت و انس دائمی با خدا هستند؛ «الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ»<sup>۲</sup>
۲. اهل مراقبت و انجام عبادت با کیفیت‌اند؛ «وَالَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ»<sup>۳</sup>
۳. اهل قیامت‌اند؛ یعنی از کسانی هستند که به روز قیامت باور دارند و از عذاب الهی می‌ترسند؛ «وَالَّذِينَ يُصَدِّقُونَ بِيَوْمِ الدِّينِ \* وَالَّذِينَ هُمْ مِنْ عَذَابِ رَبِّهِمْ مُشْفِقُونَ»<sup>۴</sup>
۴. اهل احسان‌اند؛ یعنی به مستمندان احسان می‌کنند و از آن‌ها دستگیری می‌نمایند؛ «وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ \* لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ»<sup>۵</sup>

۱. بحار الأنوار، ج ۸۰، ص ۲۳.

۲. معارج، آیه ۲۳.

۳. معارج، آیه ۳۴.

۴. معارج، آیه ۲۶ و ۲۷.

۵. معارج، آیه ۲۴ و ۲۵.

۵. اهل امانت‌داری و وفای به عهد هستند؛ کسانی که امانت‌ها و پیمان خود را با دیگران رعایت می‌کنند؛ «وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ»<sup>۱</sup>  
این‌ها همگی برخی از آثار و پسندیده نماز است. بنابراین، نماز، تنها یک‌سری اعمال خشک و بی‌روح، و خم و راست شدن نیست؛ بلکه نماز باید انسان را به کارهای پسندیده هدایت کند.

امام صادق علیه السلام: «چه چیزی شما را منع می‌کند، از این‌که هرگاه ناراحتی‌ها و غم‌های دنیا به سوی شما آمد، وضو بگیرید و داخل مسجد شوید و دو رکعت نماز بخوانید و در نماز از خداوند کمک بطلبید. مگر نشنیده‌اید که خداوند می‌فرماید: به وسیله صبر و نماز از خداوند کمک بگیرید.»<sup>۲</sup>

امیر مؤمنان علیه السلام هنگامی که دچار سختی و مصیبتی می‌شد، به نماز پناه می‌برد و این آیه را می‌خواند که به واسطه صبر و نماز از خداوند کمک بگیرید.<sup>۳</sup>

از این دو روایت فهمیده می‌شود که «نماز خواندن» در محلی به نام «مسجد»، بهترین خوراک معنوی برای انسان است. «مسجد»، به عنوان ظرف و محلی است که انسان انتخاب می‌کند تا غذای روح را در آن استفاده کند و «نماز»، غذایی معنوی است که در این ظرف ریخته می‌شود. اگر در ظرف کثیف و نامناسبی بهترین غذاها را بریزیم، کسی میل به خوردن آن غذا ندارد و اگر در ظرف مناسب و زیبایی، غذای نامناسب و فاسد بریزند، باز هم تمایل به خوردن آن نداریم. «نماز خواندن در مسجد»، به جا آوردن بهترین عبادت خدا در برترین مکان می‌باشد.

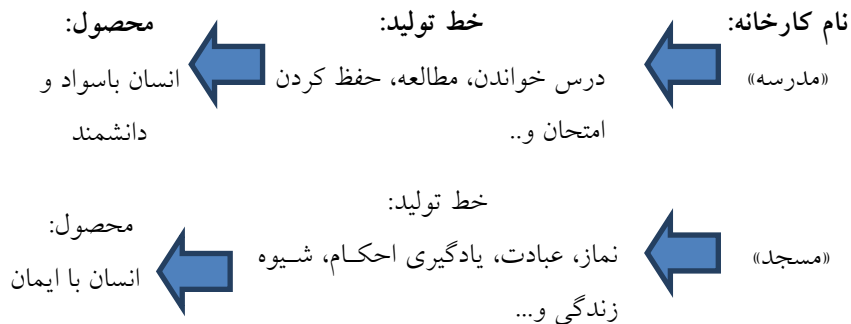
---

۱. معارج، آیه ۳۲.

۲. تفسیر صافی، ج ۱، ص ۱۲۶.

۳. همان.

### بچه‌ها! آیا می‌توانید تفاوت مسجد و مدرسه را برایم بگویید؟



راهنمایی: مسجد و مدرسه، مانند دو کارخانه هستند که مواد اولیه آن، «انسان» است؛ ولی محصول این دو کارخانه، با هم تفاوت دارد.

اگر می‌خواهید نبض ایمان شخصی یا جامعه‌ای را بگیرید، باید ببینید اهل آباد کردن مسجد هستند یا نه؟ این ملاک را قرآن به ما می‌دهد؛ آن‌جا که می‌فرماید: «أَنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ؛<sup>۱</sup> مساجد خدا را تنها کسی آباد می‌کند که به خدا و روز قیامت ایمان دارد.»

### به نظر شما، منظور از آباد کردن مسجد در این آیه چیست؟

آباد کردن مسجد، دو مصداق دارد:

۱. آباد کردن ساختمان و بنای مسجد؛

۲. آباد کردن با حضور و رفت‌وآمد به مسجد (مصداق مهم‌تر).

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «سه چیز در نزد خداوند از انسان شکایت می‌کنند: مسجد ویرانی که اهل آن در آن نماز نمی‌گذارند و عالمی که بین نادانان می‌باشد و قرآنی که رها شده و گرد و غبار بر آن نشسته و خوانده نشده است.»<sup>۲</sup>

مهم‌ترین اثر و فایده انس با مسجد، رشد ایمان مؤمن و سامان دادن ارتباط بین افراد جامعه بر اساس ایمان است.

۱. توبه، آیه ۱۸.

۲. اصول کافی، ج ۲، ص ۶۰۶.



ابوسعید ابوالخیر در مورد اجتماع مردم در مسجد جواب نامه بوعلی سینا را نوشت و در آن نامه این مثال را آورده است:

اگر چند چراغ در یک جا روشن باشد، اگر یکی از آنها خاموش شد، چراغ‌های دیگر روشن است؛ ولی اگر هر کدام در اتافی در بسته باشد، اگر یک چراغ خاموش شد، آن اطاق تاریک می‌شود. انسان‌ها نیز این گونه اند؛ بعضی گنهکار هستند، اگر تنها باشند، شاید موفق به فیوضات و برکات نور الهی نشوند؛ ولی اگر در اجتماع باشند، شاید به برکت وجود بعضی دیگر از افراد اجتماع، آنان را مشمول برکات الهی قرار دهند.<sup>۱</sup>

بچه‌ها! آیا می‌توانید آثار جزئی‌تر انس مؤمن با نماز جماعت، به‌خصوص در مسجد را فهرست نمایید؟

فلش کارت‌های مربوط به یکدیگر را مقابل هم قرار دهید.<sup>۲</sup>

استقامت	وحدت و
بیش تر	دوستان
شیطان	دوری از
ترتیب	نظم و
بیش تر	ثواب

۱. داستان‌ها و پندها، ج ۹، ص ۵۸.

۲. مربی محترم، کارت‌ها را به صورت پراکنده در دو طرف تخته قرار می‌دهد تا بچه‌ها ارتباط کارت‌های سمت راست را با کارت‌های سمت چپ بیابند.

امیرمؤمنان علیه السلام می‌فرماید: «کسی که به مسجد رفت و آمد کند، یکی از امور هشت‌گانه نصیب او می‌شود:

۱. پیدا کردن برادری ایمانی و دینی؛
۲. به دست آوردن علم و دانشی نو و تازه؛
۳. فهم و درک آیه‌ای از قرآن کریم؛
۴. شنیدن سخنی که باعث هدایت او می‌شود؛
۵. شنیدن سخنی که او را از گمراهی و هلاکت نجات دهد؛
۶. یاد گرفتن ادب و روشی که از آن پیروی کند؛
۷. رحمتی از خداوند که نصیبش شود؛
۸. ترک گناه از ترس خدا و یا به جهت حیا از برادران ایمانی.»<sup>۱</sup>

---

۱. فلاح السائل و نجاح المسائل، ص ۹۰.

## درس پنجم: سکوی پرواز

### موضوع

اهمیت مسجد و نماز جماعت.

### هدف کلی

آشنایی با اهمیت مسجد و نماز جماعت.

### هدف رفتاری

از دانش آموز انتظار می رود که در پایان این درس، انس بیشتری با مسجد و حضور در آن و همچنین اشتیاق به برگزاری نماز به صورت جماعت داشته باشد.

### روش های مناسب تدریس

در این درسنامه، برای روشن شدن موضوع، از آیات، روایات، داستان، لطیفه، شعر و جدول استفاده شده که مربیان عزیز با سلیقه و مهارت خویش می توانند در قالب تبیین و توضیح همراه با طرح سؤال و به کارگیری مشارکت دانش آموزان، مطالب را برای مخاطبان بیان کنند.

شایان ذکر است که مربیان گرامی برای ارائه مطلوب موضوع، به کتب نگارش شده در مورد مسجد و نماز جماعت مراجعه کنند. در ضمن، منابع روایات و داستان های مطرح شده در درسنامه در پاورقی آمده که در صورت نیاز، رجوع شود.

### رسانه های آموزشی

تخته، فلش کارت، پاورپوینت.

## درسنامه

دوستان سلام! امیدوارم حالتان خوب باشد. آماده‌اید که درس را شروع کنیم؟ آیا می‌دانید در مورد چه مطلبی می‌خواهیم با هم گفت‌وگو کنیم (کمی مکث و شنیدن پاسخ مخاطبان). بگذارید با شعری برایتان بگویم.

مسجد...

مسجد ای خانهٔ آباد خدا      مسجد ای پایگه ییاد خدا  
از بلندی مناری از نور      می‌زنی بانگ، به نزدیک و به دور  
می‌کنی دعوتمان با صد شور      که بیاید به درگاه غفور...  
سایه رحمت تو بر سر من      در خطرگاه زمان، سنگر من  
مسجد ای نهر خروشان صفا      چشمه رحمت جوشان خدا  
در زلال تو، گنه می‌شویم      با خدا چون که سخن می‌گویم  
و چه خوش حالت زیبا داری      بهتر از این نبود معماری  
چون دو دستی که به هنگام دعا است      دو منار تو، بلند و بالا است  
ای به دامن تو آسودگی‌ام      پاک کن از گنه آلودگی‌ام  
و چه محراب تو پر آذین است      چون که از خون «علی» رنگین است  
آمدم سوی تو، با گام بلند      در به روی من محتاج مبندا<sup>۱</sup>

## اهمیت مسجد

با توجه به آیات و روایات، یکی از مقدس‌ترین مکان‌های روی زمین، مسجد است که محل زیارت خدا و ارتباط خالق و مخلوق و محل راز و نیاز، اعتکاف، پاک شدن و وصل شدن به سرچشمه خوبی‌ها است. از این رو، یکی از مصادیق غفلت در آیه ۲۰۵ سوره اعراف که فرموده: «... وَلَا تَكُنْ مِنَ الْغَافِلِينَ؛ و از غافلان باش»، طبق روایت<sup>۲</sup> ترک مسجد می‌باشد.

۱. شعر از: حبیب الله چایچیان (حسان).

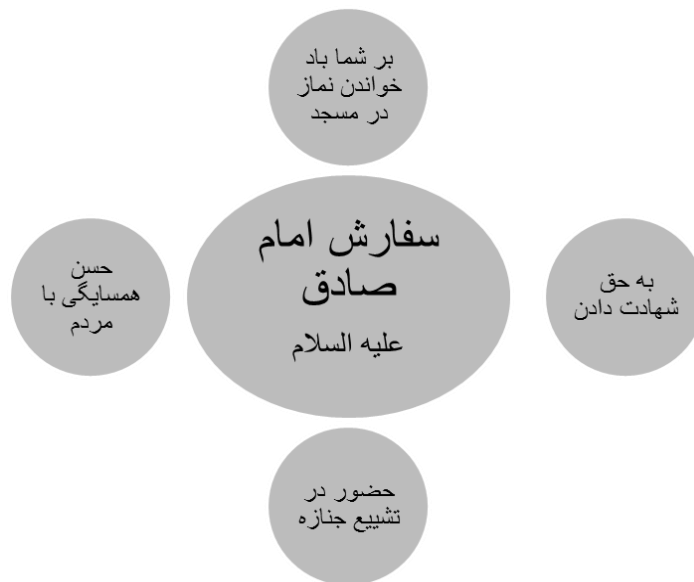
۲. بحار الأنوار، ج ۷۸، ص ۱۱۵، ح ۱۰: امام حسن علیه السلام فرمود: «... الْغَفْلَةُ تَرْكُكَ الْمَسْجِدِ؛ غفلت، آن است که مسجد را ترک کنی.»

جهت تبیین مطلب، روایات و داستانی در ذیل آورده شده که اساتید عزیز با بیان و توضیحات برای مخاطبان ارائه می‌کنند.

درباره جایگاه مسجد و آداب اخلاقی و فرهنگی آن، در **سوره جن**، آیه ۱۸ چنین آمده: «وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا»<sup>۱</sup> و این‌که مساجد از آن خدا است. پس هیچ کس را با خدا نخوانید.»

امام صادق علیه السلام فرمودند: «ملعون است، ملعون است، کسی که مسجد را بزرگ نشمارد. خداوند حق مسجد را این‌گونه بزرگ داشته و فرموده است: مساجد از آن خدا است؛ پس در آن کسی جز خداوند را عبادت نکنید. راز این سخن، آن است که یهود و نصاری چون به عبادتگاه خویش وارد می‌شوند و در پرستش خدا شرک می‌ورزیدند، خداوند با این گفتار، به پیامبر خود فرمان داده است که [مسلمانان] در مساجد، خدا را به یگانگی بخوانند و [تنها] او را پرستش کنند.»<sup>۲</sup>

تذکر: مناسب است مریبان گرامی، نکاتی راجع به سفارش‌های امام علیه السلام برای مخاطبان بیان کنند.



۱. جن، آیه ۱۸.

۲. همان، ج ۷۶، ص ۳۵۵.

امام صادق (ع) فرمود: «بر شما باد خواندن نماز در مسجد، حُسن همسایگی با مردم، به حق شهادت دادن و حضور در تشییع جنازه. همانا شما ناچار به زندگی کردن با مردم هستید و هیچ کس در طول زندگی‌اش نمی‌تواند از مردم بی‌نیاز باشد. ما نیز در تشییع جنازه مردم حضور می‌یابیم و شما را شایسته است چونان پیشوای خود عمل نمایید.»<sup>۱</sup>

### جدول مسجد

تذکر: به جهت اهمیت و نکات خاصی که در برخی سؤالات وجود دارد، مواردی که لازم است توسط مربیان گرامی توضیحات لازم داده شود، با علامت \* مشخص شده‌اند.

			۱۱			۱۰									۵				۳		۲		
		ف	خ	ی		۱۲		ن	ه	د	م	۹		م		سر			*	ب	۱		
			و			و				سر			ک		و		م			و	ن		
			ف							ج			ه		ر		*			ا	ی		
			*	ه	ل	ا	ت	ب	ی	*	د	ه	م	ش	ر	ا	ه	*	ه	ن	ا	ح	ن
		ی	ل	ع	۱۳																		
								*	*														
								*	*														

۱. مایه حیات؛ ۲. همدم و مونس؛ ۳. سی‌امین حرف الفبای فارسی؛ ۴. یکی از قسمت‌های مقدس مسجد النبی که پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در آغاز با تکیه بر درخت خرمایی به ایراد خطبه می‌پرداخت (\*) - هدایت کننده - نام شهری که امام رضا (ع) در آن مدفون هستند - خانه خدا؛ ۵. مادر؛ ۶. هر یک از فصل‌های یکصد و چهارده‌گانه قرآن مجید؛ ۷. شهری که در آن مسجد الحرام واقع شده؛ ۸. محل زیارت خدا (\*)؛ ۹. که قبرستان بقیع در آن واقع شده؛ ۱۰. ضمیر غائب؛ ۱۱. ترس؛ ۱۲. مسجدی در سرزمین منا؛ ۱۳. امام اول.

۱. همان، ج ۷۴، ص ۱۶۲، ح ۲۴. این حدیث، جهت اطلاع مربیان گرامی نوشته شده است.

۲. در روایت آمده که مسجد، محل زیارت خدا می‌باشد.

## داستان

یکی از شهیدان مخلص ایران (در جنگ تحمیلی ایران و عراق) در قسمتی از وصیتش چنین می‌نگارند:

«دو هزار تومان از مالم را به صندوق سپاه پاسداران بدهید؛ به خاطر این‌که شاید از کاغذها و قلم اداره سپاه، احیاناً بدون مجوز استفاده کرده باشم. دو فرش دارم، یکی از آن‌ها را به مسجد بدهید تا در مسجد بیندازید. فرش دیگر، در خانه باشد تا بچه‌های محله بیایند و روی آن فرش، مراسم مذهبی خود را اجرا کنند! ای عصای دست من، ای کودکم! پس از من، کوله‌بار پر از گلوله‌ام را بگیر و راهم را تا محو کامل استکبار ادامه بده.»<sup>۱</sup>

## حقوق مسجد

امام علی علیه السلام می‌فرماید: «... وَ كَانَ يَقُولُ مِنْ حَقِّ الْمَسْجِدِ إِذَا دَخَلْتَهُ أَنْ تُصَلِّيَ فِيهِ رَكَعَتَيْنِ وَمِنْ حَقِّ الرُّكْعَتَيْنِ أَنْ تَقْرَأَ فِيهِمَا بِأَمِّ الْقُرْآنِ وَمِنْ حَقِّ الْقُرْآنِ أَنْ تَعْمَلَ بِمَا فِيهِ؛ از جمله حقوق مسجد این است که وقتی وارد آن می‌شوی، دو رکعت نماز بخوانی و با قرائت سوره حمد، حق نماز را ادا کنی و با عمل کردن به قرآن، حق آن را به جا آوری.»<sup>۲</sup>

## چیستان

معراج پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله از کجا آغاز شد؟<sup>۳</sup>  
سه مسجدی که مسافر می‌تواند در آن نماز کامل بخواند؟<sup>۴</sup>

۱. داستان‌ها و پندها، ج ۱۰، ص ۱۳۹.

۲. بحار الأنوار، ج ۸۴، ص ۲۳، ح ۱۲.

۳. مسجد الحرام.

۴. مسجد الحرام، مسجد النبی و، مسجد کوفه.

## احکام مسجد

پرهیز از خوردن غذایی که بوی آزار دهنده دارد

پیامبر خدا ﷺ از خوردن تره نهی فرمودند. اما وقتی نیازمندی، ناگزیرمان ساخت و ما از آن خوردیم. پس فرمودند: هر کس از این گیاه بدبو خورد، هیچ گاه به مسجد ما نزدیک نشود؛ زیرا فرشتگان از هر چه انسان‌ها از آن آزرده شوند، آزرده می‌شوند.

نجس نکردن مسجد

پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: همانا این مسجدها با آلودگی ادرار و مدفوع، تناسبی ندارند. آن‌ها تنها برای یاد خدای عز و جل و نماز و تلاوت قرآن‌اند.

بلند نکردن صدا در مسجد

امیر مؤمنان علیه السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل فرموده: هرگاه امت من چند کار کنند، بلا بر آن‌ها فرود می‌آید؛ یکی از آن‌ها، بلند کردن صداها است.

توقف نکردن جنب و حائض در مسجد

زراره و محمد بن مسلم می‌گویند: از امام باقر علیه السلام پرسیدیم: آیا حائض و جنب حق دارند وارد مسجد شوند یا خیر؟ فرمودند: حائض و جنب، جز در حال گذر نباید وارد مسجد شوند. خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: «و نیز در حال جنابت به نماز نایستید؛ تا غسل کنید، مگر آن‌که رهگذر باشید.» (نساء، آیه ۴۳)

تذکر: اگر مخاطبان شما از پسران هستند، به کلمه حیض اشاره نشود.



## توصیه به نماز جماعت

یکی از اعمال عبادی که مورد سفارش همه انبیا و اولیای خداوند و آخرین وصیت آن‌ها و به‌خصوص مورد تأکید خداوند است، نماز جماعت می‌باشد که در آن، مجموعه‌ای کامل از معارف الهی و رابطه دنیا و آخرت وجود دارد؛ اخلاص و انجام واجبات و ترک محرمات (جنبه معنوی)، نبودن در مکان غصبی (جنبه مادی)، ایجاد الفت و انس بین مردم و رفع نیازهای آن‌ها (جنبه اجتماعی)، نمایش قدرت و وحدت مسلمانان در نظر دوستان و دشمنان (جنبه سیاسی).

جهت تبیین مطلب، برخی آیات، روایات و داستان‌ها در ذیل آورده شده که اساتید عزیز بایسته است به همراه توضیحات لازم آن‌ها را برای مخاطبان ارائه کنند.

سوره بقره: «وَأَقِمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاٰكِعِينَ» و نماز را بپا دارید و زکات را بپردازید و همراه رکوع‌کنندگان رکوع نمایید [و نماز را با جماعت به جای آورید].»

این آیه شریفه، به‌وضوح روشن می‌سازد که شرکت در نماز جماعت چقدر تأکید شده و اهمیت فوق‌العاده نماز جماعت را بیان می‌نماید و در واقع، دلیل قرآنی برای اقامه نمازهای واجب روزانه به جماعت است.

## افزایش درجات

پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «وَمَنْ مَشَىٰ إِلَىٰ مَسْجِدٍ يَطْلُبُ فِيهِ الْجَمَاعَةَ كَانَ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ سَبْعُونَ أَلْفَ حَسَنَةٍ وَ يُرْفَعُ لَهُ مِنَ الدَّرَجَاتِ مِثْلُ ذَلِكَ؛ آگاه باشید که هر کس برای [نماز] جماعت رهسپار مسجدی شود، برابر هر گامی، هفتاد هزار نیکی برای او خواهد بود و به همین مقدار نیز بر درجات او افزوده می‌شود.»<sup>۱</sup>

پیامبر اکرم ﷺ: «نماز یک فرد در حالی که به جماعت ایستاده است، بهتر از ..... است.»<sup>۲</sup>

۱. بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۳۳۶، ح ۱.

۲. رسول اکرم ﷺ می‌فرماید: «صَلَاةُ الرَّجُلِ فِي جَمَاعَةٍ خَيْرٌ مِنْ صَلَاتِهِ فِي بَيْتِهِ أَرْبَعِينَ سَنَةً...» (مستدرک وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۴۴۶، ح ۷)

## لطیفه

روزی، رضاخان با وزرای خود به رامسر رفته بودند. رضاخان خواست چهره مذهبی خویش را به مردم بنمایاند. از این رو، برای شرکت در مجلس روضه‌ای وارد مسجد شد. سخنران مسجد (آقای حبیبی قاسم‌آبادی)، همین که چشمش به رضاخان افتاد، با صدای بلند گفت: پروردگارا! شاهنشاه ایران و کابینه‌اش را از بهشت نجات بفرما! رضاخان و دیگر وزرا، بدون این‌که متوجه دعا شوند، بلند گفتند: آمین!

### رهایی از آتش (این حدیث، به صورت کارت‌های ارائه شود.)



رسول اکرم ﷺ فرمود: «من صلی فی مسجد، جماعة، اربعین لیلة لا تفونه الركعة الاولى من صلاة العشاء، كتب الله له بها عتقاً من النار.»<sup>۲</sup>

۱. از لابه‌لای گفته‌ها، ص ۵۶.

۲. حدیث مسجد، ص ۳۰۹، ح ۵۴۴؛ سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۲۶۱، ح ۷۹۸.



معجزه جاودان پیامبر گرامی اسلام ﷺ (\*)؛ ۶. از واجبات نماز(\*)؛ ۷. بیست و چهارمین سوره قرآن کریم؛ ۸. لازم؛ ۹. چه سهواً و چه عمداً ترک شود، نماز را باطل می‌کند(\*)؛ ۱۰. حرف ناگفتنی - عملی که هنگام کسوف و خسوف واجب می‌شود(\*)؛ ۱۱. معراج مؤمن؛ ۱۲. اجداد؛ ۱۳. ام‌الکتاب؛ ۱۴. هفتاد و دومین سوره قرآن کریم.

### پرسش احکام

اتصال در نماز جماعت، از چند جهت امکان دارد؟<sup>۱</sup>

آیا در سجده می‌توان به امام جماعت اقتدا کرد؟<sup>۲</sup>

---

۱. از سه جهت: راست، چپ و جلو.

۲. خیر. فقط قبل از رکوع و هنگام رکوع می‌توان به امام جماعت اقتدا کرد.

## احکام نماز جماعت

مسأله ۱۳۹۰: مقداری از نماز را که مأموم باید بخواند:  
۱. مأموم باید غیر از حمد و سوره، همه چیز نماز را خودش بخواند.  
۲. اگر رکعت اول یا دوم مأموم، رکعت سوم یا چهارم امام باشد، مأموم باید حمد و سوره را بخواند.

مسأله ۱۳۹۵: ذکر گفتن مأموم در رکعت اول و دوم نماز ظهر و عصر:  
۱. مأموم نباید حمد و سوره را در رکعت اول و دوم نماز ظهر و عصر بخواند.  
۲. مستحب است مأموم به جای آن، ذکر بگوید.

مسأله ۱۴۰۰: سر برداشتن سهوی مأموم از رکوع، قبل از امام.  
اگر مأموم سهواً قبل از امام، سر از رکوع بردارد:  
۱. در صورتی که امام در رکوع باشد، باید به رکوع برگردد و با امام سر بر دارد و در این صورت، زیاد شدن رکوع که رکن است، نماز او را باطل نمی‌کند.  
۲. اگر مأموم به رکوع برگردد و قبل از آن که به رکوع برسد، امام سر از رکوع بردارد، نماز او باطل است.

توضیح المسائل، امام خمینی (ره)

## گل‌های نماز

گلدسته مسجـد دوباره      پر شد زشور عاشقانه  
در سینه من مرغ توحید      کرده دوباره آشیانه  
زیباترین آوا به گوشم      گلبانگ جان‌بخش اذان است  
شیرین‌ترین لحظه‌هایم      پرواز سوی آسمان است  
تا بوستان‌های نیایش      هر سو پر از گل‌های نازند  
زیباترین خوشبوترینش      پیوسته گل‌های نمازند

### پرسش و تمرین:

۱. یکی از موارد غفلت انسان چیست؟
۲. سفارش‌های امام صادق (ع) چه بود؟
۳. دو مورد از کارهایی را که موجب ناراحتی شیطان می‌شود، نام ببرید؟
۴. حق مسجد با چه عملی ادا می‌شود؟
۵. یک آیه و یک روایت در مورد نماز جماعت ذکر کنید؟
۶. حکم مسجد رفتن کسی که غذای آزاردهنده‌ای خورده، چیست؟
۷. یک روایت در مورد بلند نکردن صدا در مسجد ذکر کنید؟
۸. مأموم در نماز جماعت چه ذکرهایی را باید بخواند؟
۹. اگر رکعت اول یا دوم مأموم، رکعت سوم یا چهارم امام باشد، مأموم باید.....  
را بخواند.
۱۰. اگر مأموم سر از رکوع بردارد و امام هنوز در رکوع باشد، وظیفه مأموم چیست؟

- 
۱. ترک مسجد.
  ۲. امام صادق (ع) فرمود: «بر شما باد خواندن نماز در مسجد، حُسن همسایگی با مردم، به حق شهادت دادن و حضور در تشییع جنازه.»
  ۳. حضور در مسجد و نماز جماعت.
  ۴. دو رکعت نماز تحیت.
  ۵. بقره، آیه ۴۳ و روایت‌های موجود در متن.
  ۶. مکروه است.
  ۷. تمامی اذکار نماز، به غیر از حمد و سوره.
  ۸. حمد و سوره.
  ۹. در صورتی که امام در رکوع باشد، باید به رکوع برگردد و با امام سر بر دارد. در این صورت، زیاد شدن رکوع که رکن است، نماز او را باطل نمی‌کند.

## درس ششم: پاک باشی و سلامت

### موضوع

آداب نظافت و آراستگی ظاهری.

### هدف کلی

آشنایی با ضرورت و اهمیت نظافت و آراستگی ظاهری.

### هدف رفتاری

انتظار می‌رود دانش‌آموزان در پایان این درس، ضمن شناخت جامعیت دین اسلام و توجه آن به ابعاد جسمی در کنار ابعاد روحی و معنوی، نظافت و آراستگی را فراتر از استحمام و شیک‌پوشی بدانند و بفهمند که برای محبوبیت نزد دیگران، باید به آداب و احکام اسلامی در زمینه ظاهر و جسم عمل نمایند.

### روش‌های مناسب تدریس

۱. توضیحی (تبیین ابعاد مرتبط با نظافت و آراستگی ظاهری با استناد به روایات اهل بیت علیهم‌السلام، حکایات روایی و داستان از سیره امامان و علما)
۲. آموزش فعال و مشارکتی (استفاده از مشارکت دانش‌آموزان در ضمن بحث با طرح سؤال، طرح معما و فرصت دادن به آنها برای پاسخ به سؤالات و هدایت پاسخ‌های آنها برای پیشبرد بحث)

### رسانه‌های آموزشی

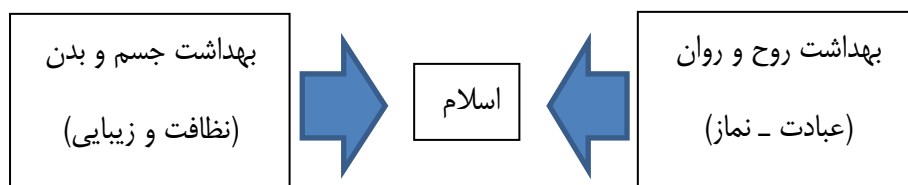
پاورپوینت، تخته سیاه یا وایت‌برد و گچ، فلش کارت، جدول و ... .

بچه‌ها! آن چیست که اگر انسان آن را بخورد، یا در جا می‌میرد و یا این‌که راهی بیمارستان می‌شود؟

اگر بخواهم شما را در پاسخ راهنمایی کنم، می‌توانم بگویم آن چیز، سه حرف است که حرف دومش، تشدید دارد و برخی از حیوانات موزی را با آن می‌کشند. بله، درست گفتید؛ «سم».

به نظر شما، «سم» سلامت و بهداشت جسمی انسانی چیست؟

بله، کثیفی، بی‌اهمیتی نسبت به نظافت، ژولیدگی.



دین اسلام، همان‌گونه که به روح و روان توجه دارد، به جسم و بدن هم توجه داشته است؛ همان‌گونه که باطن آدمی نیاز به آراستن و پاکی دارد، ظاهر آدمی هم نیاز به زیبایی و پیراستن دارد.

## داستان

روزی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مردی را دید که مویی ژولیده، لباس‌هایی چرکین و حالی پریشان داشت. حضرت به او فرمود: «از جمله احکام دین، استفاده کردن از نعمت‌هایی است که خداوند متعال برای بندگانش خلقت نموده است.» همچنین فرمود: «خدا دوست دارد که بنده او، وقتی به نزد برادران خود می‌رود، با لباس خوب و مرتب برود و برای برادران خویش، سر و لباس خود را زینت دهد.»<sup>۱</sup>

۱. مکارم الاخلاق، ص ۲۷۳.



بچه‌ها! آیا می‌توانید فواید و آثار نظافت و آراستگی را نام ببرید؟ اصلاً به نظر شما پاکیزگی و آراستگی، تنها برای جسم و بدن ما فایده دارد؟ (سه حرف کلمه «سم» بیان‌کننده خلاصه آثار می‌باشد).<sup>۱</sup>

اهمیت و فایده نظافت و آراستگی ظاهری، هم برای خود شخص است و هم در مواجهه با دیگران اثربخش است. یکی از چیزهایی که در «سلامت» جسمی و روانی انسان اثرگذار است، پاکیزگی جسمی می‌باشد. پاکیزگی، زمینه شادابی جسم و روح انسان را فراهم می‌کند. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «لباس پاکیزه، غم و اندوه را می‌زداید و موجب پاکیزگی نماز است.»<sup>۲</sup>

رعایت نظافت و آراستگی ظاهری، زینت کردن و خوش بو بودن، و زیبایی چهره و لباس، تأثیر قابل توجهی در برانگیختن عواطف و احساسات دیگران دارد. طبع انسان، فطرتاً از کثیفی و ژولیدگی آزرده می‌شود. امام رضا علیه السلام می‌فرماید: «من اخلاق الانبیا التتظف؛<sup>۳</sup> نظافت و پاکیزگی، از اخلاق پیامبران است.»<sup>۴</sup>

امام علی علیه السلام در سفارش به ابتدایی‌ترین و کوچک‌ترین وظیفه هر کسی در برخورد و ارتباط با دیگران، فرموده: «هرگاه یکی از شما نزد برادر مسلمانش می‌رود، باید خود را بیاراید؛ همان گونه که برای بیگانه خود را می‌آراید و دوست دارد او وی را در بهترین وضع ببیند.»<sup>۵</sup>

بچه‌ها! اگر تا حالا خوب گوش داده باشید و یادتان باشد، من از دو واژه استفاده کرده‌ام که یکی «نظافت» و دیگری «آراستگی». می‌توانید تفاوت این دو را بگویید؟

---

۱. در مسیر بحث، مربی محترم سؤالات را می‌پرسد و به دانش‌آموزان فرصت می‌دهد تا هر جوابی را که به ذهن‌شان می‌رسد، به زبان بیاورند. فقط مربی با نوشتن پاسخ‌ها و نتیجه‌گیری از پاسخ‌ها، سعی می‌کند بحث را مدیریت کرده و به سوی مورد نظر هدایت نماید.

۲. مکارم الاخلاق، ص ۴۰۹.

۳. بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۳۳۵.

۴. مربی محترم می‌تواند چنین روایاتی را به جهت کوتاهی و سادگی تکرار کند تا بچه‌ها آن را به خاطر بسپارند.

۵. بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۲۹۸.

آراستگی، در روایات اهل بیت علیهم‌السلام بالاتر از نظافت و پاکیزگی است؛ نظافت، در واقع، پیراستگی بدن و لباس از اضافات، زشتی‌ها و پلیدی‌ها است؛ اما آراستگی، به معنای انجام امور مربوط به زیبایی ظاهری انسان است. آراستگی، به معنای خودآرایی و افزودن به زیبایی و پاکیزگی ظاهری است.

امیر مؤمنان علیه‌السلام می‌فرماید: «التَّجَمُّلُ مِنْ أَخْلَاقِ الْمُؤْمِنِينَ؛ آراستگی، از اخلاق مؤمنان است.»

مسائلی مانند پوشیدن لباس زیبا و استعمال بوی خوش، از جمله موارد آراستگی است. من دو ستون روی تخته می‌کشم، بیایید همراه با هم، پیام نظافت و آلودگی را بنویسیم.

پیام و نشانه نظافت	پیام و نشانه آلودگی
سلامت و تندرستی	بیماری و شلختگی
زیبایی و نشاط	اندوه و زشتی
نظم و ترتیب	بی‌نظمی و بی‌برنامه بودن
ایمان و دیانت	ضعف ایمان و لاپرواہی‌گری
عقل و ادب	نادانی و بد اخلاقی
کمال انسانی و معنوی	کمبود روحی و عاطفی
پیروی از امامان معصوم	پیروی از دستورات شیطان
جایگاه پاکان در بهشت	جایگاه آلودگان در جهنم
دوستی خدا با پاکیزگان	دشمنی خدا نسبت به آلودگان

### نمونه‌هایی از نظافت و آراستگی

اکنون که دیدگاه اسلام درباره نقش و اهمیت نظافت و آراستگی روشن شد، مناسب است برخی نمونه‌ها و موارد آن را بیان کنیم. شما می‌توانید برخی از این نمونه‌ها را فهرست‌وار بگویید؟

## ۱. نظافت یا شستشوی بدن

آلودگی بدن به سبب بوی عرق و مانند آن، باعث بیماری جسمی و تنفر روانی است. امیر مؤمنان علیه السلام می‌فرماید: «خودتان را به وسیله آب از بوی نامطبوعی که مایه آزار دیگران است، پاکیزه سازید. به سر و وضع خودتان برسید؛ زیرا خداوند از بندگان پست و بدون قید که هر کس با او می‌نشیند، از وی بیزار می‌شود، نفرت دارد.»<sup>۱</sup> یکی از مصادیق نظافت بدن، زدودن موهای زاید است. زدودن موهای بدن و کوتاه کردن موی سر، از مظاهر مهم زیبایی نیز می‌باشد.<sup>۲</sup>

### داستان

روزی، عایشه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را هنگام خارج شدن از منزل دید که در ظرف آب نگاه کرده و موهایش را مرتب می‌کند. از حضرت سؤال کرد: آیا شما که پیامبر خدا و بهترین خلق او هستید، در آب نگاه می‌کنید و به ظاهر خود می‌رسید؟ حضرت پاسخ دادند: همانا خداوند دوست دارد، هنگامی که بنده‌اش برای دیدن دوستان دینی خویش از خانه بیرون می‌رود، خود را آماده کند و بیازاید.<sup>۳</sup>

## ۲. بهداشت و نظافت ناخن

آیا می‌توانید یکی دیگر از نمونه‌های نظافت بدن را نام ببرید؟  
بله، حفظ بهداشت و نظافت ناخن.

## ۳. نظافت دهان و دندان

از دیگر نظافت‌های مربوط به بدن که در سلامت فرد و جذابیت اجتماعی او اثر فراوانی دارد، نظافت دهان و دندان است. گفت‌وگو با دیگران، مهم‌ترین راه ارتباط

---

۱. خصال، ج ۲، ص ۶۲۰.

۲. در مورد نوجوانانی که به بلوغ رسیده‌اند و هنوز ازدواج نکرده‌اند، باید این تذکر داده شود که طبق روایات، فاصله زمانی زدودن موهای زاید باید طولانی‌تر از شخص ازدواج کرده باشد؛ چرا که این امر، در شدت بخشیدن به قوه جنسی و تحریک آن اثرگذار است. در بیان چنین مسأله‌ای برای نوجوانان، به‌خصوص دختران، باید نهایت حیا را رعایت نمود.

۳. مکارم الاخلاق، ص ۸۵.

است. از این رو، لازم است در مورد نظافت دهان و دندان خود دقت کنیم تا طرف مقابل، با میل و علاقه به سخنان ما گوش دهد.

### داستان

ابوایوب انصاری که میزبان پیامبر خدا ﷺ در ابتدای ورود حضرت به مدینه بود، می‌گوید: شبی برای حضرت غذا تهیه کردیم که در آن از پیاز یا سیر استفاده شده بود. رسول خدا ﷺ بدون این که به غذا دست زده باشد، آن را برگرداند. ابوایوب می‌گوید: من نگران شدم و خدمت حضرت آمدم و عرض کردم: پدر و مادرم فدای شما! بدون این که از غذا میل کنید، آن را برگردانید و به آن دست هم نزدیک تا ما باقیمانده آن را به عنوان تبرک استفاده کنیم. حضرت فرمود: من در آن غذا بویی مخصوص احساس کردم و چون با مردم به طور خصوصی صحبت می‌کنم، نمی‌توانم از آن غذا بخورم؛ اما شما از آن استفاده کنید. ابوایوب می‌گوید: ما غذا را خوردیم؛ اما بعد از آن، برای حضرت از سیر یا پیاز غذا درست نکردیم.<sup>۱</sup>

### ۴. نظافت و آراستگی لباس

پاکیزه بودن لباس همانند بدن در روابط انسان و سلامت او مؤثر است. زیبایی و آراستگی لباس و به قول شما نوجوانان خوش تیپی باعث می‌شود دیگران دوست داشته باشند تا با انسان معاشرت کنند.

یکی از یاران پیامبر ﷺ می‌گوید: رسول خدا ﷺ نزد ما آمد که چشمش به مردی افتاد که لباس‌هایش چرکین بود، حضرت فرمود: آیا این مرد آبی پیدا نکرده تا لباسش را بشوید.<sup>۲</sup>

وقتی دینی برای پاکیزه‌سازی این‌طور اهمیت قائل است، نسبت به پاکیزگی روزانه و به خصوص نظافت در جامعه هرگز نمی‌تواند بی‌تفاوت باشد.

۱. سیره ابن‌هشام، ج ۱، ص ۳۸۴. این نکته نیز یادآوری شود که پرهیز از غذاهای حاوی سیر و امثال آن، در زمانی است که با دیگران رابطه نزدیک و مواجهه داشته باشیم.

۲. سنن ابی‌داوود، ج ۶، ص ۲۶۱.

اما بچه‌ها به نظر شما آراستگی لباس در جامعه حدود و شرایط دارد؟ به نظر شما بین دختر و پسر محیط اجتماعی تفاوتی وجود دارد یا نه؟ آیا یک دختر یا پسر مجاز است همان‌طور که در داخل خانه و در حریم خصوصی لباس می‌پوشد، در بیرون هم از همان لباس استفاده کند؟

اسلام دارای دو تا مثلث است که این دو مثلث حدود و شرایط آراستگی در لباس را بیان می‌کند. آیا شما می‌توانید رأس‌های این دو مثلث که بیان‌کننده حدود آراستگی است را بگویید.

می‌توانید مثال‌هایی برای نوع پوشش و لباس دختر و پسر در مواجهه با مخاطبین مختلف، در زمان مکان‌های متفاوت بزنید.<sup>۱</sup>

لباس شهوت: دین اسلام به برخی رنگ‌ها توصیه کرده است، مثلاً توصیه به پوشیدن لباس سفید نموده است و یا در مورد دختران و زنان در محیط اجتماع پوشش تیره و سیاه به خصوص چادر مشکی توصیه می‌شود چون دختران و زنان باید در مقابل نامحرم متکبر و سنگین باشند و لباس و چادر مشکی بهترین نماد در برابر نامحرم است، اما پوشیدن لباس‌های تنگ و بدن‌نما، با رنگ‌های تند چه توسط پسرها و چه دخترها در مواجهه با دیگران باعث تحریک جنس مخالف می‌شود؛ به چنین لباس‌هایی لباس شهوت می‌گویند.

لباس شهرت: اسلام از پوشیدن لباس‌هایی که انسان را انگشت‌نما می‌کنند و اکثر جامعه از آن استفاده نمی‌کنند و تنها تأثیر آن جلب توجه دیگران است، منع کرده است. لباس ما باید بیان‌کننده شخصیت ما باشد، نه بی‌هویتی و بی‌شخصیتی ما.

همچنین در روایات به ما گفته‌اند به بیگانگان (غیر مسلمانان) شبیه نشوید و از لباس‌هایی که نماد و نشانه افراد نامسلمان است استفاده نکنید.

---

۱. مربی محترم، مثال‌های عرفی و واضحی را در مورد تفاوت پوشش نسبت به مخاطب، زمان و مکان بیان کند و از این تفاوت، نتیجه بگیرد که آراستگی در لباس، مسأله‌ای است که نسبت به این سه متغیر، شکل‌های مختلف پیدا می‌کند و اگر این سه متغیر لحاظ نشود، هنجارها شکسته می‌شود.

لباس جنسیت: همه می‌دانند که هر جنسیتی چه پسر و چه دختر لباس‌ها و آراستگی مخصوص به خود را دارند. حال اگر پسر و یا دختر از لباس، پوشش و آراستگی جنس مخالف استفاده کند، می‌خواهد چه چیز را به اطرافیان بفهماند؟  
آیا می‌خواهد بگوید من از شخصیت پسرانه یا دخترانه خویش بیزارم.  
بنابراین، پوشیدن لباس زیبا و مناسب از مصادیق آراستگی است.

### داستان

حماد بن عثمان می‌گوید: در خدمت امام جعفر صادق علیه السلام بودم که مردی به آن حضرت عرض کرد: خداوند تو را اصلاح کند! شما گفته‌اید که علی بن ابی طالب علیه السلام لباس خشن به تن می‌کرد، پیراهن چهاردرهمی می‌پوشید و امثال اینها، در حالی که می‌بینیم شما خود جامه‌ای نیکو پوشیده‌اید! حضرت به او فرمود: علی بن ابی طالب علیه السلام آن لباس‌ها را در زمانی می‌پوشید که عیب نبود. اگر چنان لباس‌هایی را امروز می‌پوشید، موجب شهرت او می‌شد.<sup>۱</sup>

حال قبل از این که مورد سوم از نمونه‌های پاکیزگی و آراستگی را برایتان بگویم، هم یک جدول حل کنیم.

پیامبر عزیز ما همیشه به بهداشت خودشان توجه می‌کرد، حتی در مسافرت و مهمانی که برای دیدن دیگران می‌رفت وسایل بهداشت شخصی را همراه خود می‌برد. این وسایل چه چیزهایی بودند؟ با حل جدول آن‌ها را پیدا می‌کنیم.  
رمز جدول عدد ۳ است. یعنی با نوشتن حرف اول سه تا سه تا می‌شمریم تا نام آن وسایل از جدول بیرون بیارید.<sup>۲</sup>

م	ن	ی	س	ه
ن	و	ق	ه	ا
ی	ع	ک	چ	ط
ش	ی	د	ا	آ

۱. میزان الحکمه (با ترجمه فارسی)، ج ۱۱، ص ۵۲۸۸.

۲. جواب: مسواک، شانه، قیچی، آینه، عطر.

حضرت باقر علیه السلام فرمودند: پیامبر اکرم در سفر پنج چیز را به همراه داشت، آینه، عطر، شانه، مسواک و قیچی.

### خاطره

آیت الله توسلی: وقتی مردم در حسینیه آماده ملاقات با امام خمینی بودند، به امام عرض می شد که جمعیت برای ملاقات حاضر است. ایشان بر می خاستند، لباس می پوشیدند، عمامه به سر می گذاشتند و عبا را به دوششان می انداختند و تشریف می آوردند جلوی آینه ای که در اتاق کارشان بود؛ عمامه خودشان را مرتب می کردند و محاسنشان را اگر منظم نبود، به دقت شانه می کردند و به طرف حسینیه حرکت می کردند.<sup>۱</sup>

### ۵. نظافت و پاکیزگی محیط خانه و اجتماع

نظافت محیط اثر زیادی در شادابی ساکنان آن محیط دارد، اگر خانه ای در هم ریخته و کثیف باشد در روح و روان اعضای آن اثر منفی دارد.

امام باقر علیه السلام می فرماید: جارو کردن خانه ها فقر را از بین می برد<sup>۲</sup> و امام صادق علیه السلام فرمود: شستن ظرف ها و جارو کردن جلوی خانه باعث جلب روزی می شود.<sup>۳</sup>

در روایات حتی به باقی نگذاشتن زباله در خانه نیز تأکید شده است و این به خاطر نقش نظافت محیط در آرامش روانی است؛ پیامبر اسلام می فرماید: زباله را شب در خانه های خود نگه ندارید و آن را در روز به بیرون از خانه منتقل نمائید، زیرا زباله جایگاه شیطان است.<sup>۴</sup>

بچه ها! عجب دین کاملی داریم که در مورد تمام زوایای زندگی انساها توصیه دارد تا ما افسار زندگی مان را به دست شرق و غرب ندهیم و در سبک زندگی از بیگانگان تبعیت نکنیم.

---

۱. درس هایی از امام؛ بهار جوانی، ص ۲۷.

۲. وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۳۱۷.

۳. خصال، ج ۱، ص ۵۴.

۴. من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۵.

در روایات، علاوه بر تأکید به پاکیزگی محیط خانه، به زیباسازی آن نیز سفارش شده؛ مثلاً سفارش به گچ‌کاری خانه شده است. امام صادق علیه السلام فرمود: «هرگاه خداوند نعمتی به بنده دهد، دوست دارد اثر آن را در او ببیند. عرض شد: «چگونه؟» حضرت فرمود: لباسش را تمیز نماید، خود را خوش بو کند، خانه اش را گچ‌کاری کند و جلوی در حیاط خود را جارو بزند.»<sup>۱</sup>

---

۱. وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۷.



## درس هفتم: پاکیزگی ظاهری

### موضوع

مروری بر احکام مقدمات نماز - قسمت اول (طهارت ظاهری، احکام مطهرات و نجاسات).

### هدف کلی

آشنایی با احکام مسائل شرعی مورد نیاز در زمینه مطهرات و نجاسات شرعی که دو کارکرد دارد:

۱. زمینه‌ساز طهارت ظاهری در زندگی؛
۲. زمینه‌ساز طهارت ظاهری برای نماز (مقدمه طهارت ظاهری نماز).

### هدف رفتاری

امید است دانش‌آموزان بعد از فراگیری این درس، در خصوص رعایت احکام طهارت و نجاست التزام بیشتری داشته باشند و بتوانند در صورت مواجهه با مسائل طهارت و نجاست، پاسخ سؤالات خود را بیابند و طبق آن عمل نمایند.

### روش‌های مناسب تدریس

۱. توضیحی - توصیفی، (به کارگیری مشارکت دانش‌آموزان در بحث، با توجه به آگاهی‌های پیشین آن‌ها و به منظور آگاهی از میزان آشنایی آن‌ها با احکام طهارت و نجاست)؛
۲. نمودار و تقسیم‌بندی مطالب؛
۳. پرسش و پاسخ و معما.

## رسانه‌های آموزشی

تخته و ماژیک، رساله عملیه (به منظور ارجاع به آن در حین بحث و به کارگیری دانش آموز در پیدا کردن پاسخ مسائل شرعی).

بچه‌ها! بحث را با یک لطیفه آغاز می‌کنیم:

شخصی که تازه نماز خواندن را یاد گرفته بود، به مسجد می‌رود و در نماز جماعت شرکت می‌کند. امام جماعت در رکعت اول، بعد از حمد، سوره بقره را می‌خواند. شخص خیلی خسته می‌شود و حوصله‌اش سر می‌رود. رکعت دوم که امام جماعت سوره فیل را شروع می‌کند، او نماز را رها نموده و از مسجد فرار می‌کند. کسی جلوی درب مسجد از او می‌پرسد: چرا فرار می‌کنی و نمازت را رها کردی؟ گفت: «سوره گاو که آن قدر طول کشید، دیگر سوره فیل که معلوم است چقدر طولانی خواهد شد!» بچه‌ها! خارج از این‌که این داستان لطیفه است، دو تا مسأله از این لطیفه یاد می‌گیریم:

۱. ما می‌توانیم به جای سوره توحید (قل هو الله احد)، هر سوره‌ای را به جز سوره‌های سجده‌دار بعد از حمد بخوانیم.
۲. وقتی وارد نماز شدیم، رها کردن آن جایز نیست و حرام است؛ مگر آن‌که خطری ما یا دیگری را تهدید کند، مثل این‌که بچه‌ای به سیم برق دست بزند.

### داستان

یکی از یاران پیامبر ﷺ چنین می‌گوید: فصل پاییز بود. من و سلمان فارسی زیر درختی نشسته بودیم. سلمان، شاخه درختی را که برگ‌هایش خشک شده بود، جنباند؛ به طوری که برگ‌هایش به زمین ریخت. از او دلیل کارش را جویا شدم. او گفت: روزی با پیامبر ﷺ زیر همین درخت نشسته بودیم که آن حضرت ﷺ چنین کاری انجام داد. وقتی علت کار را سؤال کردم، حضرت ﷺ فرمود: «وقتی مؤمن طبق دستور خدا وضو بگیرد و نمازهای پنج‌گانه را صحیح بخواند، همانند برگ‌های این درخت که این چنین به زمین ریخت، گناهان او نیز می‌ریزد.»<sup>۱</sup>

۱. یادداشت‌های نمازگزاران، رحیم کارگر محمدیاری، ص ۵۹.

بچه‌ها! به نظر شما کار و فایده «کلید» چیست؟<sup>۱</sup>

بله، کلید قفل را باز می‌کند و وسیله‌ای است که ما را برای رسیدن به مقصد و مقصودی کمک می‌نماید.

حال این جملات را کامل نمایید:

دعا، کلید ..... است.

وضو، کلید ..... است.

نماز، کلید ..... است.

جواب‌ها به ترتیب عبارت‌اند از: «رحمت، نماز، بهشت».

کلید اگر بخواهد قفلی را باز کند و ما را به هدف و مقصودمان برساند، باید سالم باشد؛ مثلاً با کلیدی که دنده‌هایش شکسته و یا زنگ زده است، نمی‌توان قفل را باز کرد. پس هر کلیدی باید دارای شرایط و ویژگی‌هایی باشد تا بتواند ما را در دستیابی به مقصودمان کمک نماید.

حال، سؤال این است که آیا شما می‌دانید شرایط و ویژگی‌های وضو و طهارت قبل از نماز و شرایط خود نماز چیست؟

این شرایط و ویژگی‌ها، همان احکام شرعی است که در رساله عملیه مراجع تقلید و یا استفتائات<sup>۲</sup> آن‌ها آمده است. ما می‌خواهیم برخی از مهم‌ترین احکام شرعی مربوط به طهارت و نماز را با هم مرور نماییم.

بچه‌ها! آیا می‌دانید طهارت که یکی از مقدمات نماز است، چند نوع است؟

رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «لَا صَلَاةَ إِلَّا بِطَهْرٍ»<sup>۳</sup> هیچ نمازی قبول نیست، مگر با طهارت.»

---

۱. مربی محترم در ضمن بحث سوالاتی را می‌پرسد تا با مشارکت دانش‌آموزان و نوجوانان بحث را پیش ببرد، پرسیدن سوال علاوه بر فعال کردن دانش‌آموز و ایجاد نشاط در کلاس، باعث می‌شود مربی و مبلغ بفهمد که میزان اطلاعات و آگاهی‌های معارفی و احکامی دانش‌آموزان چقدر است، تا متناسب با آن بحث را پیش ببرد.

۲. مربی و مبلغ محترم تفاوت رساله عملیه را با استفتائات برای دانش‌آموز بیان نماید.

۳. من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۳.

برای انجام این عبادت، لازم است با روحی نورانی و جسمی پاکیزه در پیشگاه خداوند حاضر شویم.

طهارت: روحی: با وضو، غسل یا تیمم ایجاد می‌شود.<sup>۱</sup>  
 جسمی و ظاهری: برای پاکیزگی جسمی و ظاهری، لازم است نجاسات را از بدن و لباس خود پاک کنیم. بنابراین، لازم است نجاسات و مطهرات، یعنی چیزهایی را که نجاسات را پاک می‌کنند، به خوبی بشناسیم.

باید دانست که در دنیا، همه چیز پاک و طاهر است؛ مگر یازده چیز. البته ما در این جا فقط ۵ مورد از نجاسات<sup>۲</sup> را که ارتباط بیشتری با انسان دارد، بیان می‌کنیم.

نجاسات:

- |   |   |   |
|---|---|---|
| ادرار و مدفوع انسان و حیوان‌هایی که حرام‌گوشت و خون جهنده دارند، مانند گربه و موش، نجس است. | } | ۱. ادرار (بول)<br>۲. مدفوع (غائط)         |
| مردار، خون و منی انسان و حیوانی که خون جهنده دارد، مانند گوسفند، مرغ و گاو، نجس است.        | } | ۳. مردار<br>۴. خون<br>۵. منی <sup>۳</sup> |

۱. هر چند با انجام دادن وضو و غسل، طهارت و پاکیزگی ظاهری هم حاصل می‌شود اما هدف اصلی از انجام آن طهارت باطنی است.  
 ۲. شش نجاسات دیگر یعنی سگ، خوک، شراب، آبجو، انسان کافر، و عرق شتر نجاست خوار، چیزهایی هستند که در همه موارد نجسند یا مبلغ محترم در صورت نیاز می‌تواند در مورد این شش مورد توضیح دهد.  
 ۳. مربی کحترم با ظرافت و رعایت حیا در مورد «منی» و چిستی آن برای نوجوانان توضیح می‌دهد؛ مثلا می‌تواند اینگونه بیان نماید که، بچه‌ها انسان وقتی بالغ می‌شود، بعضی روزها صبح که از خواب بیدار می‌شود، می‌بیند که مایع غلیظی از مجرای ادرارش خارج شده و لباسش را آلوده کرده، این مایع اگر با سه شرط خارج شده باشد، «منی» نامیده می‌شود.

### منظور از خون جهنده چیست؟

منظور از خون جهنده، آن است که اگر رگ بدن بریده شود، خون فوران می‌کند. مردار: به حیوانی گفته می‌شود که خودش مرده یا به غیر روش ذبح شرعی کشته شده باشد و همچنین اجزای روح‌داری که از بدن حیوان زنده جدا شده باشد مثل انگشت انسان یا دنبه گوسفند زنده نیز در حکم مردارند [به فتوای برخی از مراجع مورد دوم پاک است]، اما اجزایی از بدن مثل مو، ناخن و پوست‌های خشک شده بدن پاک است.

با توجه به آنچه گفته شد، آیا می‌توانید پاسخ سؤالات ذیل را بدهید:

- |                   |                           |                           |
|-------------------|---------------------------|---------------------------|
| گنجشک مرده:       | <input type="radio"/> پاک | <input type="radio"/> نجس |
| ماهی مرده:        | <input type="radio"/> پاک | <input type="radio"/> نجس |
| پوست گوسفند مرده: | <input type="radio"/> پاک | <input type="radio"/> نجس |
| خون پشه:          | <input type="radio"/> پاک | <input type="radio"/> نجس |

خونی که از لای دندان بیاید، به شرط اینکه با آب دهان مخلوط شود و در آب دهان از بین برود:

- پاک       نجس

زردابه‌ای که از اطراف زخم می‌آید به شرطی که معلوم نباشد خون دارد یا نه:

- پاک       نجس

### چگونگی نجس شدن اشیا

اگر عین نجاست مانند خون با جسم پاکی تماس پیدا کند و هر دو یا یکی از آنها طوری تر باشد که رطوبتش به دیگری برسد، آن شیء نجس می‌شود؛ بنابراین، اگر تری بین دو جسم آنقدر کم باشد که رطوبت انتقال پیدا نکند، جسم پاک، نجس نمی‌شود.

### مایعات در برخورد با نجاست

مایعاتی مانند روغن مایع، آس، شیره و عسل روان به محض رسیدن نجاست به آنها تماماً نجس می‌شوند، ولی اشیای غلیظ و تقریباً جامد، به طوری که اگر چیزی از

آن‌ها برداشته شود جای آن خالی می‌ماند اگر چه بعداً پر شود، تنها محدوده‌هایی که نجاست به آن برخورد کرده است، نجس می‌شود و با برداشتن آن قسمت می‌توان از باقیمانده استفاده نمود.

زمین، پارچه، میوه و چیزهایی مانند آنها، اگر خیس باشند فقط قسمتی که نجاست به آن برسد نجس می‌شود و جاهای دیگر پاک است.

### مطهرات (پاک‌کننده‌ها)

بچه‌ها آیا کسی می‌داند که پاک‌کننده‌ها در اسلام چند چیز است؟  
بله، چنان‌که بچه‌ها گفتند مهم‌ترین پاک‌کننده در اسلام و زندگی بشر «آب» است.  
پاک‌کننده‌ها در اسلام ده چیز است که ما در این جا سه تای آن‌ها را که از اهمیت بیشتری برخوردارند بیان می‌کنیم:

۱. آفتاب ۲. زمین ۳. آب

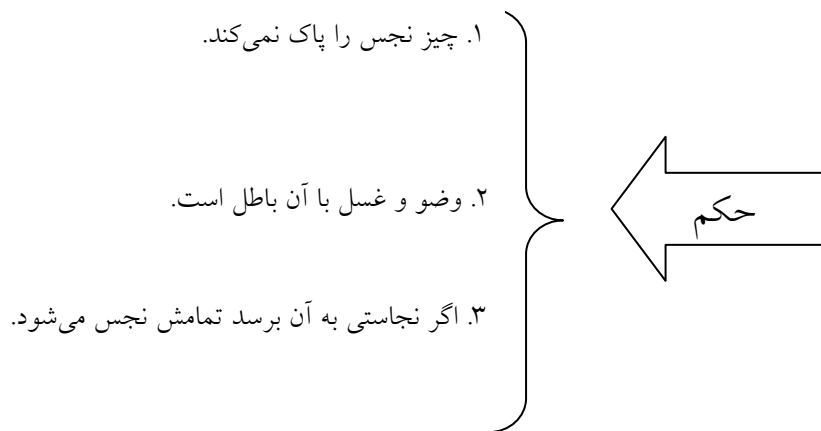
آفتاب: آفتاب می‌تواند زمین، ساختمان، درخت و اجزای ثابت آن‌ها را با شرایطی پاک کند، آن شرایط عبارت‌اند از: عین نجاست کاملاً بر طرف شده باشد، محل نجس شده مرطوب باشد و فقط با نور مستقیم آفتاب خشک شود.

زمین: اگر کف پا و ته کفش در اثر راه رفتن نجس شده باشد، می‌توانیم پس از بر طرف کردن عین نجاست مانند مدفوع، ۱۵ قدم روی زمین پاک و خشک راه بروم تا پاک شود.

آب: آب مهم‌ترین چیزی است که ما در زندگی روزمره، به صورت‌های مختلفی مثل نوشیدن، وضو گرفتن، غسل کردن، شستن بدن، لباس و ظروف، از آن استفاده می‌کنیم. بنابراین، لازم است اقسام و احکام آن را به خوبی بشناسیم.

## اقسام و احکام آبها

۱. آب مضاف: به آبی گفته می‌شود که مثل گلاب و آبمیوه از چیزی گرفته شده باشد و یا مثل شربت، چیزی با آن مخلوط شده باشد به طوری که دیگر به آن «آب» نگویند.



۲. آب مطلق: آبی است که نه از چیزی گرفته شده و نه چیزی به آن اضافه شده است البته اگر آب مقدار کمی ناخالصی داشته باشد، اشکالی ندارد.
- (۱) کر: اگر حجم آب به اندازه منبعی باشد که طول، عرض و ارتفاع آن هر کدام  $\frac{3}{5}$  و جب معمولی باشد و یا وزن آن ۳۸۴ کیلوگرم باشد.
- \* اشیای نجس را با آب می‌توان پاک کرد.
- \* اگر عین نجاست مانند خون به آن برسد و رنگ، بو یا مزه آن تغییر نکند، نجس نمی‌شود.
- \* بعد از برطرف کردن نجاست از چیز نجس اگر یک مرتبه با آب کر شسته شود، پاک می‌شود.
- (۲) قلیل: آبی که کمتر از آب کر است و از زمین نجوشد.
- \* اگر چیز نجسی به آن برسد تمامش نجس می‌شود.

- \* آب قلیل با شرایطی اگر روی چیز نجسی ریخته شود، آن را پاک می‌کند، ولی آبی که از آن جدا می‌شود نجس است.
- (۳) آب جاری: آبی که از زمین بجوشد و جریان داشته باشد مثل آب چشمه و قنات.
- \* احکام آن مانند آب کر است.
- (۴) آب چاه: آبی که از زمین می‌جوشد.
- \* احکام آن مانند آب کر است.
- (۵) آب باران

\* اگر چیز نجسی که عین نجاست در آن نیست، زیر باران قرار گیرد، تا جایی که آب باران به آن رسد، پاک می‌شود و در فرش و لباس نیز فشار دادن آن‌ها لازم نیست.

**بچه‌ها! آیا با «آب پرتقال» می‌توان وضو گرفت و چیز نجس را پاک کرد؟**

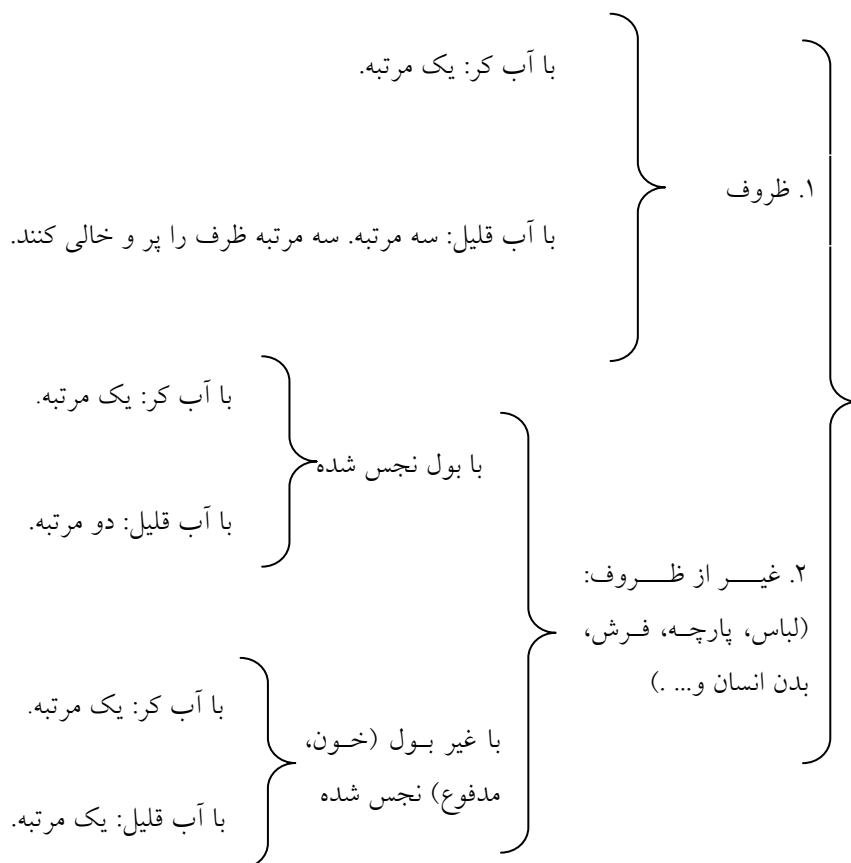
**جواب:** اگر منظور از پرتقال میوه باشد، نه می‌توان با آن وضو گرفت و نه چیز نجس را پاک کرد؛ اما با آب کشور پرتغال هم می‌توان وضو گرفت و هم چیز نجس را پاک کرد.

### **پاک کردن چیزهای نجس با آب**

برای پاک کردن چیزهای نجس با آب، ابتدا باید عین نجاست (خون، ادرار، مدفوع) را برطرف نمود و پس از آن، آن چیز را آب کشید.



## تطهیر و آب کشیدن:



### نکته

در مورد لباس، پارچه و فرش باید بعد از هر مرتبه شستن با آب قلیل، آب داخل آن را خارج کنیم و این عمل می‌تواند با هر وسیله‌ای صورت گیرد؛ مثل این‌که با قاشق یا فشار دادن، آب داخل فرش را خارج نمایند.

### بچه‌ها! آیا می‌دانید «طهارت ظاهری» در نماز تا چه حدی است؟

هنگامی که به نماز می‌ایستیم، باید بدن و لباسمان پاک باشد و اگر بدانیم لباس و یا بدنمان آلوده به نجاستی مانند: خون، بول و... است، نمازمان باطل است.

با توجه به این مسأله کلی، آیا می‌توانید به دو سؤال ذیل پاسخ دهید؟

۱. اگر نجس بودن بدن یا لباس را فراموش کنیم و در بین نماز یا بعد از آن، یادمان بیاید، باید نماز را دوباره بخوانیم و اگر وقت گذشته، آن را قضا کنیم.

۲. اگر ندانیم که لباس یا بدنمان نجس شده و بعد از نماز متوجه شویم، نمازمان صحیح است.
- با توجه به مسأله دوم، به نظر شما اگر روزی دیدیم دوستان با لباس نجس به نماز ایستاده، مثلاً پشت پیراهن او خونی است، آیا لازم است به او اطلاع دهیم؟
- جواب: اطلاع دادن، لازم نیست؛ چون نماز او به جهت اطلاع نداشتن از وجود نجاست در بدنش، صحیح است.
- بیچه‌ها! در چه مواردی با وجود نجس بودن بدن و لباس، نماز ما باطل نمی‌شود؟
۱. ندانیم لباس یا بدنمان نجس است.
  ۲. ناچار باشیم؛ مثل این‌که در سرمای شدید گرفتار شده‌ایم و امکان تطهیر لباس یا بدن را نداریم.
  ۳. چیزی که نمی‌توان با آن عورت را پوشاند؛ لباس‌های کوچک مثل: جوراب، دستکش و کمربند.
  ۴. کم بودن خون: خون روی لباس یا بدن، کمتر از اندازه بند سرانگشت اشاره باشد.
  ۵. مشکل بودن تطهیر خون: به جهت زخم یا جراحت یا دملی که در بدن وجود دارد، بدن یا لباس نجس شده و تطهیر آن مشکل باشد.

## درس هشتم: پاکیزگی باطنی

### موضوع

مروری بر احکام مقدمات نماز - قسمت دوم (طهارت باطنی؛ وضو، غسل و تیمم)

### هدف کلی

آشنایی با احکام و مسائل مورد نیاز در زمینه طهارت باطنی (وضو، غسل و تیمم)

### هدف رفتاری

انتظار می‌رود نوجوان ضمن شناخت احکام طهارت، از عهده چگونگی انجام وضو، تیمم و غسل برآید.

### روش‌های مناسب تدریس

توضیحی - توصیفی؛ روش فعال (استفاده از مشارکت و اطلاعات دانش‌آموزان برای پیشبرد بحث از طریق پرسش و پاسخ، ایجاد ابهام و...)، نمودارسازی مطالب.

### رسانه‌های آموزشی

تخته و ماژیک، رساله عملیه و استفتائات، جدول، فلش کارت.

بچه‌ها! یادتان هست چند نوع طهارت را نام بردیم که برای نماز خواندن لازم است و از مقدمات نماز است؟

تا کنون از طهارت ظاهری بدن برای نماز صحبت کردیم؛ حال می‌خواهیم از طهارت روحی صحبت کنیم. طهارت روحی و باطنی، گاهی با وضو حاصل می‌شود، در بعضی مواقع به غسل نیاز دارد و در شرایط خاصی، تیمم کافی است. آیا می‌توانید بگویید در چه مواردی داشتن «وضو» لازم است و در چه مواردی خوب است وضو داشته باشیم؟

### مواردی که لازم است وضو داشته باشیم:<sup>۱</sup>

۱. نماز خواندن خواندن نماز واجب، بدون وضو درست نیست.
  ۲. نام خدا دست زدن به نام خدا (با هر زبانی باشد)، بدون وضو جایز نیست.
  ۳. خط قرآن به خط‌های قرآن، بدون وضو حق نداریم دست بزنیم.
- مواردی که واجب نیست، بلکه مستحب است با وضو باشیم:

۱. قرآن خواندن
  ۲. زیارت: برای رفتن به زیارت معصومان و حرم آنان، مستحب است با وضو باشیم.
  ۳. دعا خواندن
  ۴. خوابیدن موقع خوابیدن در شبانه‌روز، مستحب است با وضو باشیم.
- بچه‌ها! من وضو می‌گیرم، شما هم وضو بگیرید؛ شما اشکال‌ها و ایرادهای وضوی مرا بگویید، من هم اگر وضوی شما ایرادی داشت، به شما می‌گویم:<sup>۲</sup>

### برخی مسائل و احکام وضو

#### احکام شستن:

- لازم نیست حتماً با دست بر روی اعضای وضو آب بریزیم و می‌توان مستقیماً از شیر آب استفاده کرد.

۱. مبلغ محترم، می‌تواند از فلش کارت در این بحث استفاده نماید.

۲. با توجه به این‌که دانش‌آموزان نوجوان هستند و اصل وضو گرفتن را بلد هستند، دیگر لازم نیست مراحل وضو گرفتن را به آن‌ها آموزش داد؛ بلکه باید اشکال‌های احتمالی را به آن‌ها تذکر داد و برخی مسائل و احکام وضو را برای آنان بیان کرد. البته اگر شرکت‌کنندگان در کلاس، دخترخانم‌ها باشند، نباید از آنان درخواست شود که وضو بگیرند.

- شستن صورت و دست‌ها در وضو، باید از بالا به پایین باشد و اگر از پایین به بالا انجام شود، وضو صحیح نیست.
- شستن دست‌ها قبل از وضو، مستحب است؛ اما متأسفانه، برخی افراد به جهت این‌که قبل از وضو دست‌ها یا صورتشان را شسته‌اند، در هنگام وضو فقط بخشی از آن‌ها را که شسته نشده است، می‌شویند و دقت نمی‌کنند که برای وضو، تمام عضو باید به طور کامل حداقل یک بار شسته شود.
- پس از یک بار شستن اعضای وضو (صورت و دست‌ها) به صورت کامل، جایز است که برای مرتبه دوم آن‌ها را شست؛ اما شستن برای دفعه سوم، حرام است؛ البته شستن کامل در هر نوبت می‌تواند با چند مشت آب صورت گیرد.

### احکام مسح:

- برای مسح سر لازم نیست آب را به پوست سر برسانیم و مسح موی سر کافی است؛ اما اگر موها بلند باشد، به حدی که اگر شانه شود، به صورت یا اطراف سر می‌ریزد، باید بیخ موها مسح شود.
- همچنین اگر به علت چربی یا رنگ، آب به موها نرسد، باید پوست سر مسح شود.
- مسح سر نباید به رطوبت صورت وصل شود.
- مسح پا را می‌توان از هر کدام از انگشتان شروع کرد. فقط لازم است که از ابتدای انگشتان آغاز گردد.
- لازم است دست بر خود پوست پا کشیده شود و هیچ مانعی، حتی مانند جوراب نازک هم، بین دست و پا قرار نداشته باشد.
- هنگامی که سر یا پا را مسح می‌کنیم، باید آن عضو ثابت باشد و اگر با حرکت آن‌ها مسح انجام شود، درست نیست.
- محل مسح باید خشک باشد و اگر مرطوب باشد، باید آن‌جا را قبل از مسح خشک کنیم؛ به طوری که آب مسح بر رطوبت سر یا پا غلبه کند؛ اما صورت و دو دست‌ها لازم نیست قبل از وضو، خشک باشند.

**بچه‌ها! آیا برای مسح سر و پاها می‌توان از آب خارج از وضو استفاده نمود؟**

برای مسح نباید از آب خارج از وضو استفاده شود و باید با همان آبی که دست‌ها را شستیم، استفاده نماییم؛ در صورتی که دست هنگام مسح کردن خشک شده باشد، نمی‌توانیم آن را با آب خارج از وضو مرطوب کنیم؛ بلکه باید با کشیدن دست بر دیگر اعضای وضو، از تری آن‌ها استفاده کنیم.

آیا کسی می‌تواند در یک کلمه شرایط صحیح بودن وضو را برای من بگوید که اگر این شرایط رعایت شود، وضوی ما زنگ زده نیست و می‌تواند کلید ورود به نماز شود؟ شرط صحیح بودن وضو، در کلمه «مقاومت» جمع شده است. حالا کسانی که می‌خواهند ربط «مقاومت» به «وضو» را بدانند، به کارت‌هایی که در دست من است، توجه نمایند:

**م موالات** یعنی فاصله نینداختن بین اعمال وضو؛ به طوری که رطوبت عضو قبلی خشک شود، یا به بیان برخی از مراجع، انسان را از حالت وضو خارج کند.

**ق قصد قربت** یعنی برای وضو باید نیت کنیم که برای رضای خدا وضو می‌گیریم. لازم نیست نیت را با زبان بازگو کنیم. اگر به قصد ریا، خنک شدن یا تفریح وضو بگیریم، وضویمان باطل است.

**ا اعضای وضو** باید پاک باشد. اگر عضوی که شستن یا مسح آن تمام شده، نجس شود، وضو صحیح است. اگر جایی غیر از اعضای وضو نجس باشد، می‌توان وضو گرفت و وضو صحیح است.

**و وقت باشد** وقت کافی برای وضو و نماز داشته باشد. پس اگر نماز به قدری دیر شد که اگر وضو بگیریم، تمام نماز یا مقداری از آن، بعد از وقت خوانده می‌شود، باید تیمم کنیم؛ مگر آن‌که تیمم به اندازه وضو وقت بخواهد.

**م مانعی نباشد** مانعی از رسیدن آب در آن‌ها وجود نداشته باشد. پس وجود هر چیزی در اعضای وضو که به عنوان مانع حساب شود و دارای جرم باشد، مانند: خطوط ماژیک یا خودکار، خمیر، گچ، روغن، قیر و...، وضو را باطل می‌کند.

ت **ترتیب یعنی** شستن‌ها و مسح‌ها را به ترتیب انجام دهیم. بنابراین، اگر ترتیب اعمال به هم بخورد، وضو باطل می‌شود.

**سؤال: باطل‌کننده وضو چیست؟**

۱. ادرار کردن؛ ۲. مدفوع؛ ۳. باد شکم که از مخرج خارج می‌شود؛ ۴. خوابی که چشم نبیند و گوش نشنود؛ ۵. هر عاملی که عقل را از بین ببرد، مانند بیهوشی.
- بیچه‌ها! احساس می‌کنم کمی خسته شده‌اید. پس بیایید با هم یک جدول حل کنیم.
۱. یاری رساندن؟ کمک (۳ - ۵ - ۴)
۲. نام سرزمین بلقیس در قرآن؟ سبا (۷ - ۱۳ - ۱۴)
۳. نام جسم سفید رنگ و شورمزه؟ نمک (۶ - ۱۱ - ۱۷)
۴. دست به عربی چه؟ ید (۱۲)
۵. نام عضوی که به هنگام وضو بر روی آن مسح می‌شود؟ پا (۱ - ۲)
۶. حرف ندا برای دور و نزدیک؟ یا (۱۶ - ۱۵)
۷. در آشپزی به همراه پز می‌آید؟ پخت (۹ - ۸ - ۱۰)

*	۴	۳	۲	۱
*	۸	۷	۶	۵
*	۱	۱	۱	۹
		۲	۱	۰
۱	۱	۱	۱	۱
	۷	۶	۵	۴
				۳

رمز جدول، ۶ است. پس خانه‌ها را شش تا شش تا بشمارید تا به پیام جدول برسید.

پیام جدول: پس با خاک پاک تیمم کنید.<sup>۱</sup>

---

۱. قسمتی از آیه ۴۲ سوره نساء. مبلغ محترم، بعد از آن‌که شیوه تیمم نمودن را برای بچه‌ها اجرا می‌کند، احکام آن را ارائه می‌نماید.

## تیمم

تعریف تیمم: عملی است که در مواردی که ما باید وضو یا غسل انجام دهیم، ولی شرایط آن مهیا نیست، باید از آن استفاده نماییم.

### در چه مواردی می‌توان به جای وضو یا غسل، تیمم نمود؟

۱. دسترسی به آب نداریم؛ مثلاً در جایی هستیم که آب نیست یا رسیدن به آن مشقت زیاد و غیر قابل تحمل دارد.
۲. احتمال بدهیم که آب برایمان ضرر دارد.
۳. کمبود وقت برای نماز؛ یعنی اگر وضو و غسل انجام دهیم، مطمئن نیستیم که تمام نماز را می‌توانیم در داخل وقت آن بخوانیم.
۴. ترس از تمام شدن آب و تشنه ماندن؛ البته در صورتی که آن تشنگی موجب مرگ، مریضی و یا مشقت زیاد و غیر قابل تحمل شود.
۵. بدن و لباس ما نجس شده و آب کمی در اختیار داریم؛ به طوری که اگر با آن وضو بگیریم، دیگر نتوانیم بدن یا لباسمان را پاک کنیم.

### احکام تیمم:

- تأخیر انداختن نماز برای تیمم کردن به جای وضو یا غسل، حرام است؛ ولی نمازی که در این صورت با تیمم خوانده می‌شود، صحیح است.
  - اگر کسی خجالت بکشد که غسل نماید، نمی‌تواند به جای غسل، تیمم نماید.
  - چیزی که بر آن تیمم می‌کنند، باید پاک باشد و غصبی نباشد.
- تیمم بر چه چیزهایی صحیح است؟
- تیمم بر خاک، ریگ، کلوخ، سنگ، گل پخته (مثل آجر و کوزه) سنگ گچ، سنگ آهک، سنگ مرمر و سایر سنگ‌ها صحیح است. (طبق فتوای برخی مراجع، تیمم بر گل پخته، سنگ گچ و سنگ آهک صحیح نیست).
- محل مسح باید ثابت، پاک و بدون مانع باشد. بنابراین، باید برای تیمم، انگشتر را از دست بیرون آورد.



## غسل

بچه‌ها! اگر گفتید از جمله راه‌هایی که در اسلام برای طهارت باطنی قرار داده شده و کلید ورود به عبادات است، کدام است؟  
راهنمایی مربی: مثل وضو سه حرفی است.  
بله: «غسل».

## برخی احکام غسل

- انجام غسل، در مواردی مستحب است، مانند غسل روز جمعه و غسل زیارت.  
همچنین در برخی موارد، واجب است، مانند غسل: جنابت، حیض،<sup>۱</sup> و مسّ میت.  
- کسی که غسل جنابت انجام داده است، نباید برای نماز وضو بگیرد؛ مگر آن‌که در بین غسل یا پس از آن، کاری انجام دهد که وضو را باطل می‌کند.

## انواع غسل

بچه‌ها! آیا می‌دانید به چند صورت می‌توانیم «غسل» را انجام دهیم؟  
۱. **غسل ترتیبی:** غسل ترتیبی به این صورت است که بعد از نیت، اوّل سر و گردن را شسته، سپس طرف راست و بعد طرف چپ را می‌شوئیم.  
- رعایت ترتیب در شستن اعضای غسل، لازم است.  
- برطرف کردن چیزهایی که دارای جرم است و مانع رسیدن آب به پوست می‌شود، از اعضای غسل لازم است.  
- موالات (پشت سر هم بودن و فاصله نداشتن) در غسل، شرط نیست؛ ولی سایر شرایط صحت وضو، لازم است در غسل نیز رعایت شود، از جمله: پاک و مباح بودن آب، وجود وقت کافی، قصد قربت و ...

---

۱. غسل جنابت، مشترک بین زنان و مردان است و غسل حیض، مخصوص زنان می‌باشد؛ مربی و مبلغ محترم، باید با ظرافت و بدون این‌که حریم حیای مثبت دریده شود، جنابت را برای دانش‌آموزان پسر (در صورت رسیدن به سن بلوغ) توضیح دهد و همچنین حیض را برای دختران، در صورت وجود زمینه و رعایت نهایت حیا، توضیح دهد.

- بر خلاف مسح سر در وضو، رساندن آب به پوست سر و شستن آن، واجب است.

- شستن اعضای غسل از بالا به پایین، لازم نیست.

۲. غسل ارتماسی: این غسل، به این صورت انجام می‌شود:

(۱) نیت غسل کنیم و وارد آب شویم

(۲) در این روش، با داخل شدن اولین قسمت از بدن در آب، غسل شروع می‌شود؛

تا این‌که آب، تمام بدن را فرا گیرد.

- طبق فتوای برخی از مراجع، می‌توانیم داخل آب برویم و هنگامی که آب تمام

بدن را فراگرفت، بدن را به قصد غسل تکان دهیم.

## درس نهم: کلید بهشت، سیر آتش

### موضوع

مروری بر احکام نماز و روزه.

### هدف کلی

هدف این درس، گره‌گشایی از سؤالات دانش‌آموزان در مورد احکام نماز و روزه است.

### هدف رفتاری

انتظار می‌رود با فراگرفتن مطالب این درس، دانش‌آموزان بتوانند پاسخ سؤالات خود را بیابند و طبق آن عمل نمایند.

### روش‌های مناسب تدریس

توصیفی (تبیین احکام به صورت گزاره‌ای کوتاه)، روش فعال (استفاده از مشارکت دانش‌آموز با پرسش از آن‌ها و تکیه بر دانسته‌های آنان)، نمودار و تقسیم‌بندی مطالب، استفاده از شکل.

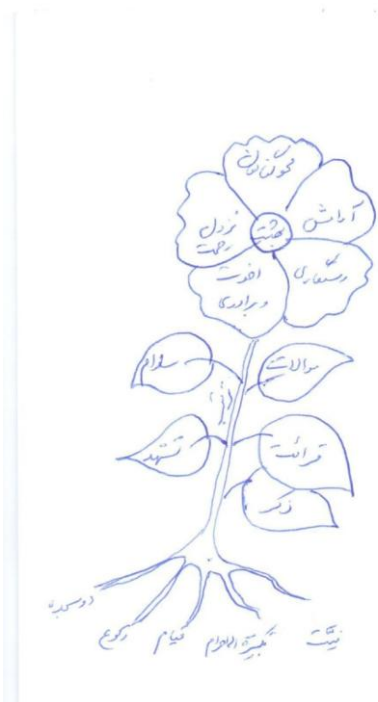
### رسانه‌های آموزشی

تخته و ماژیک، فلش کارت، نقاشی و...  
در دو درس گذشته، از طهارت ظاهری و باطنی (وضو، غسل و تیمم) که دو کلید ورود به نماز است، صحبت کردیم. در این درس می‌خواهیم احکام و مسائل شرعی نماز و روزه را با هم مروری کنیم تا این دو بتوانند کلید ورود ما به بهشت شوند.  
قبل از ورود به احکام نماز، حکایتی از نماز یک شهید را برایتان نقل می‌کنم. دقت کنید تا بتوانید حدس بزنید این شهید کیست!

یکی از دوستان نزدیک این شهید می‌گوید: روزی حدود ظهر، نزد او بودم که صدای اذان شنیده شد. ایشان از جایشان حرکت کردند و خواستند خود را برای اقامه نماز آماده کنند که شخصی وارد اتاق شد و گفت: غذا آماده است، سرد می‌شود، اگر اجازه بفرمایید، بیاورم.

شهید فرمود: «خیر. بعد از نماز.»

وقتی او از اتاق خارج شد، ایشان با چهره‌ای متبسم و دلی آرام، خطاب به من فرمود: عهد کرده‌ام که هیچ وقت قبل از نماز ناهار نخورم و اگر زمانی ناهار را قبل از نماز بخورم، یک روز روزه بگیرم.<sup>۱</sup> نام این شهید را بگویید؟ شهید محمدعلی رجایی.



بچه‌ها! نماز، مثل یک گیاه زیبا است که دارای اجزایی می‌باشد. اگر این گیاه بخواهد، شاداب باشد و میوه و گل بدهد، باید تمام اجزای آن در جای خود و با شرایط مناسب انجام شود.

ریشه = ۵ رکن نماز.

ساقه = ترتیب.<sup>۲</sup>

برگ‌ها = ۵ واجب غیر رکنی.

گل و میوه = آثار نماز.

بچه‌ها! دو آیه برایتان می‌خوانم. بگویید هر کدام اشاره به چه اثری از نماز دارد؟

– «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ»<sup>۳</sup> نماز،

انسان را از گناهان و زشتی‌ها باز می‌دارد.»

۱. داستان‌های نماز، ص ۸۱.

۲. ترتیب در نماز، باعث می‌شود که پیوستگی برگ‌ها (غیر ارکان) با یکدیگر، و پیوستگی ریشه (ارکان) با برگ‌ها (غیر ارکان) و گل و میوه (آثار نماز) حفظ شود. ترتیب، مانند نخ تسبیح است که اجزای نماز را به یکدیگر مرتبط می‌کند.

۳. عنکبوت، آیه ۴۵.

– «الا بذكر الله تطمئن القلوب»<sup>۱</sup> آگاه باشید که با ذکر خدا (مثل نماز) دل‌ها آرام

می‌گیرد.»

۱. رکن: اجزایی که اگر از روی فراموشی و یا عمدتاً، کم یا زیاد کنیم، نماز باطل است؛ ارکان نماز، حکم ریشه را برای نماز دارند.

۲. غیر رکن: اجزایی که اگر از روی فراموشی، کم و زیاد شوند، به نماز ضرری نمی‌رسانند و نماز باطل نیست؛ اجزای غیر رکن، حکم ساقه و برگ را برای نماز دارند.

### واجبات نماز

بچه‌ها! با توجه به اینکه شما اصل نماز را بلدید، من سعی می‌کنم برخی از مسائل مربوط به اجزا و واجبات نماز را که می‌دانم به آن نیاز پیدا می‌کنید، برایتان بگویم.

### نیت

باید هدفمان از خواندن نماز، فقط انجام دادن دستور خدا باشد؛ نه خودنمایی و ریا. البته به زبان آوردن یا حتی از قلب گذراندن نیت، لازم نیست.

عوض کردن نیت نماز، جایز نیست؛ مگر در چند مورد:

۱. از جماعت به فرادی؛

۲. از نماز ادا به نماز قضا؛

۳. از نماز عصر به نماز ظهر در صورتی که یادمان بیاید نماز ظهر نخونده‌ایم؛ از نماز عشا به مغرب در صورتی که یادمان بیاید نماز مغرب نخونده‌ایم. بنابراین، تغییر نیت از ظهر به عصر یا از مغرب به عشا جایز نیست.

۴. وقتی که مشغول نماز فرادی هستیم، نماز جماعت بر پا شود و احتمال می‌دهیم ادامه دادن نماز، باعث از دست دادن حتی یک رکعت از جماعت می‌شود، می‌توانیم نماز را به نماز مستحیی تبدیل کنیم و به صورت دو رکعتی تمام کنیم.

### تکبیرة الاحرام

همان «الله اکبر» ابتدای نماز است. هنگام تکبیرة الاحرام، باید بدن ثابت و آرام باشد.

### قیام

یعنی ایستادن. هنگام نماز، باید برای تکبیرة الاحرام و قرائت و همچنین قبل و بعد از رکوع ایستاده باشیم. با توجه به این‌که قیام هنگام تکبیر و قبل از رکوع، از ارکان نماز است، حتی اگر سهواً هم ترک شود، نماز باطل می‌شود. بنابراین، اگر رکوع را فراموش کردیم و پیش از سجده یادمان آمد، باید بایستیم و سپس به رکوع برویم.

### قرائت

خواندن حمد و سوره در رکعت اول و دوم و تسبیحات اربعه در رکعت سوم و چهارم.

- در نماز ظهر و عصر باید حمد و سوره را آهسته بخوانیم؛ ولی در نماز صبح، مغرب و عشا مردها باید تمام حمد و سوره را بلند بخوانند و خانم‌ها می‌توانند آهسته یا بلند قرائت کنند؛ البته در صورتی که نامحرم صدای آن‌ها را نشنود.

آیا خجالتی بودن موجب می‌شود تا مردان نماز صبح و مغرب و عشا را آهسته بخوانند؟

خیر. اگر در جایی که باید نماز را بلند بخوانیم، عمداً آهسته قرائت کنیم، نمازمان باطل می‌شود؛ ولی اگر سهواً یا به دلیل ندانستن مسأله، این کار را انجام دهیم، اشکالی ندارد.

- در صورتی که به اشتباه در رکعت سوم یا چهارم به جای تسبیحات، حمد و سوره بخوانیم و قبل از رکوع متوجه شویم، باید آن‌ها را رها کرده و تسبیحات یا حمد تنها را شروع کنیم؛ اما اگر بعد از رکوع یادمان بیاید، نمازمان صحیح است.

درس نهم: کلید بهشت، سپر آتش ■ ۱۰۳

- لازم است نماز را به صورت عربی صحیح بخوانیم. حتی اگر یک حرکت یا حرف را اشتباه بگوییم، نماز باطل می‌شود. بنابراین، واجب است تلفظ صحیح نماز را یاد بگیریم.<sup>۱</sup>

البته اگر کلمه‌ای را صحیح می‌دانستیم و بعد فهمیدیم غلط بوده، طبق فتوای برخی از مراجع، لازم نیست نماز را دوباره بخوانیم.

اگر نماز را اشتباه بخوانیم، معانی نماز تغییر می‌کند؛ مثلاً:

ضالین = گمراهان.

زالین = ریخته شدگان - لغزندگان.

صمد = بی نیاز.

سمد = کود حیوانی.

عظیم = بزرگ.

عزیم = دشمن سرسخت.

#### نکته

در دو زبان عربی و فارسی، تلفظ ۱۸ حرف مانند یکدیگر می‌باشد:

«ء، ب، ت، ج، خ، د، ر، ز، س، ش، ف، ق، ک، ل، م، ن، ه، ی».

تلفظ ده حرف در این دو زبان، با هم تفاوت دارد: «ث، ح، ذ، ص، ض، ظ، ط، ع،

غ، و».

در تنگی وقت یا در حالی که ناچاریم نماز را زود تمام کنیم، نباید سوره را بخوانیم.

معما: بچه‌ها! سریع بگویید که کدام یک از واجبات نماز نقطه ندارد؟ رکوع.

#### رکوع

- هنگامی که ذکر واجب رکوع (سه بار «سبحان الله» یا یک بار «سبحان ربی العظیم

و بحمده» و یا هر ذکر دیگری) را می‌گوییم، باید بدنمان کاملاً ثابت و آرام باشد.

بنابراین، باید دقت کنیم که ذکر در هنگام خم شدن یا بلند شدن از رکوع، گفته نشود.

---

۱. یکی از مهم‌ترین مسائلی که نوجوانان در آن دچار اشکال و ایراد هستند، قرائت درست نماز است. مبلغ محترم،

به تدریج باید قرائت درست نماز را به آنها آموزش دهد.

- بعد از تمام شدن ذکر و برخاستن از رکوع، باید کاملاً بایستیم؛ به طوری که لحظه‌ای بدن در حال ایستاده ثابت و آرام باشد. این قیام، از واجبات نماز است و اگر عمداً ترک شود، نماز باطل است.

### سجده

- در سجده هفت موضع، یعنی: پیشانی، کف دو دست، دو زانو، سر انگشت بزرگ دویا را باید بر زمین بگذاریم.

- هنگامی که ذکر واجب سجده (سه بار «سبحان الله» یا یک بار «سبحان ربی الاعلی و بحمده») را می‌گوییم، باید بدنمان آرام باشد.

- اگر به جهت خیس بودن یا عرق کردن پیشانی، مهر به پیشانی بچسبد، بنا بر فتوای بیشتر مراجع، باید مهر را جدا کنیم و بعد به سجده برویم.

بچه‌ها! می‌دانید به چه چیزهایی می‌توان سجده کرد؟

سجده بر چیزهایی که از زمین می‌رویند، به شرطی که خوراک یا پوشاک انسان نباشند، جایز است.

سجده بر آهک، گچ، سفال، آجر، سیمان، موزائیک و نیز کاغذ، بنا بر فتوای بعضی از مراجع، صحیح است.

### بهترین چیز برای سجده چیست؟

سجده بر تربت سیدالشهداء، بسیار سفارش شده است و ثواب فراوانی دارد.

- باید بین پیشانی و محل سجده، چیزی فاصله نباشد. بنابراین، اگر مهر به قدری کثیف شده که پیشانی به خود مهر نمی‌رسد، نمی‌توانیم بر آن سجده کنیم؛ ولی اگر فقط رنگ مهر عوض شده، اشکالی ندارد.

بچه‌ها! بعضی می‌گویند سجده بر پشت دست یا انگشت شست جایز است. نظر شما چیست؟

اگر در بین نماز مهر گم شود، سجده بر پشت دست یا انگشت شست جایز نیست و باید بر چیزی که سجده بر آن صحیح است، سجده کنیم؛ حتی اگر لازم شد، طوری که از قبله منحرف نشویم، چند قدم به اطراف برویم تا مهر پیدا کنیم؛ وگرنه در صورتی



که وقت نماز وسعت دارد، باید نماز را رها کنیم و بعد از پیدا کردن چیزی که سجده بر آن صحیح است، دوباره نماز بخوانیم.

بچه‌ها! من چند نوع نماز برایتان نام می‌برم. برای من بگویید که کدام یک از واجبات نماز را دارا نیست؟<sup>۱</sup>

- |                      |   |                                   |
|----------------------|---|-----------------------------------|
| نماز ریایی           | ← | نیت خراب و غیرخدایی.              |
| نماز کلاغی           | ← | عدم آرامش و عجله در انجام واجبات. |
| نماز با غلط و اشتباه | ← | عدم توجه به قرائت و اذکار نماز.   |
| نماز شیرجه‌ای        | ← | رعایت نکردن قیام.                 |

### تشهد و سلام

در صورتی که تشهد را فراموش کنیم و قبل از رکوع یادمان بیاید، باید بنشینیم و تشهد را بخوانیم. سپس برخاسته و نماز را ادامه دهیم؛ ولی اگر بعد از رکوع یادمان بیاید، باید نماز را تمام کرد و بعد از سلام، تشهد را قضا کنیم و دو سجده سهو به جا آوریم.<sup>۲</sup>

البته بعضی مراجع، دو سجده سهو برای قیام اضافی، و دو سجده دیگر برای قرائت یا تسبیحات اضافی را لازم می‌دانند.

گفتن جمله آخر سلام (السلام علیکم و رحمة الله و برکاته)، برای تمام کردن نماز کافی است.

### ترتیب

- اگر ترتیب اجزا و واجبات نماز عمداً رعایت نشود، نماز باطل است.
- اگر یکی از ارکان نماز را فراموش کردیم، تا قبل از رسیدن به رکن بعدی باید آن را جبران کنیم و در غیر این صورت، نماز باطل است؛ اما اگر جزء فراموش شده، رکن

۱. مربی می‌تواند در این قسمت، از فلش کارت استفاده کند.

۲. در این جا مبلغ محترم، می‌تواند چگونگی به جا آوردن سجده سهو را آموزش دهد.

نباشد، باید تا قبل از ورود به رکن بعدی، آن را جبران کنیم و اگر پس از رسیدن به رکن متوجه شدیم، نماز، صحیح است.

### موالات

موالات، یعنی فاصله نینداختن بین اجزای نماز. بنابراین، اگر بدون این‌که مشغول ذکر یا قرائت باشیم، بین اجزای نماز به قدری فاصله بیندازیم که نگویند نماز می‌خواند، نمازمان باطل است.

### لطیفه

بچه‌ها! حال که خوب گوش می‌کنید، یک لطیفه برایتان می‌گویم. در این لطیفه، دو تا از مبطلات (عوامل باطل‌کننده) نماز وجود دارد. گروهی به جماعت، نماز می‌خواندند. یکی از آن‌ها سخن گفت. دیگری او را سرزنش کرد که: سخن گفتی و نمازت باطل شد. سومی خندید که: نماز هر دوی شما، باطل شد؛ چرا که هر دو سخن گفتید. آخرین نفر گفت: خدا را شکر که من هیچ کلمه‌ای نگفتم تا نمازم باطل شود.

### مبطلات نماز

دوازده چیز را جزء مبطلات نماز شمرده‌اند. انجام ندادن چنین کارهایی باعث می‌شود که نمازمان باطل نشود؛ اما انجام دادن آن‌ها، نماز را باطل می‌کند. بالاترین سطح سبک شمردن نماز، انجام دادن این مبطلات است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «لاینال شفاعتنا من استخف بالصلاة»<sup>۱</sup> به شفاعت ما نمی‌رسد، کسی که نمازش را سبک بشمارد.» در این‌جا برخی از مسائل مورد نیاز را که مربوط به برخی از مبطلات است، با هم مرور می‌کنیم:

- به هم خوردن شکل ظاهری نماز: اگر در بین نماز کاری کنیم که شکل ظاهری نماز به هم بخورد، مثل دست زدن یا به هوا پریدن، چه سهوی باشد و چه عمدی، نماز

---

۱. فروع کافی، ج ۳، ص ۲۷۰.

درس نهم: کلید بهشت، سپر آتش ■ ۱۰۷

باطل می‌شود؛ ولی اشاره کردن با دست و چشم که شکل نماز را به هم نمی‌زند، اشکالی ندارد.

- **خوردن و آشامیدن:** خوردن و آشامیدن، نماز را باطل می‌کند؛ حتی اگر به گونه‌ای باشد که حالت نماز را به هم نزند.

- **سخن گفتن:** اگر در نماز عمداً سخنی بگوییم، حتی اگر یک کلمه باشد، نمازمان باطل می‌شود؛ ولی سرفه، آروغ و آه کشیدن اشکالی ندارد.

- اگر در وسط نماز، انسان ذکری را که به قصد قربت می‌گوید، کمی بلندتر بگوید تا مطلبی را به دیگری بفهماند، اشکالی ندارد؛ اما اگر ذکری را بگوید به قصد این که مطلبی را به دیگری بفهماند، این نماز، صحیح نیست.

- **سلام کردن:** هنگام نماز نباید به کسی سلام کنیم؛ ولی اگر کسی به ما سلام کند، باید جواب سلام را بدهیم و در جواب، اول کلمه سلام را بگوییم. (به فتوای برخی مراجع، جواب سلام نیز باید مثل سلام باشد).

- **گریستن:** گریستن عمدی با صدا، اگر برای امور دنیوی باشد، نماز را باطل می‌کند؛ ولی اگر بدون صدا باشد یا به جهت خشوع و ترس از عذاب الهی باشد، نماز باطل نمی‌شود.

- **خندیدن:** خندیدن عمدی با صدا، نماز را باطل می‌کند؛ اما لبخند زدن و خنده غیرعمدی به شرطی که انسان را از حالت نماز خارج نکند، اشکالی ندارد.

### **سجده سهو**

بچه‌ها! شاید بعضی وقت‌ها دیده باشید که برخی بعد از اتمام نماز، دوبار سجده می‌روند، بدون این که «الله اکبر» بگویند. می‌دانید این سجده چه نام دارد؟  
بله، سجده سهو (فراموشی).

مواردی که باید سجده سهو انجام شود:

در برخی موارد لازم است بلافاصله بعد از سلام نماز، دو سجده سهو به جا آوریم:

۱. کلام بی‌جا و سهوی؛

۲. سلام بی‌جا؛

۳. تشهد فراموش شده؛

۴. فراموش کردن یک سجده؛

۵. شک بین ۴ و ۵ بعد از سجده دوم؛

(به نظر برخی مراجع، برای نشستن یا برخاستن نابه‌جا نیز سجده سهو واجب می‌شود.)

### چگونگی سجده سهو

سجده سهو، به این صورت انجام می‌شود که بلافاصله بعد از سلام نماز، به سجده می‌رویم و می‌گوییم:

«بسم الله و بالله اللهم صل علی محمد و آل محمد.»

اگر یادتان باشد، قبلاً به برخی از آثار نماز اشاره کردیم. به نظر شما، انس با نماز می‌تواند تمرینی برای موفقیت در زندگی باشد؟

نماز، مثل باران است که برکات بسیاری را برای زندگی دنیوی انسان نیز می‌تواند داشته باشد.

برخی از شرایط و اجزای نماز را من می‌گویم، شما بگویید چه فایده و ثمره‌ای برای زندگی ما می‌تواند داشته باشد.

۱. وقت نماز ← نظم و برنامه‌ریزی، بهترین برای خواب و بیداری انسان

۲. نماز صبح ← آموزش سحرخیزی و شادابی جسمی و روحی

۳. طهارت مکان ← نظافت و تمیزی محیط زندگی

۴. وضو و پاکی بدن و لباس ← پاکی و نظافت روح و بدن

۵. نماز جماعت ← اتحاد و همکاری مؤمنان

و....

به نظر شما، مهم‌ترین عبادت بعد از نماز که به وسیله آن می‌توانیم از خدا یاری و کمک گرفته و خود را در مسیر حق بالا بکشیم، چیست؟

«و استعینو بالصبر و الصلاة»<sup>۱</sup> از صبر (روزه) و نماز یاری بجوید. امام صادق علیه السلام در ذیل این آیه، «صبر» را به «روزه» تفسیر نمودند.<sup>۲</sup>

خوب است به مناسبت ماه رمضان، برخی احکام مورد نیاز روزه را بیان کنیم.

- روزه، از عبادات است و باید برای انجام فرمان خداوند به جا آورده شود؛ نه برای اهداف دیگری، مثل: رژیم غذایی یا خودنمایی.

- لازم نیست نیت روزه را به زبان بگوییم؛ بلکه همین قدر که برای انجام دستور خداوند از اذان صبح تا مغرب، کاری باطل کننده انجام ندهیم، کافی است.

### برخی از مبطلات روزه

۱. خوردن و آشامیدن؛
  ۲. فرو بردن تمام سر در آب؛
  ۳. قی کردن؛
  ۴. استمنا؛
  ۵. وارد شدن به روزه در حال جنابت یا حیض.
- به فتوای بعضی از مراجع تقلید، تزریق آمپول و سرمی که جنبه غذایی و تقویتی دارد یا درون رگ تزریق می‌شود، روزه را باطل می‌کند؛ اما آمپول بی‌حسی اشکال ندارد.
- اگر غبار غلیظ به حلق برسد، روزه باطل می‌شود؛ چه غبار خوراکی‌ها باشد مانند آرد، یا غیر خوراکی باشد مانند خاک.
- مسواک زدن با خمیر دندان در حال روزه، اشکالی ندارد؛ ولی تا مزه آن باقی است، باید از پایین رفتن آب دهان جلوگیری کنیم.
- بالا آوردن عمدی غذا، روزه را باطل می‌کند؛ هرچند به جهت بیماری باشد؛ اما تهوع سهوی و بی‌اختیار، اشکالی ندارد.

---

۱. بقره، آیه ۴۵.

۲. تفسیر صافی، ج ۱، ص ۱۲۶.



## درس دهم: کلاس اخلاق

### موضوع

ادب و رفتار مؤدبانه در مواجهه با دیگران.

### هدف کلی

آشناسازی ضمنی و ارتقای انگیزه نوجوان نسبت به مهم‌ترین موارد اخلاق معاشرت اسلامی

### هدف رفتاری

از دانش‌آموزان انتظار می‌رود در پایان درس، بتوانند رفتار مؤدبانه را تشخیص داده و برای تقویت ادب و حُسن خلق، تلاش بیشتری داشته باشد.

### روش‌های مناسب تدریس

توضیحی؛ روش فعال (پرسش و پاسخ، شعر و نقل تجارب بچه‌ها)؛ ارائه اسلاید نمایشی یا پاورپوینت.

### رسانه‌های آموزشی

تخته و ماژیک، پاورپوینت.

بی‌ادب محروم ماند از لطف رب  
بلکه آتش بر همه آفاق زد

از خدا جویم توفیق ادب  
بی‌ادب تنها نه خود را داشت بد

با سلام به شما دوستان عزیز!

امیدوارم همیشه، خوب و شاد و سلامت و سرزنده باشید. قبل از شروع برنامه، اجازه دهید جهت تعجیل در فرج و سلامتی امام عصراً به پیشگاهش صلواتی را هدیه کنیم: «اللهم صلی علی محمد وآله محمد وعجل فرجهم.»

## داستان

یکی از بزرگ مردان تاریخ که در سال ۶۱ هجری به نهایت مقصود که همان شهادتش بود، رسید. توجه من را به خودش جلب کرد؛ به گونه‌ای که برایم جالب بود چرا معصومین به او گفته‌اند: فدایت بشوم؟! و چرا «عبد صالح» یا «طیار در بهشت» نامیده شده است؟ شاید پرسید: آن شخص چه کسی بود؟

بعضی از شما جواب دادید. آفرین! احسنت!

حضرت ابوالفضل العباس بن علی بن ابیطالب علیه السلام

حالا از شما چند سؤال در مورد ایشان می‌پرسم. شاید شما جواب را بدانید و من را خوشحال کنید!

۱. مگر نیروی حضرت عباس علیه السلام مثل پدر بزرگوارش زیاد نبود؟

۲. مگر حضرت ابوالفضل علیه السلام محبتش به اهل بیت علیهم السلام خیلی زیاد نبود؟

۳. مگر حضرتش در زمان شهادت قاسم و علی اکبر و یاران و اصحاب، در کنار

امام حسین علیه السلام نبود؟

شاید بگویید: خوب معلوم است که در میدان نبرد دوشادوش امام حسین علیه السلام و اصحاب بوده است.

حالا سؤال این‌جا است: پس چرا خبری از ایشان در زمان شهادت فرزندان بنی‌هاشم و اصحاب نیست؟ در ضمن، توجه داشته باشید افرادی که تمام لحظه‌ها و حرف‌ها را به یاد داشتند، همان افراد تاریخ را نوشته‌اند و تلاش کرده‌اند تمام اتفاقات و حتی رجزها و نبرد افراد را بیاوردند، ولی از حضرت عباس علیه السلام تا قبل از شهادتش و بعد از آب آوردن برای اصحاب و اهل خيام، سخنی به میان نیاورده‌اند.

آیا ایشان در زمان مبارزه امام حسین علیه السلام و یارانش با لشکر عمر بن سعد، در کربلا حضور داشته، ولی ساکت بوده است؟ دقت کنید اگر آن قدرت و نیرو در بازوان



شخص دیگری بود، آن طرف صدها بار خدمت امام حسین علیه السلام می‌رسید و عرضه می‌داشت: آقا جان! دیگر تاب و تحمل دیدن این صحنه‌ها را ندارم! لطف کنید اجازه ورود به میدان بدهید تا به این دشمنان خدا درس بزرگی بدهم و تا حد امکان تعدادی از آن‌ها را به هلاکت برسانم!

ولی خبری از این حرف‌ها نیست؛ ایشان در کنار امام حسین علیه السلام ایستاده است و تمام اتفاقات را نگاه می‌کند! وای چه صبر و چه ادبی! او این ادب را از پدرش به ارث برده است! منتظر می‌ماند و حرفی نمی‌زند و در مقابل ولیّ خدا، امام حسین علیه السلام ادب را رعایت می‌کند.

آیا می‌دانستید زمانی که به مردم مدینه دستور داده شد به جنازه مطهر امام حسن علیه السلام تیراندازی کنند، در آن صحنه حضرت عباس علیه السلام حضور داشت و دیدن این جریان، برایش خیلی سخت بود و او دست بر قبضه شمشیر برد و به چشمان امام حسین علیه السلام نگاه کرد تا ایشان اجازه بدهند؛ ولی امام حسین علیه السلام فرمود: امام حسن علیه السلام وصیت کرده‌اند که در تشیع جنازه ایشان، خونی ریخته نشود؛ یعنی باید صبر کنیم و حضرت عباس بن علی علیه السلام ادب کرد و روی حرف برادرش حرفی نزد و این حالت را تحمل کرد؛ هر چند برایش خیلی سخت بود.

بله دوستان! دقت کنید چطور می‌شود انسان این قدر مؤدب و صبور و با اخلاق باشد؟

ادب، یعنی هماهنگ کردن رفتارهای انسانی طبق قواعد و دستورات شرعی و عرفی، هنگام مواجهه با دیگران و در تعاملات اجتماعی؛ به طوری که باعث محبوبیت انسان نزد خدا و مردم شود.

ادب، مثل تاجی زیبارو بر سر آدم است و مسّ وجود انسان را مثل طلا با ارزش می‌کند؛ شاید خیلی‌ها از پدران خودشان ارث مالی برده باشند؛ ولی بهترین ارثی که هر پدر و مادر برای فرزندشان باقی می‌گذارند، ادب است.<sup>۱</sup>

بهترین ادب‌ها، آن است که انسان حد و مرز کارهای خودش را بشناسد و آن را

---

۱. امام صادق علیه السلام: «إِنَّ خَيْرَ مَا وَرَثَ الْإِبَاءُ لِأَبْنَائِهِمُ الْإِدْبُ لَا الْمَالُ» (کافی، ج ۸، ص ۱۵۰)

رعایت کند. حال شما دقت کنید اگر کسی دارایی فراوانی داشته باشد و مقام بالایی هم کسب کرده باشد، ولی مؤدب نباشد، چقدر زشت است! حرف زدنش، راه رفتنش غذا خوردنش و... .

شاید بگویید: ادب داشتن چه ربطی به شیوه راه رفتن و... دارد؟ عرض می‌کنم: ببینید اگر کسی با ادب باشد، نسبت به حرکات و رفتار خود خیلی دقت می‌کند. امام صادق علیه السلام دوستی داشت که به خدمتکارش فحش داد؛ امام تا این حرکت را دید، فرمود: فکر می‌کردم تو آدم باتقوایی هستی! امام صادق علیه السلام تا آخر عمر با او دوستی‌اش را قطع کرد.<sup>۱</sup>

روشن است که این حرف امام، نشان از توجه دادن آن طرف به اخلاق مؤدبانه است و در صورت عذرخواهی، امام علیه السلام از ایشان قبول می‌کند؛ ولی این برخورد امام، نشانه اهمیت زیاد ادب و احترام، در رفتار با دیگران دارد.

کسی که خود را به رعایت ارزش‌های دینی پای‌بند کند، به مربی نیاز ندارد؛ چرا که وقتی از حضرت عیسی علیه السلام پرسیدند: چه کسی باعث مؤدب شدن شما شد، ایشان فرمود: «کسی مرا ادب نیاموخت؛ بلکه زشتی نادانی (بی‌ادبی) را دیدم و از آن دوری کردم.»<sup>۲</sup>

شما در بین دوستانتان افرادی را می‌بینید که کمی از ادب دور هستند و این حالت آن‌ها، اطرافیان را ناراحت می‌کند. حال اگر بخواهیم دانش‌آموزان خوبی در ادب پیدا کنیم، می‌توانیم از افراد بی‌ادب درس بگیریم. دقت کنید! آن‌ها با دیگران چطور حرف می‌زنند یا رفتار می‌کنند؛ شما آن کار را نکنید تا مؤدب جلوه کنید و همه شما را به ادب بشناسند و در مورد شما به‌خوبی و نیکی یاد کنند.

عزیزان من! بی‌ادبی در گفتار و کردار، ریشه در جهل دارد؛ یعنی انسان فهمیده و عاقل، همیشه مؤدب است. عقل، انسان را به رعایت ارزش‌ها راهنمایی می‌کند. مؤمنان با رعایت نمودن ارزش‌ها، می‌دانند باید گفتار و کردارشان سرشار از ادب باشد.

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۲۵.

۲. بحار الأنوار، ج ۱۴، ص ۳۲۶.

این سخن، به معنای آن است که ادب، فقط در شکل گفت‌وگو نیست؛ بلکه انسان مؤدب، حرکات و سکنات مؤدبانه دارد و نیز در همین راستا، حضرت علی علیه السلام فرموده: «برای ادب کردن خویش، همین بس که از آنچه برای دیگران نمی‌پسندی، دوری گزینی.»<sup>۱</sup>

بین مردم و دوستان از چه حالتی بدشان می‌آید و آن را بی‌ادبی می‌دانند، تو از آن کار دوری کن و یا این‌که مردم چه چیزی را ادب می‌شمارند، تو نسبت به آن کار، اهتمام و تلاش داشته باش.

به نمونه‌هایی از ادب که در بین مردم مشخص است، دقت کنید؛ به عنوان مثال، این‌که به دیگران حرف زشت نزنی و عادت کنی که حرف زشت از زبانت بیرون نیاید. امام سجاد علیه السلام در رساله حقوق خودشان می‌فرماید: «حق زبان این است که آن را با پرهیز از ناسزاگویی بزرگ بداری و بر سخن خوب عادت دهی و آن را به ادب و اداری کنی.»<sup>۲</sup> و امام علی علیه السلام می‌فرماید: «بد زبان را ادب نیست.» یعنی اگر کسی را دیدی اهل فحش و ناسزا به دیگران است بدان که بی‌ادب است.

یعنی اگر ایمان در قلب کسی وارد شود، آن فرد به حتم تمامی حرکات و سکناتش مؤدبانه خواهد بود. بنابراین، نتیجه بی‌ادبی می‌تواند سستی در ایمان به خدا باشد. فرد با ایمان، تمام تلاشش این است که از گناه و زشتی کناره بگیرد و بی‌ادبی را یکی از همین کارهای زشت می‌داند که باید ترک شود.

بله دوستان! یکی از نشانه‌های افراد مؤدب این است که با افراد باادب، مثل خودشان، بیشتر ارتباط دارند و از نشست و برخاست با بی‌ادبان پرهیز می‌کنند؛ چرا که می‌دانند مردم، افراد یک جامعه را از روی دوستان او می‌شناسند و ارزیابی می‌کنند. مردم معتقدند اگر فردی را می‌خواهی بشناسی، نگاه کن بین بیشتر با چه افرادی ارتباط دارد. آن وقت است که می‌توانی به شخصیتش پی ببری.

انسان با ادب، تلاش می‌کند که هیچ وقت دروغ نگوید و در برخورد با دیگران،

---

۱. تحف العقول، ص ۱۴۵.

۲. همان، ص ۲۵۶.

متواضع باشد. چنین انسانی، در خلوت و تنهایی، مراقب خود است و از خویشتن شرم دارد؛ یعنی حتی اگر تنها باشد، لباس حیا را از تن بیرون نمی‌کند و در مقابل خداوند بی‌حیایی نمی‌کند؛ چرا که همیشه خداوند مهربان را ناظر و شاهد اعمال خود می‌داند.

نمونه‌های دیگر ادب، برای نوجوان مؤدب‌ی مثل شما، عبارت‌اند از:

۱. دست دادن، مصافحه و احوالپرسی و از این قبیل رفتارها، نشانه‌ی محبت ما نسبت به مخاطب می‌باشد.

۲. وقتی کسی وارد می‌شود، جلوی او بلند شویم؛ به‌خصوص بزرگ‌ترها و مهمان را باید در جای بهتر نشانند.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «عظموا کبارکم و صلوا ارحامکم؛<sup>۱</sup> بزرگسالان را احترام کنید و با خویشاوندان خود دید و بازدید نمایید.»

۳. هنگام صحبت کردن یا صدا کردن دیگران (جز در موارد ضرورت)، باید از صدای بلند و فریاد پرهیز کرد و از فاصله کم و با صدای آرام، دیگران را مخاطب قرار دهیم.

۴. هنگام نشستن، مؤدب باشیم و پای خود را جلوی دیگران دراز نکنیم. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «هرگز دیده نشد که پیامبر صلی الله علیه و آله پیش روی کسی، پای خود را دراز کند.»<sup>۲</sup>

۵. هرگز نباید وسط حرف دیگران پرید و تا زمانی که کسی با ما صحبت می‌کند، باید به‌دقت به سخنانش گوش دهیم.

۶. اگر چیزی را می‌خواهیم به کسی بدهیم، حتی‌الامکان با دو دست و به آرامی جلوی او ببریم و از پرتاب کردن پرهیزیم.

۷. در زمان غذا خوردن، با دهان پُر حرف نزنیم و به چهره دیگران نگاه نکنیم.

۸. هیچ وقت جلوتر از پدر و مادرمان وارد یا خارج از منزل نشویم؛ مگر خودشان تعارف کنند.

۱. اصول کافی، ج ۲، ص ۱۶۵، ح ۳.

۲. سنن النبی، ص ۴۵.

۹. در حرف زدن دقت کنیم تا از جملات زیباتر استفاده کنیم.
۱۰. به مسائلی که به ما مربوط نمی‌شود، دخالت نکنیم و اصرار نداشته باشیم؛ تا این‌که ما را هم در جریان کارشان قرار دهند.
۱۱. اسم پدر و مادرمان را به نام کوچک صدا نزنیم.
۱۲. دیگران را با لقب زشت نخوانیم.
۱۳. صدایمان را از صدای پدر و مادر بلندتر نکنیم.
۱۴. به دیگران زور نگوئیم و نسبت به کوچک‌ترها احترام بگذاریم و اجازه بدهیم آن‌ها هم حرف بزنند.

حالا نمونه‌های دیگری را که به ذهن‌تان می‌رسد، بگوئید تا در این کلاس، همه به هم کمک کنیم و ادب بیشتری کسب کنیم.

پیش ارباب خرد، مایه ایمان ادب است لاجرم بیشه مردان سخن‌دان، ادب است بی‌ادب را به سماوات بقا منزل نیست در سماوات بقا منزل مردان ادب است کردم از عقل سؤال که بگو ایمان چیست عقل در گوش دلم گفت که ایمان ادب است چشم بگشا بسین جمله کلام‌الله را آیه آیه همگی معنی قرآن ادب است اگر این گوهر گران‌قدر، شامل حال فردی شد، باید توجه داشته باشد که به جهت دارا بودن این صفت پسندیده الهی، هیچ وقت فخر نفروشد و دیگران را به دلیل بی‌ادبی‌شان ملامت نکند؛ چرا که امکان دارد شخص بی‌ادب، شرایط تربیت صحیحی را که برای شما به وجود آمده، نداشته است و اگر در موقعیت شما قرار می‌گرفت، همان تربیت خوب، مثل شما را پیدا می‌کرد.

پس افراد را همان‌طور که هستند، بپذیریم؛ ولی برای همراهی و همدلی، دوستان مؤدب را مقدم کنیم.

عزیزان من! در نظر بگیرید که اگر تمامی افراد مؤدب، تلاش کنند تا افرادی دیگری را به این صفت ادب تشویق نمایند، چقدر خوب می‌شود؛ ولی چطور ممکن است دیگران را در این زمینه آموزش داد؟ بله، اگر تمام افراد مؤدب این تربیت را در خودشان نهادینه کنند، به‌طور ناخودآگاه دیگران نیز تشویق خواهند شد که با ادب

شوند؛ چرا که لذت احترام، دیگران را به شما - به جهت ادبی که دارید - متوجه خواهد کرد و برای الگوگیری از شما، تلاش خواهند کرد.

### پرسش و تمرین:

۱. در کربلا، حضرت عباس علیه السلام غیر از ادب چه صفت پسندیده دیگری داشت؟  
آفرین! ولایت‌مداری، صبر، مهربانی، گذشت و ایثار و ... .
۲. چند نمونه از حرکات و رفتارهای مؤدبانه را نام ببرید.  
احسنت! با صدای بلند با پدر و مادر صحبت نکنیم و ... .
۳. امام سجاد علیه السلام در رساله حقوق خود، در مورد حق زبان چه می‌فرماید؟  
آفرین! این‌که آن را با پرهیز از ناسزاگویی بزرگ‌بداری و بر سخن خوب عادت‌دهی و آن را به ادب وادار کنی.
۴. مردم برای قضاوت نسبت به افراد جامعه، به چه چیزی زیاد توجه می‌کنند؟  
احسنت! این‌که دوستان او چه کسانی هستند.

## درس یازدهم: خواب خوب

### موضوع

آداب خواب و استراحت.

### هدف کلی

فراگیری فواید خواب؛ آشنایی با برخی آداب خواب.

### اهداف رفتاری

انتظار می‌رود دانش‌آموز پس از فراگیری این درس، توجه بیشتری نسبت به مدیریت خواب و نظم در آن داشته باشد.

### روش‌های تدریس

توضیحی - توصیفی به منظور تبیین برخی از آداب و قواعد خواب؛ روش فعال (استفاده از پرسش و پاسخ و گفت‌وگوی دو طرفه همراه با طرح معما و داستان).

### ابزارهای آموزشی

تخته سیاه یا وایت‌برد.

### معما

- آن چیست که همه آدم‌ها دارند اما خدا ندارد؟<sup>۱</sup>

---

۱. «لا تأخذہ سنۃ و لا نوم».

- راهنمایی: اگر بخواهید آن را ببینید، باید چشمان‌تان بسته باشد؛ بعضی از ما خیلی به آن علاقه‌مندیم!

بله، درست حدس زدید. پاسخ درست، «خواب» است.

به نظر شما، خواب چه فایده‌هایی برای ما دارد؟<sup>۱</sup>

خوب، حالا برای این‌که بهتر مطلب را بفهمیم، من یک مثال بزنم: فرض کنید یک کارخانه بسیار بزرگ با انواع دستگاه‌های بزرگ و کوچک در حال کار است. در این کارخانه، تمام دستگاه‌ها توسط سیستم کامپیوتری هدایت و کنترل می‌شوند. هر کدام از آن دستگاه‌ها و کامپیوترها، چند صد میلیون تومان ارزش دارد.<sup>۲</sup> به نظر شما، اگر مثلاً یک ماه کامل این کارخانه بدون تعطیلی کار کند، چه بلایی بر سر دستگاه‌ها و سیستم‌های کامپیوتری‌اش می‌آید؟!

دستگاه مغز و سیستم عصبی ما و نیز تمام اعضای بدنمان، مثل همان کارخانه عظیم است. (به عنوان مثال، رشته‌های عصبی موجود در بدن ما، چندین برابر بزرگ‌ترین ابرکامپیوتر موجود در جهان است) دستگاه‌های بدن ما، اگر به طور مداوم و بدون تعطیلی کار کند، چند روز بیشتر طول نمی‌کشد که کاملاً فرسوده شده و از کار می‌افتد؛ یعنی زود پیر می‌شویم و عمرمان کوتاه می‌شود. به همین دلیل، خداوند مهربان این تعطیلی را برای بدن ما قرار داده تا بعد از چند ساعت فعالیت، به این وسیله تجدید قوا کنیم.<sup>۳</sup>

جالب است، بدانید تقریباً هیچ کدام از ما برای کمک به بدن و جلوگیری از فرسودگی آن، نمی‌خواهیم. اصلاً ممکن است تا به حال به این موضوع فکر هم نکرده باشیم؛ اما خداوند حکیم و مهربان، بدون این‌که متوجه شویم، بدن ما را طوری قرار

---

۱. در این جا مری باید با صبر و متانت، اجازه دهد بچه‌ها نظراتشان را بگویند و آن‌ها را یکی‌یکی روی تخته بنویسد.

۲. مری محترم، در صورت داشتن توانایی و یا با کمک یکی از دانش‌آموزان، می‌تواند صحنه این کارخانه بزرگ را روی تخته، تصویرسازی نماید.

۳. «و جعلنا نومکم سباتا.» و نیز بحار الأنوار، ج ۵۹، ص ۳۰۵: «[من کتاب مولانا الرضا رحمته علی مأمون] و اعلم یا امیر المؤمنین ان النوم سلطان الدماغ و هو قوام الجسد و قوته.»



داده که بعد از هر چند ساعت بیداری، احساس خواب‌آلودگی و چرت می‌کنیم و به رختخواب می‌رویم.<sup>۱</sup>

بچه‌ها! تا حالا بیشترین ساعتی که توانستید بیدار بمانید چند ساعت بوده است؟...<sup>۲</sup> اگر دقت کنیم، می‌بینیم طوری خلق شده‌ایم که حتی اگر تصمیم بگیریم نخوابیم نمی‌توانیم.

یک مطلب داخل پرانتز هم بگویم: امامان معصوم ما فرموده‌اند: خواب، برادر مرگ است. همانطور که از خواب نمی‌توانید فرار کنید از مرگ هم نمی‌توانید فرار کنید، و همانطور که بعد از مقداری خواب، خواه ناخواه، بیدار می‌شوید بعد از مرگ هم در روز قیامت دوباره زنده خواهید شد. پس با کارهای خوب، خود را برای آن آماده کنید.<sup>۳</sup>

بچه‌ها! همین خواب که این قدر برای بدن، مفید است، می‌تواند خطرهای بسیاری هم به دنبال داشته باشد! دوباره به همون مثال کارخانه توجه کنید! گفتیم اگر چند روز بدون تعطیلی کار کند، دستگاه‌های همگی خراب و فرسوده می‌شوند. حالا اگر این کارخانه یکسره تعطیل باشد و خیلی کم کار کند، چه اتفاقی می‌افتد؟<sup>۴</sup>

خوب، معلوم است. صاحب کارخانه ورشکسته می‌شود؛ چون خیلی خرج کرده و با سرمایه فراوان این همه دستگاه را خریده تا سود کند؛ حالا اگر دستگاه‌ها کار نکنند، حتی حقوق کارگروانش را هم نمی‌تواند پرداخت نماید و ضرر بسیاری را نیز متحمل خواهد شد.

---

۱. در مورد گرسنگی نیز همین طور است؛ اگر احساس گرسنگی نبود، بیشتر مردم یادشان می‌رفت که بدنشان به غذا و انرژی نیاز دارد و باید به آن غذا برسانند.

۲. شنیدن پاسخ‌های دانش‌آموزان.

۳. بحار الأنوار، ج ۷، ص ۱: «عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: كَانَ فِيمَا وَعَظَ بِهِ لُقْمَانَ عَ إِبْنُهُ أَنْ قَالَ يَا بُنَيَّ إِنَّ تَكُ فِي شَكٍّ مِنَ الْمَوْتِ فَارْفَعْ عَنْ نَفْسِكَ النَّوْمَ وَ لَنْ تَسْتَطِيعَ ذَلِكَ وَ إِنْ كُنْتَ فِي شَكٍّ مِنَ الْبَعْثِ فَارْفَعْ عَنْ نَفْسِكَ الْإِنْتِبَاهَ وَ لَنْ تَسْتَطِيعَ ذَلِكَ فَإِنَّكَ إِذَا فَكَّرْتَ فِي هَذَا عَلِمْتَ أَنَّ نَفْسَكَ بِيَدِ غَيْرِكَ وَ إِنَّمَا النَّوْمُ بِمَنْزِلَةِ الْمَوْتِ وَ إِنَّمَا الْيَقَظَةُ بَعْدَ النَّوْمِ بِمَنْزِلَةِ الْبَعْثِ بَعْدَ الْمَوْتِ.»

۴. شنیدن، تشویق و تصحیح پاسخ‌های دانش‌آموزان.

بچه‌های خوب! آدم اگر بیش از حد نیازش، بخوابد، مثل صاحب کارخانه‌ای می‌ماند که دوست داشته باشد کارخانه‌اش سه چهار روز در هفته تعطیل باشد. مردم می‌گویند: «این شخص، عقل ندارد که این همه سرمایه را بیکار رها کرده است.» بنابراین، باید از فرصت‌ها و سرمایه‌ها مان به‌خوبی استفاده کنیم.<sup>۱</sup>

اولین قدم برای این‌که بتوانیم درست بخوابیم، این است که بدانیم هدفمان از زندگی چیست؟ با نعمت‌ها و امکاناتی که خدای مهربان به ما داده است، می‌خواهیم چه کنیم و به کجا برسیم؟ و این‌که برای رسیدن به این هدف وقت کمی داریم؛ اگر بیکار باشیم و هدفی نداشته باشیم، معلوم است که علاقه بسیاری به خوابیدن خواهیم داشت.

البته منظورم این نیست خوابتان را خیلی کم کنید که سر کلاس و موقع درس خواندن چرت بزنید؛ بالاخره یک نوجوان، باید لااقل ۸ ساعت در شبانه روز بخوابد؛<sup>۲</sup> چون تحقیقات ثابت کرده دانش‌آموزانی که بهتر و به اندازه کافی می‌خوابند، از نظر درسی نیز بازده بهتری داشته و نمرات مطلوب‌تری می‌گیرند.

بچه‌ها! چه کسی دوست دارد که روزی‌اش زیاد شود؟ یعنی لذتش از زندگی بیشتر گردد و همه چیز بر وفق مرادش باشد و یک زندگی بی‌دردسر داشته باشد؟

در روایات آمده است که هر کس سحرخیز باشد، یعنی بین اذان صبح و طلوع آفتاب، بیدار و به یاد خدا باشد، خدای مهربان روزی بیشتری به او خواهد داد.<sup>۳</sup>

احتمالاً بعضی از شما در دل‌تان دارید می‌گویید: «ما که می‌خواهیم صبح‌ها زود بیدار شویم؛ اما همیشه خواب می‌مانیم!»

۱. بحار الأنوار، ج ۶۹، ص ۱۰۵: «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: إِنَّ أَوَّلَ مَا عُصِيَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ سِتْرٌ:

حُبُّ الدُّنْيَا وَحُبُّ الرَّئِيسَةِ وَحُبُّ الطَّعَامِ وَحُبُّ النَّوْمِ وَحُبُّ الرَّاحَةِ وَحُبُّ النَّسَاءِ.»

۲. مقاله «وقتی که ساعات خواب نوجوان به هم می‌ریزد»، سحر کمالی‌نفر، منبع: روزنامه کیهان.

۳. بحار الأنوار، ج ۵، ص ۱۴۷: «عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: قُلْتُ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنَّهُمْ يَقُولُونَ إِنَّ النَّوْمَ بَعْدَ الْفَجْرِ مَكْرُوهٌ لِأَنَّ الْأَرْزَاقَ تُقَسَّمُ فِي ذَلِكَ الْوَقْتِ فَقَالَ الْأَرْزَاقُ مَوْطُوفَةٌ مَقْسُومَةٌ وَلِلَّهِ فَضْلٌ يَقْسِمُهُ مِنْ طُلُوعِ الْفَجْرِ إِلَى طُلُوعِ الشَّمْسِ وَذَلِكَ قَوْلُهُ وَ سَأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ ثُمَّ قَالَ وَ ذَكَرُ اللَّهُ بَعْدَ طُلُوعِ الْفَجْرِ أَبْلَغُ فِي طَلَبِ الرِّزْقِ مِنَ الضَّرْبِ فِي الْأَرْضِ.»

## راهکارهای داشتن خواب خوب و منظم

یک سؤال مهم این است که چکار کنیم تا خوابمان کم و منظم شود؟ این چند نکته را برای آنهایی می‌گوییم که تصمیم گرفته‌اند مانند آدم‌های موفق زندگی کنند:

۱. مهم‌ترین راهی که به کم و سبک کردن خواب آدم کمک می‌کند، جلوگیری از پرخوری است.<sup>۱</sup> می‌گویند یکی از بندهای خوب خدا، روزی اجازه پیدا می‌کند تا شیطان را ببیند و با او صحبت نماید. در ضمن صحبت‌های مختلفی که بین‌شان رد و بدل می‌شود، از شیطان می‌پرسد: آیا در من ویژگی خاصی سراغ داری که به وسیله آن فرصت پیدا کنی، وسوسه‌ام نمایی و خلاصه، من را گول بزنی؟ شیطان به او می‌گوید: تو یک نقطه ضعف داری که موقعیت خیلی خوبی برای من درست کرده است تا به تو حمله کنم. این بنده خدا رنگش می‌پرد و می‌گوید: چه نقطه وضعی دارم؟ شیطان می‌گوید: تو آدم شکمو و پرخوری هستی. گاهی وقت‌ها آن قدر می‌خوری که حسابی کسل و خواب‌آلود می‌شوی. وقتی با این حالت می‌خوابی، دیگر برای نماز بیدار نمی‌شوی و این، من را خیلی خوشحال می‌کند.<sup>۲</sup>

۲. دومین راه، این است که شب‌ها زود و به موقع بخوابیم. برای این که بتوانید شب‌ها زود بخوابید، این مسائل را رعایت کنید:

بازی‌های کامپیوتری و تماشای تلویزیون، استفاده از اینترنت، گوش کردن موسیقی و... حداکثر نیم ساعت قبل از ساعت خواب ممنوع است؛ سعی کنید اتاقی که در آن

---

۱. همان، ج ۷۳، ص ۱۸۶: «قَالَ الصَّادِقُ ع... وَكَثْرَةُ النَّوْمِ يَتَوَلَّدُ مِنْ كَثْرَةِ الشُّرْبِ وَكَثْرَةُ الشُّرْبِ يَتَوَلَّدُ مِنْ كَثْرَةِ الشَّبَعِ...»

«.

۲. همان، ج ۶۰، ص ۱۳۱: «قَالَ يَحْيَى ع فَاَلْمَسْأَلَةُ الْخَاصَّةُ الَّتِي سَأَلْتُكَ قَالَ نَعَمْ سَلْ قَالَ هَلْ أَصَبْتَ مِنِّي فُرْصَتَكَ قَطُّ فِي لِحْظَةٍ مِنْ بَصَرٍ أَوْ لَفْظَةٍ بِلِسَانٍ أَوْ هَمٍّ بِقَلْبٍ قَالَ اللَّهُمَّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ كَانَ يُعْجِبُنِي مِنْكَ خَصْلَةٌ فَكُنْتُ ذَلِكَ عَنْكَ وَوَقَعَ عِنْدِي مَوْعِظًا شَرِيفًا فَتَغَيَّرَ لَوْنُ يَحْيَى مِنْ قَوْلِهِ وَتَبَلَّدَ وَتَقَاصَرَتْ إِلَيْهِ نَفْسُهُ وَارْتَعَدَتْ فَرَانِصُهُ وَغَشِيَ عَلَيْهِ قَالَ وَ مَا ذَلِكَ يَا بَا مَرَّةً قَالَ أَنْتَ رَجُلٌ أَكُولٌ وَكُنْتَ أَحْيَانًا تُكْثِرُ الطَّعَامَ فَتَبْسَمُ مِنْهُ وَ يَغْتَرِبُكَ الْوَهْنُ وَ النَّوْمُ وَ الثَّقَلُ وَ الْكَسَلُ وَ النَّعَاسُ فَكُنْتُ تَنَامُ عَلَيَّ جَنْبِكَ أَحْيَانًا مِنْ الْأَوْقَاتِ الَّتِي كُنْتُ تَقُومُ فِيهَا مِنَ اللَّيْلِ هَذَا يُعْجِبُنِي مِنْكَ.»

می‌خوابید، بیش از حد سرد، گرم، شلوغ و... نباشد و نیز در ساعت خواب، کاملاً تاریک باشد.

۳. به خودتان قول دهید که سحرخیز باشید؛ یعنی مثلاً در ساعتی خاص، حتماً بیدار باشید؛ حتی اگر شب قبل، دیرتر خوابیده‌اید. اگر به این تصمیم خود پایبند باشید، کم‌کم ساعت خوابتان نیز تنظیم خواهد شد و شب‌ها نیز به‌موقع می‌خوابید. این برنامه را در روزهای تعطیل نیز ادامه دهید و یا لاقلاً تغییر کمی در آن بدهید.

۴. خوابیدن زیاد در بین روز، باعث اختلال در برنامه خوابتان می‌شود. بنابراین، فقط اگر خیلی خسته هستید، بعد از مدرسه و قبل از ناهار، کمی استراحت کنید.

بچه‌ها! شما دوست دارید مثل چه کسانی بخوابید؟ دوست دارید خوابتان شبیه چه افرادی باشد؟<sup>۱</sup> من اسم چهار گروه از آدم‌ها را روی تخته می‌نویسم، شما بگویید دوست دارید مثل کدام‌شان بخوابید!

- پیامبران؛

- مؤمنان؛

- پادشاهان و آدم‌های خیلی پرخور؛

- شیطان و آدم‌های دیوانه و مریض.<sup>۲</sup>

حالا ببینیم هرکدام از این‌ها چگونه می‌خوابند؟: دسته اول چه کسانی بودند؟ بله، «پیامبران». این دسته، همیشه موقع خواب به پشت می‌خوابند. دسته دوم که «مؤمنان» و بنده‌های خوب خدا هستند، موقع خواب، به طرف راست خود می‌خوابند؛ طوری که صورتشان رو به قبله است. دسته سوم، یعنی «پادشاهان» و «شاهزاده‌ها»، به پهلو چپ خود می‌خوابند تا از غذاهایی که خورده‌اند، لذت بیشتری ببرند و در نهایت، گروه

۱. شنیدن حرف‌های بعضاً شیطنت‌آمیز دانش‌آموزان.

۲. مربی اجازه دهد بچه‌ها گروه خود را (هرچند با ادعا و مسخره) معلوم کنند؛ حتی در صورت امکان، هر گروه در یک جا به صف شوند.

چهارم، موقع خواب به رو، یعنی «دَمَر» می‌خوابند.<sup>۱</sup> هر کسی هر کدام از این چهار گروه را که دوست دارد مثل آن‌ها بخوابد، انتخاب کند. البته اگر تا به حال طوری می‌خوابیدید و عوض کردن مدل خواب شاید برایتان سخت باشد، لازم است کمی تمرین کنید و از خدا هم کمک بخواهید.

حالا که بحث به این‌جا رسید، خوب است این مطلب را هم بگویم که به‌تنهایی خوابیدن در خانه، مورد پسند خدای مهربان نیست.<sup>۲</sup>

### پرسش و تمرین:

۱. به نظر شما، یک «خواب خوب» چه ویژگی‌هایی دارد؟
۲. شما چند ساعت در شبانه‌روز می‌خوابید؟ آیا از این مقدار راضی هستید؟ دوست دارید چند ساعت بخوابید؟
۳. آیا تا به حال، اثر پرخوری یا خوراک مناسب را بر خوابتان تجربه کرده‌اید؟ یک خاطره در این مورد ذکر کنید!
۴. تحقیق: از کسانی که مورد اعتمادتان هستند، بپرسید: چه کارهایی قبل از خواب، موجب ارزشمندتر شدن خواب ما می‌شود؟

---

۱. بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۸۱: «قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع النَّوْمُ عَلَى أَرْبَعَةِ أَصْنَافٍ الْأَنْبِيَاءُ تَنَامُ عَلَى أَفْقَيْتِهَا مُسْتَلْقِيَةً وَ أَعْيُنُهَا لَا تَنَامُ مُتَوَقَّعَةً لَوْحَى رَبِّهَا وَ الْمُؤْمِنُ يَنَامُ عَلَى يَمِينِهِ مُسْتَقْبِلَ الْقِبْلَةِ وَ الْمَلُوكُ وَ أَوْلَادُهُمْ تَنَامُ عَلَى شِمَالِهَا لِيَسْتَمِرُّوا مَا يَأْكُلُونَ وَ إِبْلِيسُ وَ إِخْوَانُهُ وَ كُلُّ مَجْنُونٍ وَ ذِي عَاهَةٍ تَنَامُ عَلَى وَجْهِهِ مُنْبَطِحًا.»

۲. همان، ج ۷۳، ص ۱۷۸: «عَنِ الصَّادِقِ عَنِ آبَائِهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِنَّ اللَّهَ... وَ كَرِهَ أَنْ يَنَامَ الرَّجُلُ فِي بَيْتٍ وَحْدَهُ.»



## درس دوازدهم: معیار ایمان

### موضوع

امانت‌داری.

### هدف کلی

دانش‌آموزان در این درس با ارزش و جایگاه امانت‌داری در اسلام و لزوم توجه به آن، به عنوان یکی از مهم‌ترین معیارهای اخلاقی، آشنا می‌شوند.

### هدف رفتاری

انتظار می‌رود دانش‌آموز پس از آشنایی با مفهوم امانت از منظر اسلام، امانت‌داری را در خود نهادینه کند و همچنین از این معیار در انتخاب دوست بهره بگیرد.

### روش‌های مناسب تدریس

تبیین و توضیح مطالب همراه با طرح سؤال از دانش‌آموز و مشارکت فعال او در بحث.

### رسانه‌های آموزشی

تخته سیاه یا وایت‌برد.

### سؤال

ما برای رسیدن به سعادت و دستیابی به بهترین‌ها در دنیا و آخرت، باید دیندار باشیم و به دستورات خداوند عمل کنیم. برای دوستی با دیگران هم باید از همین ملاک استفاده نماییم. چون آدم‌های دیندار واقعی، دوستان بهتری هستند و هیچ وقت به دوستان خود خیانت نمی‌کنند و در لحظات سختی و مشکلات نیز همیشه همراه ما

می‌مانند؛ اما چگونه آدم‌های متدین را بشناسیم؟ به نظر شما، کدام صفت است که می‌تواند آدم‌های خوب را مشخص کند و با دیدن آن صفت‌ها، می‌توان آدم‌های دیندار را شناخت؟ (در این جا بچه‌ها را در بحث مشارکت بدهید و جواب‌های آن‌ها را روی تخته یادداشت کنید تا بعداً به آن مراجعه شود.)

## داستان

حالا قبل از این که جواب درست را بدهم، یک داستان تعریف می‌کنم که جواب هم در همین داستان است.

در زمان‌های قدیم، کسانی بودند که راهزنی می‌کردند و در مسیر کاروان‌های مسافران کمین می‌کردند و اموال و پول‌های آن‌ها را می‌دزدیدند. به این عده «عیار» هم می‌گفتند. یکی از این راهزن‌های بزرگ که اسمش تن مسافرها را می‌لرزاند و هر کاروانی که می‌خواست از نزدیکی محل استقرار آن رد بشود، خیلی می‌ترسید، اسمش فضیل عیار بود. این فضیل و دار و دسته دزدش، حسابی مردم را ترسانده بودند و نمی‌گذاشتند آب خوش از گلوی هیچ مسافری پایین برود. کار این آقای فضیل عیار هم تو دزدی، خیلی خوب بود و کسی روی دستش بلند نشده بود.

خلاصه، روزی از روزها که کاروانی داشت از نزدیکی محل حضور فضیل و راهزن‌هایش رد می‌شد، یکی از مسافره‌های کاروان که با خودش پول فراوانی آورده بود، وقتی فهمید که احتمالاً دزدها به کاروان‌شان حمله می‌کنند، از کاروان جدا شد و به بیابان رفت. کمی که رفت، یک چادر بزرگ دید. آهسته جلو رفت و داخل چادر را نگاه کرد. دید مردی با ظاهر خوب نشسته و دارد فکر می‌کند؛ چون قیافه آن مرد خوب به نظر می‌رسید و به آدم‌های متدین شباهت داشت، سلام کرد و وارد چادر شد. مرد هم بلند شد و با روی خوش از مسافر استقبال و پذیرایی کرد. خلاصه این که مرد مسافر جریان پول‌هایش را برای آن مرد تعریف کرد و از او خواهش نمود که امشب پول‌ها را به امانت پیش او بگذارد و فردا صبح قبل از حرکت کاروان، می‌آید و پول‌هایش را می‌گیرد؛ چون می‌ترسد فضیل عیار پول‌هایش را بدزدد. مرد هم با خوشرویی امانت را پذیرفت و به او گفت: کیسه پولت را کنار چادر بگذار و برو.



بعد از نصف شب و نزدیکی‌های نماز صبح، راهزن‌های گروه فضیل عیار، همون طور که مرد مسافر حدث زده بود، به کاروان حمله کردند و همه اشیا و اموال با ارزش مسافرها را دزدیدند. صبح که شد، مرد مسافر خوشحال از کاری که کرده بود، راهی چادر مردی شد که پول‌هایش را نزد او امانت گذاشته بود؛ اما این بار که نزدیک چادر شد، دید از داخل چادر سروصدا می‌آید. به آرامی نزدیک رفت و درون چادر را نگاه کرد. با کمال تعجب دید راهزن‌هایی که اموال کاروان را دزدیده‌اند، داخل چادر هستند و دارند با اجازه مردی که سکه‌هایش را نزد او به امانت گذاشته بود، اموال را تقسیم می‌کنند.

آن مسافر، تازه فهمید که سکه‌ها را پیش رییس دزدها به امانت گذاشته است! سرگردان و پشیمان، همین که خواست برگردد، یک دفعه یکی از دزدها متوجه او شد و دستگیرش کرد و به داخل چادر آورد. بعد هم به رییس دزدها که همان فضیل بود، گفت که این مرد داشت مخفیانه ما را نگاه می‌کرد. ممکن است از نیروهای دولتی یا خبرچین باشد و می‌خواهد جای ما را به آن‌ها خبر بدهد.

فضیل تا نگاهش به مرد افتاد، او را شناخت و گفت که دست‌هایش را باز کنند. بعد آن مرد را کنار خودش نشانده. یک لیوان آب به او داد تا ترس مسافر بریزد. وقتی خوب از او پذیرایی کرد، رو به مسافر کرد و گفت: خوب آمدی دنبال امانتی! مسافر با ترس و دلهره زیاد گفت: بله. فضیل به مسافر گفت: امانت شما سر جایش است. بلند شو و برو از همان جایی که دیروز آن را گذاشتی بردار و برو. مرد مسافر در کمال ناباوری، پا شد و رفت سکه‌هایش را برداشت و در حالی که هنوز می‌ترسید و اتفاقی را که افتاده بود، باور نمی‌کرد، خوشحال به نزد بقیه کاروان برگشت.

اما از طرف دیگر، همه دزدها با فهمیدن ماجرا شروع کردند به بدخلقی و اعتراض که در تمام این کاروان پول نقد زیادی به دست نیاوردیم! شما چرا این سکه‌ها را به صاحبش برگرداندی؟ جواب فضیل عیار، خیلی جالب است. فضیل گفت: این مرد با دیدن من، فکر کرد آدم با خدا و متدینی هستم و سکه‌ها را پیش من امانت گذاشت. اگر الآن من در امانت او خیانت می‌کردم، این مسافر به همه آدم‌های با ظاهر مذهبی بدگمان

می‌شد. من هم دزد اموال مردم هستم و نه دین آن‌ها تا با این کار، باعث شوم این مرد از دین دلزده شود.

حالا این داستان را تا این‌جا داشته باشید که آخر جلسه، سرنوشت این فضیل عیار را هم برایتان خواهم گفت.

## امانت‌داری

به نظر شما، آن صفت خوب فضیل عیار چه بوده است؟

(بعد از جمع‌بندی جواب‌های بچه‌ها، بحث را به مسیر اصلی برده و روی امانت‌داری تمرکز می‌کنیم.)

درست است. صفت «امانت‌داری». امام صادق علیه السلام در حدیثی می‌فرماید: مراقب باشید که بعضی آدم‌ها با نماز و روزه، شما رو فریب ندهند - یعنی هر کسی که دائم نماز می‌خواند و روزه می‌گیرد، حتماً آدم خوبی نیست - بلکه باید افراد را با راستگویی و امانت‌داری آزمایش کنید.<sup>۱</sup>

آیا می‌دانید چرا امانت‌داری این همه اهمیت دارد؟ (می‌توان مشارکت بچه‌ها را جلب کرده و جواب‌های آن‌ها را گرفته و به سمت ادامه بحث هدایت کرد.)

بعضی‌ها هستند که به نماز خواندن و روزه گرفتن عادت می‌کنند و این اعمال را با اخلاص و از اعماق دل انجام نمی‌دهند. به همین جهت، تنها از راه نماز و روزه نمی‌توان افراد را به خوبی شناخت؛ اما از طریق راستگویی و امانت‌داری راحت‌تر می‌شود آن‌ها را امتحان کرد. امانت‌داری، یکی از بهترین راه‌هایی است که می‌توانیم آدم‌های خوب را تشخیص بدهیم. انسان راستگو و امانت‌دار می‌تواند دوست بسیار خوبی برای ما باشد. البته از این نکته هم نباید غفلت کرد که چون نماز و روزه و عبادت‌های دیگر، باعث می‌شود انسان از کارهای ناپسند خودداری کند، معمولاً کسانی که نماز می‌خوانند، از دیگران بهتر هستند؛ زیرا عبادت در زندگی انسان تأثیر زیادی

---

۱. اصول الکافی، ترجمه مصطفوی، ج ۳، ص ۱۶۲.

دارد؛ ولی مهم این است که ببینیم این عبادت‌ها به چه مقدار در رفتار افراد اثر گذاشته است.

یک نکته جالب دیگر در داستان فضیل این است که رفتار فضیل عیار، مطابق با حدیثی است که از پیامبر ﷺ به ما رسیده. آن حضرت فرموده: «با کسی که تو را امین می‌داند، به امانت رفتار کن و با کسی که به تو خیانت کرده است، خیانت مکن.»<sup>۱</sup> البته بخش دوم حدیث هم خیلی مهم است؛ یعنی اگر کسی در امانت ما خیانت کرد و مثلاً آن را به ما برنگرداند یا مثلاً به آن آسیب زد، ما نباید و اجازه نداریم که همین برخورد را با او داشته باشیم.

حضرت علی علیه السلام ضمن توصیه‌هایی که به کمیل، یکی از یاران خویش می‌کنند، روی امانت‌داری و برگرداندن امانت به صاحبش تأکید نموده و می‌فرماید: «ای کمیل! بفهم و بدان که ما به هیچ کس اجازه نمی‌دهیم امانت مردم را نپردازد. هر کس رخصتی در این باره از من نقل کند، بیهوده گفته و گناه کرده و سزای دروغش آتش است. من سوگند یاد می‌کنم که پیغمبر ﷺ ساعتی پیش از وفات سه مرتبه فرمود: ای ابوالحسن! امانت را (به صاحبش) باز گردان؛ صاحبش نکوکار باشد یا تبه‌کار، امانت کوچک باشد یا بزرگ، حتی نخ و سوزن.»<sup>۲</sup> مراقبت از امانت و برگرداندن امانت به صاحبش، تا جایی مهم است که امام صادق علیه السلام در حدیثی فرموده که حتی اگر امانتی از قاتل امام حسین علیه السلام نیز در دست شما بود، آن را به وی برگردانید؛<sup>۳</sup> یعنی امانت‌داری تا این حد مهم است که باید امانت را حتی به شمر و یزید هم برگرداند و نمی‌شود به هیچ بهانه‌ای در امانت خیانت کرد.

---

۱. نهج الفصاحة، ص ۱۷۵.

۲. تحف العقول، ترجمه جنتی، ص ۲۶۷.

۳. منابع فقه شیعه، ترجمه جامع احادیث الشیعه، ج ۲۳، ص ۱۱۴۹.

### امانت چیست؟

حالا که در مورد امانت و اهمیت امانت‌داری صحبت کردیم، کسی می‌تواند بگوید امانت چیست؟ و معمولاً به چه چیزهایی امانت گفته می‌شود؟ (در این جا هم می‌توان از همکاری بچه‌ها استفاده کرد و با جمع‌بندی و یادداشت پاسخ‌ها، ادامه بحث را برای آن‌ها جذاب‌تر کرد.)

اولین معنایی که از امانت به ذهن ما می‌رسد، امانت‌های مالی است؛ مثل: مداد، خودکار، کتاب، لباس، دوچرخه، موتور، ماشین و چیزهای دیگری از این قبیل. این‌ها البته امانت‌های مهمی هستند و باید در نگهداری آن‌ها کاملاً دقت کرد و آن‌ها را سالم به صاحبش برگرداند؛ اما امانت‌ها تنها به این مورد محدود نمی‌شوند و امانت، مفهومی بسیار گسترده‌تر دارد؛ مثلاً راز و سری که دوست ما به ما می‌گوید، امانت پیش ما است و نباید آن را پیش دیگران بازگو کنیم که در این صورت، در این امانت خیانت کرده‌ایم. یا مثلاً نماز، امانت الهی نزد انسان است که باید آن را همیشه و در وقتش ادا نماید و به جا آورد.

حالا خوب است به این نکته هم اشاره کنیم که پیامبر گرامی در هنگام رحلت، دو امانت را در میان مسلمانان به یادگار گذاشتند. کسی می‌داند آن‌ها کدام‌اند؟ این امانت‌ها، کتاب آسمانی قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام هستند. مسلمان‌ها هم اگر بخواهند امانت‌دار باشند، باید کاملاً مراقب قرآن کریم و معارف اهل بیت باشند و در مراقبت از آن‌ها غفلت نکنند. (در این جا می‌شود بحث را در صورت حوصله داشتن دانش‌آموزان و مناسب بودن فضا، به سوی شیوه‌های امانت‌داری در خصوص قرآن و اهل بیت بُرد و با جلب مشارکت بچه‌ها، سمت و سوی دیگر به بحث داد.)

### خیانت در امانت

با توجه به چیزهایی که گفتیم، معلوم شد که امانت و امانت‌داری، چقدر مهم هستند و از همین راه نیز روشن می‌شود که خیانت در امانت، چقدر بد است. به فرموده

پیامبر ﷺ آدم منافق سه نشانه دارد که عبارت‌اند از: دروغ‌گویی، خیانت در امانت و خلف وعده.<sup>۱</sup>

همین طور، خیانت در امانت به قدری بد است که پیامبر ﷺ فرموده: کسی که امانت‌دار نیست، ایمان ندارد؛<sup>۲</sup> یعنی یک نفر هر چقدر هم که نماز بخواند و روزه بگیرد و کارهای خوب انجام دهد، اما امانت‌دار نباشد، مؤمن نیست و ایمان به قلبش راه پیدا نکرده است.

در قرآن کریم هم خداوند به همه دستور داده که امانت را به صاحبان آن برگردانند؛ «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا...»<sup>۳</sup> خداوند به شما فرمان می‌دهد که امانت‌ها را به صاحبانش بدهید.» همان طور که گفته شد، کسی که در امانت خیانت می‌کند، بی‌ایمان است. بنابراین، باید خیلی مراقبت کنیم که در امانت‌هایی که در دست ما گذاشته شده و نزد ما هست، خیانت نکنیم؛ به‌خصوص با توجه به معنای گسترده‌ای که امانت دارد و ما بخشی از آن را بررسی کردیم.

### به چه کسی امانت بدهیم؟

در بحث امانت، علاوه بر این‌که چه چیزی امانت هست یا چه کسی به ما امانت داده است، باید توجه داشت که اصلاً خود ما به چه کسی می‌توانیم اعتماد کنیم و امانت خودمان را به او بسپاریم. امامان ما در این مورد هم نشانه‌هایی به ما داده‌اند که بتوانیم به‌خوبی افراد قابل اطمینان و امانت‌دار را بشناسیم و در مواقع لزوم، به آن‌ها مراجعه کنیم. حضرت علی علیه السلام ظاهر و باطن یکسان را یکی از مهم‌ترین نشانه‌های آدم‌های امانت‌دار معرفی می‌کنند؛ «وَمَنْ لَمْ يَخْتَلِفْ سِرُّهُ وَعَلَانِيَتُهُ وَفِعْلُهُ وَمَقَالَتُهُ فَقَدْ أَدَّى الْأَمَانَةَ وَأَخْلَصَ الْعِبَادَةَ.»<sup>۴</sup>

۱. تحف العقول، ترجمه جنتی، ص ۲۳.

۲. «لا إيمان لمن لا أمانة له.» (نهج الفصاحة، ص ۶۶۶)

۳. نساء، آیه ۵۸.

۴. نهج البلاغه، نامه ۲۶.

اما از طرف دیگر، شناختن آدم‌های خیانتکار هم خیلی به ما کمک می‌کند. در احادیث، نشانه‌های آدم‌های خیانتکار هم آمده است که ما باید مراقب باشیم به این آدم‌ها اعتماد نکنیم و امانت خودمان را به دست آن‌ها ندهیم؛ چون کسی که امانت خود را به دست آدم خیانت‌کار بدهد، مثل این است که آن را از بین برده است.<sup>۱</sup>

یکی از این نشانه‌ها، زودرنجی است و نباید امانت را در اختیار آدم زودرنج قرار داد؛ چرا که با کمترین مشکلی، ممکن است رنجیده شده و در امانت خیانت نماید.<sup>۲</sup>

همین طور از نظر احادیث، افراد غیر مؤمن هم برای امانت‌داری شایسته نیستند و اگر کسی امانت خود را به آدم‌های غیر مؤمن بدهد، هیچ حجتی در برابر خداوند در قبال امانت خود ندارد<sup>۳</sup> و اگر آن امانت به او باز نگردد، مسئول زیانش خود او می‌باشد؛ چرا که در انتخاب فردی که امانت را پیش او گذاشته، دقت لازم را نکرده است.

بنابراین، همیشه در زندگی باید دقت کرد که امانت خود را به چه کسی می‌دهیم و به چه کسی اعتماد می‌کنیم تا بعداً چوب بی‌دقتی خود را نخورده و در این زمینه ضرر نکنیم.

### جمع بندی

حالا وقت آن رسیده که آخر داستان فضیل عیار را برایتان بگویم.

بچه‌ها! آدم هر چقدر هم که شیطان او را فریب بدهد و به راه‌های بد کشیده شود، نباید همه پل‌های پشت سرش را خراب کند؛ بلکه باید همیشه یک‌سری اخلاق خوب را به هر ترتیبی که شده، حفظ نماید؛ چون همین کارهای خوب ممکن است، یک روزی بتواند به او کمک کند؛ مثلاً در هیچ حالتی نمازش را ترک نکند، یا هیچ وقت کاری نکند که دین خدا ضعیف بشود یا مردم به او بدبین شوند.

خلاصه، دیدید که فضیل عیار با این‌که دزد بود، ولی این اخلاق خوب را داشت که امانت‌دار بود و نمی‌خواست مردم به آدم‌های دین‌دار بدبین شوند. به جهت همین

۱. «قَالَ الصَّادِقُ(ع): مَا أَبَالَى اتَّمَنَّتْ خَاتِنًا أَوْ مُضِعًا.» (کافی، ج ۵، ص ۳۰۰)

۲. «قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ(ع): لَا تَأْمَنَنَّ مَلُولًا» (نهج البلاغه، حکمت ۲۱۱)

۳. «قَالَ الْبَاقِرُ(ع): مَنْ أْتَمَنَ غَيْرَ مُؤْمِنٍ فَلَا حُجَّةَ لَهُ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ.» (وسائل الشیعة، ج ۱۹، ص ۸۷)

صفت خوبی که داشت خدا هم به او عنایت کرد. یک روز که نصف شب با بقیه راهزن‌ها برای دزدی رفته بود، صدای قرآن یکی از مسافره‌های کاروان به گوشش رسید که این آیه را می‌خواند: «أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ...؟! آیا وقت آن نرسیده است که دل‌های مؤمنان در برابر ذکر خدا و آنچه از حق نازل شده است، خاشع گردد؟...»

فضیل که سال‌ها کارش دزدی و راهزنی بود، با لطف خدا دلش متحول شد و اشک از چشمش جاری شد و گفت: بله، وقتش رسیده است. بعد هم راهش را گرفت و سر به بیابان گذاشت. به یارانش هم گفت به مسافرها و کاروانیان بگویید که دیگر از فضیل عیار نترسند؛ چون دیگر فضیل به کمین کاروان‌ها نمی‌نشیند و دزدی نمی‌کند. با رفتن فضیل، گروهش نیز از هم پاشید و آن راه، امن شد. فضیل هم بعد از توبه، تلاش کرد که اموالی را که دزدیده بود به صاحبانش برگرداند و به یکی از بنده‌های خوب خدا تبدیل شد.

ان شاء الله که خدا ما را هم از بنده‌های خوب خودش قرار بدهد.

### پرسش و تمرین:

۱. از منظر روایات، معیارهای تشخیص ایمان چیست؟
۲. از نگاه دینی، ویژگی‌های شخص امانت‌دار را بیان کنید.
۳. یک آیه در مورد اهمیت امانت‌داری بیان نموده و آن را ترجمه نمایید.
۴. حدود و گستره امانت‌داری و خیانت در امانت را بیان نمایید.





## درس سیزدهم: گل راستی

### موضوع

اهمیت صداقت و راستگویی.

### هدف درس

دانش‌آموزان در این درس، با صداقت و راستگویی و اهمیت آن آشنا می‌شوند:

### هدف رفتاری

دانش‌آموز در پایان این درس، باید ظرفیت‌های صداقت و اهمیت آن را در زندگی روزمره دریابد.

### روش‌های مناسب تدریس

توضیحی؛ روش فعال (به‌کارگیری مشارکت دانش‌آموزان با طرح سؤال در ضمن بحث)؛ استفاده از شعر و داستان برای تلطیف مباحث ارائه‌شده.

### رسانه‌های آموزشی

تخته سیاه یا وایت‌برد.

### سؤال

- سلام بچه‌ها! شما حتماً داستان چوپان دروغگو را خوانده‌اید و شنیده‌اید؟  
مربی از یکی از بچه‌ها می‌خواهد که داستان را تعریف کند و سپس از آن‌ها درخواست می‌کند که هر کدام از این داستان نتیجه‌گیری داشته باشند. مربی نکات کلیدی صحبت‌های بچه‌ها را روی تابلو می‌نویسد و مجدداً از بچه‌ها سؤال می‌کند:  
- اگر همه مثل چوپان دروغگو باشند، چه اتفاقی ممکن است در یک جامعه بیفتد؟

پس یکی از مهم‌ترین چیزهایی که در هر جامعه نیاز زیادی به آن داریم، صداقت و راستگویی است. در اسلام هم بر مسأله صداقت و راستگویی تأکید زیادی شده است و حتی از مهم‌ترین ارکان ایمان بیان شده است. امام علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: «راستگویی، قوی‌ترین رکن ایمان است.»<sup>۱</sup>

مربی روی تخته می‌نویسد:

**راستگویی = صداقت**

راستگویی و صداقت، هر دو به یک معنا است.

**از دوست تا صدیق**

حالا که فهمیدیم که صداقت و راستی هر دو به یک معنا است، حالا یک سؤال دیگر دارم.

- در عربی به دوست چه می‌گویند؟

- آفرین، «صَدِیق».

صدیق، از همان معنای صدق گرفته شده است؛ یعنی کسی دوست انسان است که با او صادق و راستگو باشد؛ به قول معروف، یک دل و یک زبان باشد. حالا اگر ما بخواهیم با خدا دوست بشویم، باید با خدا هم یک دل و صادق باشیم؛ یعنی دل‌مان، زبان‌مان و عمل‌مان همه یکی باشند.

**به نظر شما، صداقت و راستگو بودن چه فوایدی می‌تواند داشته باشد؟**

۱. راستگو، مورد اعتماد هم‌نوعان خویش است و آنان را از بررسی هر سخنی که از وی می‌شنوند، آسوده می‌کند.

۲. راستگو، پیش وجدان خود سربلند و از رنج دروغ آسوده است.

۳. راستگو، به عهد و پیمان خود وفا می‌کند و در امانتی که به او سپرده شده، خیانت نمی‌نماید؛ زیرا راستی در رفتار، از راستی در گفتار جدا نیست.

---

۱. «الصدق اقوی دعائم الایمان.» (شرح غرر الحکم، ج ۲، ص ۶)

۴. به وسیله راستگویی، بیشتر اختلافها و مشاجرهها از بین می‌رود؛ زیرا بیشتر نزاعها در اثر این است که یک طرف یا هر دو طرف نزاع، حق و حقیقت را منکر می‌شوند و دروغ می‌گویند.

۵. بسیاری از عیوب اخلاقی و تخلف از قوانین و مقررات، خودبه‌خود از بین می‌رود؛ زیرا بیشتر مردم برای پوشانیدن همین نوع کردارها و رفتارها است که دروغ می‌گویند.

### صداقت، مایه نزدیکی به پیامبر

- بچه‌ها! تا حالا هیچ کدامتان به مدینه کنار قبر پیامبر رفته‌اید؟

می‌دانید آروزی هر مسلمانی این است که کنار قبر پیامبر صلی الله علیه و آله برود و مسجد پیامبر را از نزدیک زیارت کند. ان شاء الله قسمت همه بشود؛ ولی مهم‌تر از این که در دنیا زیارت پیامبر نصیب ما بشود، این مهم است که در آخرت و هنگام قیامت بتوانیم کنار رسول الله صلی الله علیه و آله باشیم. می‌دانید چه کاری باعث می‌شود ما در قیامت هم نزدیک به پیامبر باشیم؟ «صداقت»

پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «نزدیک‌ترین شما به من در موقف قیامت، کسی است که راست‌گوتر، امانت‌دارتر و باوفا تر به پیمان باشد.»<sup>۱</sup>

### جلوه‌های صداقت

کسی که در «گفتار»، صادق و راستگو باشد، از «دروغ» پرهیز می‌کند؛ چه به شوخی چه جدی. کسی که در «دوستی» صادق باشد، به مقتضیات دوستی پای‌بند است و ایثار و فداکاری، گذشت نسبت به خطاها، تحمل تندی‌ها و جفاها، همکاری در گرفتاری‌ها و نیازمندی‌ها، و نیز همدردی در مشکلات و غم‌ها خواهد داشت. کسی که در «ایمان» صادق باشد، از نفاق و دورنگی و ریا دوری می‌کند. آن که در «زهد»، صادق باشد، ریاکارانه و از روی مردم‌فریبی، تظاهر به زهد و ساده‌زیستی و ترک دنیا نمی‌کند. به قول سعدی: آن که در پند و موعظه و تبلیغ و ارشاد صداقت داشته باشد، عملش آینه

---

۱. «اقر بکم منی غدا فی الموقف اصدقکم فی الحدیث و اداکم للامانة و اوفاکم بالعهد.» (النالی الاخبار، ج ۵، ح ۲۵۳)

حرفش و رفتارش شاهد گفتارش خواهد بود؛ و گرنه به قول حافظ: «توبه‌فرمایان چرا خود، توبه کمتر می‌کنند؟»

«صدق در عهد»، وفای به قول‌ها و قرارها و تعهدات است.

قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «کونوا مع الصادقین.»<sup>۱</sup>

## دروغ

- بچه‌ها! صفت مخالف راستگویی چیست؟ «دروغ.»

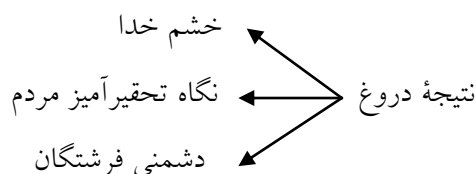
دروغ، یکی از بزرگ‌ترین گناهان است. دروغ، به عنوان یکی از گناهانی برشمرده شده که باعث دیگر گناهان نیز می‌شود.

امام علی علیه السلام درباره دروغ می‌فرماید:

«يَكْتَسِبُ الْكَاذِبُ بِكَذِبِهِ ثَلَاثًا: سَخَطُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَاسْتِهَانَةُ النَّاسِ بِهِ وَمَقْتُ الْمَلَائِكَةِ لَهُ»<sup>۲</sup>

دروغگو با دروغگویی خود، سه چیز به دست می‌آورد: خشم خدا را نسبت به خود، نگاه تحقیرآمیز مردم را نسبت به خود و دشمنی فرشتگان را نسبت به خود.»

پس انسان دروغگو، سه چیز را به دست می‌آورد:



## چرا انسان‌ها دروغ می‌گویند؟

انسان‌ها ممکن است به دلایل مختلف دروغ بگویند که اگر سعی کنند این عوامل را از زندگی خود حذف کنند، از دروغ نیز فاصله گرفته و به دروازه‌های صداقت و راستگویی نزدیک می‌شوند.

۱. ترس از به دردسر افتادن: بسیاری از اوقات، انسان‌ها از ترس به درد سر افتادن

۱. «یا ایها الذین امنوا اتقوا الله و کونوا مع الصادقین.» (توبه، آیه ۱۱۹)

۲. غرر الحکم، ج ۶، ص ۴۸۰، ح ۱۱۰۳۹.

دروغ می‌گویند؛ در حالی که دروغ گفتن، خودش یک درد سر بزرگ است. اگر کسی به زشتی دروغ آگاه باشد، هیچ‌گاه برای فرار از یک مشکل، خود را در دام مشکل بزرگ‌تر نمی‌اندازد.

**۲. ترس از آزار دادن طرف مقابل:** اغلب مواقع، افراد به دلیل محافظت از احساسات فردی خود که برایشان مهم است، دروغ می‌گویند. در این شرایط، عدم صداقت، مسأله را درست یا قابل قبول نمی‌کند؛ در حالی که همه دیر یا زود، اصل مسأله را خواهند فهمید و این دروغ گفتن، کمکی به آن‌ها نخواهد کرد.

**۳. به دنبال تأیید دیگران:** بسیاری از افراد دوست دارند که طرف مقابلشان احساسات آن‌ها را تأیید کرده و دوست‌شان بدانند. این موضوع، می‌تواند باعث گردد تا افراد طوری دروغ بگویند که شاید درباره واقعیت مبالغه شود یا آن‌ها مجبور شوند برای این‌که دوست دارند موافقت شما یا شخص دیگری را جلب کنند، داستانی را از خود بسازند.

**۴. ناتوانی در بیان احساسات:** برای برخی، گفت‌وگو در مورد احساسات شخصی، کاری بسیار دشوار است. وقتی دوست نداشته باشیم درباره این احساسات صحبت کنیم یا این‌که ندانیم چگونه باید به طور مؤثری رابطه برقرار کنیم، صحبت نکردن در مورد آن‌ها یا پنهان کردن احساسات واقعی، برای برخی افراد ساده‌تر می‌گردد.

### داستان گل راستی

روزی پادشاهی سالخورده که دو پسرش را در جنگ با دشمن از دست داده بود، تصمیم گرفت برای خود جانشینی انتخاب کند.

پادشاه تمام جوانان شهر را جمع کرد و به هر کدام دانه گیاهی داد و از آن‌ها خواست که دانه را در یک گلدان بکارند و گیاه رشد کرده را در روز معینی نزد او بیاورند.

«پینک»، یکی از آن جوان‌ها بود و تصمیم داشت تمام تلاش خود را برای جانشینی پادشاه به کار گیرد. بنابراین، با تمام جدیت تلاش کرد تا دانه را پرورش دهد؛ ولی

موفق نشد. به این فکر افتاد که دانه را در آب و هوای دیگری پرورش دهد. به همین دلیل، به کوهستان رفت و خاک آن‌جا را هم آزمایش کرد؛ ولی موفق نشد. پینک، حتی با کشاورزان دهکده‌های اطراف شهر مشورت کرد؛ ولی همه این کارها، بی‌فایده بود و نتوانست گیاه را پرورش دهد.

بالاخره، روز موعود فرا رسید. همه جوان‌ها در قصر پادشاه جمع شده بودند و گیاه کوچک خودشان را در گلدان برای پادشاه آورده بودند.

پادشاه به همه گلدان‌ها نگاه کرد. وقتی نوبت به پینک رسید، پادشاه از او پرسید:

پس گیاه تو کجا است؟» پینک، ماجرا را برای پادشاه تعریف کرد.

در این هنگام، پادشاه دست پینک را بالا برد و او را جانشین خود اعلام کرد. همه جوانان اعتراض کردند. پادشاه روی تخت نشست و گفت: «این جوان، درست‌کارترین جوان شهر است. من قبلاً همه دانه‌ها را در آب جوشانده بودم. بنابراین، هیچ یک از دانه‌ها، نمی‌بایست رشد می‌کردند.» پادشاه ادامه داد: «مردم، به پادشاهی نیاز دارند که با آن‌ها صادق باشد؛ نه پادشاهی که برای رسیدن به قدرت و حفظ آن، به هر کار خلافی دست بزند.»

## شعر

- حالا که تا این‌جا با هم آمدیم، برایتان یک شعر می‌خوانم. همه قلم و کاغذهای

خود را آماده کنند و نکاتی را که از این شعر می‌فهمند، برایمان توضیح دهند:

صداقت موجب صبح سپید است	صداقت رستگاری را نوید است
صداقت در تو گر باشد، تمیزی	به نزد هر که می‌باشی عزیزی
صداقت رمز و راز زندگانی	صداقت یک حیات جاودانی
صداقت رادمردی را نشان است	صداقت پرچم فتح جهان است
صداقت محرم اسرار باشد	صداقت دافع اشرار باشد
صداقت شربتی نوش‌آفرین است	مرا این نکته با تو آخرین است
بیا و با صداقت زندگی کن	خدا را با صداقت بندگی کن

## صداقت در قرآن کریم

«قَالَ اللَّهُ هَذَا يَوْمُ يَنْفَعُ الصَّادِقِينَ صِدْقُهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ»<sup>۱</sup> خداوند می‌گوید: امروز، روزی است که راستی راستگویان به آن‌ها سود می‌بخشد، برای آن‌ها باغ‌هایی از بهشت است که آب از زیر [درختان] آن جریان دارد و جاودانه و برای همیشه در آن می‌مانند. خداوند از آن‌ها خشنود و آن‌ها از او خشنود خواهند بود و این، رستگاری بزرگی است.»

خداوند چنین می‌فرماید: امروز، روزی است که راستی راستگویان به آن‌ها سود می‌بخشد؛ «هذا يوم ينفع الصادقين صدقهم.»

البته منظور از این جمله، صدق و راستی در گفتار و کردار در دنیا است که در آخرت مفید واقع می‌شود؛ وگرنه صدق و راستی در آخرت که محل تکلیف نیست، فایده‌ای نخواهد داشت. به علاوه، اوضاع آن روز چنان است که هیچ کس جز راست نمی‌تواند بگوید و حتی گناهکاران و خطاکاران، همگی به اعمال بد خویش اعتراف می‌کنند و به این ترتیب، در آن روز، دروغ‌گویی وجود ندارد.

بنابراین، آن‌ها که مسئولیت و رسالت خود را انجام دادند و جز راه صدق و درستی نپیمودند، مانند مسیح عليه السلام و پیروان راستین او یا پیروان راستین سایر پیامبران که در این دنیا از در صدق وارد شدند، از کار خود بهره کافی خواهند برد.

در ضمن، از این جمله اجمالاً استفاده می‌شود که تمام نیکی‌ها را می‌توان در عنوان صدق و راستی خلاصه کرد؛ صدق و راستی در گفتار و کردار. روز رستاخیز نیز تنها سرمایه آدمی، صدق و راستی است که به کار او می‌آید؛ نه غیر آن.

سپس پاداش صادقان را چنین بیان می‌کند: «برای آن‌ها باغ‌هایی از بهشت است که از زیر درختان آن، نهرها جاری است و جاودانه در آن خواهند ماند؛ «لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا.»

و از این نعمت مادی مهم‌تر این است که هم خداوند از آن‌ها راضی است و هم آن‌ها از خداوند راضی و خشنودند؛ «رضی الله عنهم و رضوا عنه.»  
 و شک نیست که این موهبت بزرگ که جامع میان موهبت مادی و معنوی است، رستگاری بزرگ محسوب می‌شود؛ «ذَلِكِ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ.»  
 قابل توجه این‌که در این آیه، پس از ذکر باغ‌های بهشت با آن همه نعمت‌هایش، نعمت خشنودی خداوند از بندگان و بندگان از خداوند را ذکر می‌کند و به دنبال آن، «ذَلِكِ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ» می‌گوید و این نشان می‌دهد تا چه اندازه این رضایت دو جانبه، واجد اهمیت است (رضایت پروردگار از بندگان و رضایت بندگان از پروردگار)؛ زیرا انسان مؤمنی که غرق عالی‌ترین نعمت‌ها است، هنگامی که احساس می‌کند مولی و معبود و محبوب او، از او ناراضی است، تمام آن نعمت‌ها و مواهب در کام جانش تلخ می‌گردد.

و نیز ممکن است که انسان، واجد همه چیز باشد؛ ولی به آنچه دارد، راضی و قانع نباشد. بدیهی است که آن همه نعمت، با این روحیه او را خوشبخت نخواهد کرد و ناراحتی مرموزی پیوسته او را آزار و شکنجه می‌دهد و آرامش روح و روان را که بزرگ‌ترین موهبت الهی است، از او می‌گیرد.

علاوه بر این، هنگامی که خدا از کسی خشنود باشد، هر چه بخواهد، به او می‌دهد و هنگامی که هر چه خواست به او داد، او نیز خشنود می‌شود. نتیجه این‌که بالاترین نعمت این است که خدا از انسان خشنود و او نیز از خدایش راضی باشد. پس نعمت‌هایی که خدای متعال به انسان راستگو عنایت می‌کند، عبارت‌اند از:

۱. «جنات تجری من تحتها الانهار»؛

۲. «خالدین فیها ابداء»؛

۳. «رضی الله عنهم»؛

۴. «و رضوا عنه.»

(مری می‌تواند موارد بالا را بر تابلو نوشته و با توجه به مباحث یادشده، به شرح و

توصیف هر یک پردازد.)



## روایاتی در باب صداقت و راستگویی

همچنین برای مراجعه بیشتر به منابع روایی می‌توان از روایات زیر نیز در بخش‌های مختلف بحث استفاده کرد:

۱. امام علی علیه السلام: «برای دینداران، علاماتی است یکی از آن‌ها، راستگویی است.»<sup>۱</sup>
۲. امام صادق علیه السلام: «خداوند بلندمرتبه، هیچ پیامبری را مبعوث ننمود، جز با راستگویی و امانتداری به نیکوکار و بدکار.»<sup>۲</sup>
۳. امام صادق علیه السلام: «هر که راستگو باشد، عملش هم بدون غل و غش خواهد بود.»<sup>۳</sup>
۴. عمر بن ابی‌المقداد گوید: «نخستین بار که خدمت امام باقر علیه السلام رسیدم، حضرت فرمود: قبل از یاد گرفتن حدیث [و مسائل دین] راستگویی را بیاموز.»<sup>۴</sup>
۵. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: «نزدیک‌ترین شما به من در موقف قیامت که شفاعتش نیز بر من واجب است، کسی است که راستگوتر، امانت‌دارتر و خوش‌اخلاق‌تر با مردم باشد.»<sup>۵</sup>

### پرسش و تمرین:

۱. اهمیت صداقت در زندگی انسان‌ها چیست؟
۲. مهم‌ترین دلایل دروغ گفتن چیست؟
۳. برخی از نعمت‌های ذکرشده در قرآن برای راستگویان را بیان کنید.
۴. بعضی از جلوه‌های صداقت را بیان کنید.

---

۱. الکافی، ج ۲، ص ۲۳۹، باب المؤمن و علاماته و صفاته.

۲. همان، ص ۱۰۴، باب الصدق و أداء الامانة.

۳. همان، ص ۱۰۵، باب الصدق و أداء الامانة.

۴. همان، ص ۱۰۴، باب الصدق و أداء الامانة.

۵. وسائل الشیعة، ج ۱۲، ص ۱۶۳، باب وجوب الصدق.



## درس چهاردهم: من بزرگ شدم – قسمت اول

### موضوع

عوامل و نشانه‌های رشد انسان.

### هدف کلی

دانش‌آموزان در این درس، با برخی از نشانه‌های رشد انسانی آشنا می‌شوند. برخی از این عوامل و نشانه‌ها، عبارت‌اند از: محاسبه، مراقبه و انتقادپذیری.

### هدف رفتاری

از دانش‌آموز انتظار می‌رود که در پایان درس، تصویر درستی از رشد حقیقی خود داشته باشند و بتوانند رفتارهای روزانه خویش را مراقبه و محاسبه کرده و از انتقاد دیگران استقبال کنند.

### روش‌های مناسب تدریس

توضیحی (استفاده از داستان و روایت)؛ روش فعال (پرسش و پاسخ).

### رسانه‌های آموزشی

تخته سیاه یا وایت‌برد؛ تصویر؛ بازی با کلمات.

### سؤال

چقدر برای انسان‌های کوتوله احساس ترحم و دلسوزی می‌کنیم؟ چرا؟

دلسوزی ما برای این است که احساس می‌کنیم این انسان‌ها رشد نکرده‌اند؛ در حالی که تنها نقص آن‌ها رشد جسمانی است و آن‌ها همانند دیگر انسان‌ها، از رشد فکری و انسانی برخوردارند.

حال اگر کسی از رشد انسانی بی‌بهره بود، چقدر قابل ترحم است.

آیا ما دارای رشد انسانی مناسب هستیم؟ آیا ما خود کوتوله‌های انسانی نیستیم؟

برای تشخیص این موضوع، نیازمند معیارها یا نشانه‌های رشد انسانی هستیم.

اجازه دهید سؤال را ساده‌تر بیان کنم: از کجا بفهمیم بزرگ شده‌ایم؟ گاهی پدرها و مادرها مانع برخی از کارهای ما می‌شوند. وقتی می‌پرسیم: چرا؟ می‌گویند چون هنوز بزرگ نشده‌ایم. این وقت‌ها، لج انسان در می‌آید و با ناراحتی می‌گوید: نه، من بزرگ شده‌ام.

اما خودمان هم می‌دانیم که این، یک ادعا است و نیازمند اثبات است؛ هم برای خودمان و هم برای دیگران.

اما چه گونه من بفهمم که بزرگ شده‌ام یا نه.

گاهی از بعضی نوجوان‌ها می‌پرسیم: بزرگ شده‌اید یا نه؟ می‌گویند: بله. می‌گوییم: از کجا معلوم است که شما بزرگ شده‌اید؟ جواب‌های مختلفی می‌دهند؛ برخی می‌گویند: نگاه کن قد من یک متر شده یا وزنم پنجاه کیلو شده است. برخی هم می‌گویند کلاس دوم راهنمایی‌ام یا در مسابقات فوتبال بیست تا گل زدم و... .

حالا سؤال را دوباره می‌پرسم: علامت بزرگ شدن ما چیست؟<sup>۱</sup>

بچه‌ها! این جواب‌هایی را که دادید، خیلی‌هایش درست است؛ اما آن پاسخی که من می‌خواستم، نیست.

این سؤال را به چند طریق می‌شود جواب داد:

برخی می‌گویند چون جسم‌مان رشد کرده، بزرگ شده‌ایم؛ یعنی ملاک بزرگ شدن را قد و هیکل و وزن یا توانایی‌های جسمی خود می‌دانند؛ مثلاً می‌گویند به‌تنهایی یک

---

۱. شنیدن پاسخ دانش‌آموزان و تشویق آن‌ها از طریق چهره و زبان، عامل مهمی برای شرکت فعال دانش‌آموزان در گفت‌وگوهای کلاس است.

درس چهاردهم: من بزرگ شده‌ام - قسمت اول ■ ۱۴۹

وزنه ۲۰ کیلویی را بلند می‌کنیم یا می‌توانیم شنا کنیم و مثلاً یک دقیقه زیر آبی برویم یا می‌توانیم از فلان کوه بالا برویم. (نمایش تصویر مناسب)

دسته دیگر می‌گویند بزرگ شده‌ایم؛ چون دارایی‌های ما رشد کرده است؛ مثلاً چون مدل موبایل مان بالاتر است یا نوت‌بوک داریم، موتور یا ماشین داریم و... . (نمایش تصاویر مناسب)

عده‌ای هم می‌گویند ما بزرگ شده‌ایم؛ چون پانزده سالمان شده است. (نمایش تصویر مناسب)

اما بچه‌ها! واقعاً علامت بزرگ شدن آدم‌ها چیست؟ (تصویر پریشی مناسب)

اجازه بدهید تا با طرح دو سؤال، به این پرسش پاسخ بدهیم:

میوه‌ای شبیه سیب؟ «به»

می‌گوییم: کاشت، .... و برداشت؟ «داشت»

حالا این دو تا پاسخ را به همدیگر متصل کنید.

بله، «بهداشت». شاید تعجب کنید؛ اما رعایت بهداشت، یعنی اهمیت به ظاهر دادن؛

البته ما دو نوع بهداشت داریم: بهداشت جسم و بهداشت روح.

اول، کمی درباره بهداشت جسم صحبت کنیم.

پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى بَنَى السَّلَامَ عَلَى النَّظَافَةِ وَلَنْ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ

إِلَّا كَلُّهُ نَظِيفٌ؛<sup>۱</sup> همانا خدای متعال اسلام را بر پایه پاکیزگی بنا کرده است و هرگز به

بهشت نمی‌رود، مگر کسی که پاکیزه باشد.»

بچه‌ها! میکروب‌ها خیلی خطرناک هستند و گاهی می‌توانند یک انسان را از پا در

بیارند. چه کسی می‌داند چرا میکروب‌ها این قدر خطرناک هستند؟

بله، چون دیده نمی‌شوند و به راحتی وارد بدن انسان می‌شوند.

**راه مبارزه با میکروب چیست؟**

مبارزه با میکروب، دو راه دارد:

---

۱. نهج الفصاحه، ح ۱۱۸۲.

یکی از راه‌ها، دارودرمانی است؛ یعنی با مراجعه به پزشک و استفاده از داروهای مناسب، با میکرب‌ها مبارزه کنیم.

اما راه دیگری نیز هست که هم ساده‌تر است و هم مؤثرتر. چه کسی می‌داند که این راه چیست؟

بله، پیشگیری. شعار ما باید همیشه این باشد که: «پیشگیری، بهتر از درمان است.»

بچه‌ها! برای پیشگیری از ورود میکرب‌ها به بدن، چه کارهایی باید انجام داد؟

بله، شستن دست‌ها قبل از غذا و بعد از غذا، مسواک زدن، حمام رفتن، گرفتن

ناخن‌ها، و خلاصه رعایت نظافت عمومی و خصوصی.

جابر بن عبدالله می‌گوید: رسول خدا(صلی الله علیه وآله) به نزد ما آمد و چشمش

به مردی افتاد که موهایش ژولیده و درهم بود. پس حضرت فرمود: آیا این مرد چیزی

پیدا نکرد که با آن موهای خود را مرتب کند؟ و مرد دیگری را دید که لباس‌های

چرکین به تن داشت، فرمود: آیا این مرد آبی پیدا نکرده که با آن لباسش را بشوید؟

اما بچه‌ها! اسلام همان طور که برای سلامت جسم برنامه‌هایی ارائه کرده، برای

سلامت روح هم دستورالعمل داده است.

چه کسی از شما می‌داند که برنامه سلامت روح در فرهنگ اسلامی اسمش چیست؟

اجازه بدهید برای رسیدن به پاسخ این سؤال، کمی کمکتان کنم.

چه کسی می‌تواند بگوید که:

نام یکی از سوره‌های قرآن و زنان بهشتی: مریم

نام یکی از پیامبران اولو العزم: نوح

یکی از دو امانت گرانبهای پیامبر برای مسلمان‌ها: اهل بیت

نام مادر امام زمان(عج): نرجس

نام برادر کوچک‌تر حضرت یوسف(ع): بنیامین

پشیمانی از گناه: توبه

حالا حرف اول از کلمه اول، و حرف آخر از کلمه دوم و به همین ترتیب، به طور

یکی درمیان (زیکزاک)، حرف‌ها را به هم متصل کنید تا به پاسخ سؤال ما برسید.

چه کلمه‌ای به دست آمد؟

بله، درست است: «محاسبه».

محاسبه یعنی چه؟ محاسبه، یعنی بررسی رفتارهای روزانه با هدف جبران یا برطرف‌سازی عیوب خود.

این موضوع آن قدر مهم است که حضرت موسی بن جعفر (علیهما السلام) فرمود: «از ما نیست کسی که هر روز حساب خود را نکند. پس اگر کار نیکی کرده است، از خدا زیادی آن را خواهد و اگر گناه و کار بدی کرده، در آن گناه از خدا آمرزش خواهد و به سوی او بازگشت کند [و توبه نماید].»<sup>۱</sup>

شاید بگویید الحمدلله، ما که نقطه منفی یا اشتباهی نداریم و شاید گاهی اوقات از ما اشتباهی سر بزند؛ اما لازم است بدانیم که محاسبه باید بسیار دقیق باشد.

حکایت شده است که رسول اکرم ﷺ در یکی از مسافرت‌ها با اصحابش در سرزمینی خالی و بی‌علف فرود آمدند. به هیزم و آتش احتیاج داشتند، فرمود: «هیزم جمع کنید.» عرض کردند: «ای رسول خدا! ببینید این سرزمین چقدر خالی است! هیزمی دیده نمی‌شود.» فرمود: «در عین حال، هر کس هر اندازه می‌تواند، جمع کند.» اصحاب روانه صحرا شدند؛ با دقت به روی زمین نگاه می‌کردند و اگر شاخه کوچکی می‌دیدند، برمی‌داشتند. هر کس هر اندازه توانست، ذره‌ذره هیزم‌ها را جمع کرد و با خود آورد. همین‌که همه افراد هر آنچه را جمع کرده بودند، روی هم ریختند، مقدار زیادی هیزم جمع شد. در این وقت، رسول اکرم ﷺ فرمود: «گناهان کوچک هم مثل همین هیزم‌های کوچک است. ابتدا به نظر نمی‌آید؛ ولی هر چیزی جوینده و تعقیب‌کننده‌ای دارد؛ همان طور که شما جستید و تعقیب کردید، این قدر هیزم جمع شد، گناهان شما هم جمع و احصا می‌شود و یک روز می‌بینید که از همان گناهان کوچک که به چشم نمی‌آمد، انبوه عظیمی جمع شده است.»<sup>۲</sup>

---

۱. «عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عُمَرَ الْيَمَانِيِّ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْمَاضِي قَالَ لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يُحَاسِبْ نَفْسَهُ فِي كُلِّ يَوْمٍ فَإِنْ عَمِلَ حَسَنًا اسْتَزَادَ اللَّهُ وَإِنْ عَمِلَ سَيِّئًا اسْتَغْفَرَ اللَّهُ مِنْهُ وَتَابَ إِلَيْهِ» (اصول کافی، ج ۴،

ص ۱۹۰، ج ۲)

۲. وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۴۶۲؛ مجموعه آثار شهید مطهری، ج ۱۸، ص ۳۱۶.

اجازه بدهید چند مورد از رفتارهای روزانه خودمان را بررسی کنیم؛ ببینیم نمره روزانه ما چند می‌شود.<sup>۱</sup>

- احترام و دست‌بوسی پدر و مادر؛
- کمک به مادر و خانواده در انجام کارهای خانه؛
- قهر و دعوا نکردن با دوستان؛
- نماز صبح اول وقت؛
- به موقع استراحت کردن و به اندازه خوابیدن؛<sup>۲</sup>
- با سر و صدا همسایه‌ها را آزار ندادن؛<sup>۳</sup>
- به اندازه غذا خوردن؛
- رعایت نظافت و مسواک زدن دندان‌ها؛
- به اندازه تلویزیون نگاه کردن؛
- رعایت حقوق دوستان؛<sup>۴</sup>
- شکر خدا و تشکر از مادر بعد از غذا.

بچه‌ها! اگر هر یک از این کارها، دو نمره داشته باشد، حالا هر کس به خودش نمره بدهد؛ اما نمره‌اش را به کسی نگوید.

این می‌شود محاسبه. البته کارهای بسیار دقیق دیگری هم هست که باید یکی یکی به همه آن‌ها رسیدگی کنیم؛ مثل درس خواندن و ...<sup>۵</sup>.

---

۱. مری می‌تواند برای هر قسمت، از روایت، داستان یا شعر استفاده کند

۲. رسول اکرم ﷺ: از پر خوابی بپرهیزید؛ زیرا پر خوابی صاحب خود را در روز قیامت تهیدست می‌گذارد. (الاختصاص، ص ۲۱۸؛ منتخب میزان الحکمة، ص ۵۷۴)

۳. کسی که همسایه از شرش در امان نباشد، به بهشت نمی‌رود. (نهج الفصاحه، ح ۲۵۳۲)

۴. اشاره به برخی حقوق دوست، در این جا مناسب است.

۵. مطلب زیر، بزرگ‌ترین گناهان نوجوانی شانزده ساله است که در یک روز مرتکب شده است. دفترچه این نوجوان شهید در جنگ تحمیلی، مدت‌ها بعد هنگام تفحص شهدا پیدا شده است. این شهید شانزده ساله، گناهان یک روزش را این گونه می‌نویسد:

۱. سجده نماز ظهر طولانی نبود؛ ۲. زیاد خندیدم؛ ۳. هنگام فوتبال، شوت خوبی زدم که از خودم خوشم آمد.



درس چهاردهم: من بزرگ شده‌ام - قسمت اول ■ ۱۵۳

اما بچه‌ها! باید بدونیم که برای این که آلوده به گناه نشویم، محاسبه به تنهایی کافی نیست؛ بلکه یک قدم دیگر هم لازمه اسم. این قدم چیست؟  
حروف به هم ریخته زیر، جواب سؤال ما است:

ق ه ب م ا ر

اجازه بدین کمی کمک کنم:

اول حرف این کلمه، «م» است.

آخرین حرف این کلمه، «ه» است.

پنجمین حرف این کلمه، «ب» است.

بله، مراقبه. مراقبه، یعنی مواظبت از رفتارهای خود در هر لحظه.

چه کسی می‌داند که چرا باید مراقب خودمان باشیم؟

همان طور که آلودگی‌های جسمی، عامل بیماری و مرگ انسان می‌شود، آلودگی‌های روحی هم باعث بیماری روحی انسان و گمراهی او می‌شود.

مهم‌ترین میکروب و ویروسی که روح انسان‌ها را آلوده می‌کند، گناه است.

میکرب گناه، خیلی زود به انسان منتقل می‌شود؛ به سادگی یک سرماخوردگی یا به سرعت ویروسی شدن کامپیوتر شما.

پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: «مَوْتُ الْإِنْسَانِ بِالذُّنُوبِ أَكْثَرُ مِنْ مَوْتِهِ بِالْأَجَلِ وَحَيَاتُهُ بِالْبِرِّ أَكْثَرُ مِنْ حَيَاتِهِ بِالْعُمْرِ»<sup>۱</sup> مرگ انسان‌ها در نتیجه گناهان، بیشتر از مرگ آن‌ها در نتیجه فرا رسیدن اجل است و زنده ماندن انسان‌ها در نتیجه نیکی‌هایشان، بیشتر از زندگی کردنشان به جهت باقی بودن عمر است.»

**یکی دیگر از نشانه‌های بزرگ شدن:**

اجازه بدهید با چند تا سؤال، بحث خودم را ادامه بدهم:<sup>۲</sup>

---

۱. مکارم الاخلاق، ص ۳۶۲.

۲. این سؤال‌ها، روی تخته نوشته می‌شوند و از دانش‌آموزان می‌خواهیم به آن‌ها پاسخ دهند. توجه داشته باشیم که بعد از پاسخ به هر پرسش، مقداری درباره آن کلمه توضیح دهید و در صورت امکان، روایتی درباره آن بخوانیم. البته باید

۱. خلیفه خدا روی زمین: انسان.
  ۲. بزرگوارترین انسان‌ها نزد خدا دارای این صفت هستند: تقوا.
  ۳. جمع دعا: ادعیه.
  ۴. برای مهمان انجام می‌دهیم: پذیرایی.
  ۵. دعای هنگام عطسه: <sup>۱</sup> یرحمکم الله.
- حالا دو حرف اول همه پاسخ‌ها را به هم متصل کنید تا به کلمه مورد نظر برسید.  
بله، «انتقادپذیر».

یکی از علامت‌های مهم بزرگ شدن ما، انتقادپذیری است.  
چرا انتقادپذیری علامت رشد است؟ چون کسی که انتقادپذیر نیست، به نقاط ضعف خودش پی نمی‌برد و نمی‌تواند عیب‌هایش را برطرف کند و به رشد برسد.  
به بیان ساده‌تر، این گونه انسان‌ها، میکرب‌های نفوذ کرده به بدن خود را شناسایی نمی‌کنند و فکر می‌کنند سالم هستند و به همین جهت، هیچ وقت به درمان خودشا نمی‌پردازند.  
بعضی‌ها خیلی زودرنج‌اند و تا پدر، مادر، خانواده، دوستان یا فرد دیگری تذکری به آن‌ها می‌دهد، ناراحت می‌شوند و حاضر نیستند اشکال‌های خودشان را رفع کنند.  
افراد را به طور کلی، به دو گروه می‌توانیم تقسیم کنیم:

### الف. انتقادناپذیرها

افرادی که خود را «از هر جهت کامل می‌دانند!» و با وجود نقص‌های مختلف، به آن‌ها توجه ندارند، خود را سرآمد و خبره می‌پندارند و از دیگران بی‌نیاز می‌دانند. اینان

به‌سرعت از این مرحله عبور کنیم. سپس از دانش‌آموزان می‌خواهیم که دو حرف اول جواب‌ها را به هم وصل کنند تا به پاسخ برسند.

۱ در کتاب خصال شیخ صدوق از حضرت علی(ع) نقل شده است: «هرگاه کسی از شما عطسه کرد، پس برایش دعا کنید و بگویید: «یرحمکم الله؛ خدا شما را بیامرزد.» و او بگوید: «یَغْفِرُ اللهُ لَکُمْ و یرحمکم؛ خدا شما را بیامرزد و رحمت کند.» زیرا خداوند فرموده است: «چون کسی به شما تحیت گفت، پس تحیت دهید به خوب‌تر از آن یا رد کنید همان را.»

نه آگاهی به عیب دارند و نه برای رفع آن‌ها اقدام می‌کنند و به شدت از انتقادهای مشفقانه دیگران ناراحت می‌شوند. آری:

آن کس که نداند و نداند که نداند در جهل مرکب، ابد الدهر بماند

### ب. انتقادپذیرها

یعنی اشخاصی که به دنبال نقاط ضعف خود هستند و هر روز تلاش دارند آن‌ها را برطرف کنند. چنین افرادی اگر از سوی دیگران مورد انتقاد قرار گیرند، نه تنها ناراحت نمی‌شوند، بلکه با تواضع و فروتنی می‌پذیرند و با هدف رشد و تکامل بیشتر، در صدد رفع عیوب خود هستند.

### شیوه‌های انتقاد

#### ۱. انتقاد دیگران به ما:

چه کسی می‌تواند یک حدیث درباره انتقاد کردن برای ما بگوید که در آن کلمه «آئینه» هم وجود داشته باشد؟

پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «المؤمن مرآة المؤمن؛ مؤمن، آئینه مؤمن است.» این تشبیه بسیار زیبا، نکات فراوانی را درباره آداب انتقاد به دیگران به ما یاد می‌دهد. شما از این حدیث چه چیزی یاد می‌گیرید؟<sup>۱</sup>

۱. مثل آئینه باشیم؛ یعنی هم زیبایی دیگران را ببینیم و هم نقاط ضعف آنان را. مثل مگسی نباشیم که فقط روی زخم و جراحت و جای کثیف می‌نشیند.

روزی حضرت عیسی علیه السلام با چند نفر از همراهان از راهی می‌گذشتند و به جایی رسیدند که لاشه سگ مرده‌ای افتاده بود. حضرت عیسی لحظه‌ای آن‌جا ایستاد و به همراهان خود گفت: درباره این، چه فکر می‌کنید؟

همراهان حضرت یکدیگر را نگاه کردند و نمی‌دانستند که منظور ایشان چیست!

یکی جواب داد: لاشه سگی است که مرده.

یکی گفت: چه بوی بدی دارد.

---

۱ ر.ک: تمثیلات، محسن قرائتی.

یکی گفت: چه منظره ناراحت‌کننده‌ای.

دیگری گفت: چقدر کثیف است.

دیگری گفت: به آن نباید دست زد؛ ممکن است بیماری او سرایت‌کننده باشد.

دیگری گفت: وقتی هم که زنده بود، تنش پاک نبود؛ حالا که مرده هم هست.

دیگری گفت: و این دهانش که باز مانده است، مثل این است که باز می‌خواهد

پاچه بگیرد.

آن وقت حضرت عیسی علیه السلام فرمود: «این‌ها هست؛ اما حیوان با وفایی بود، خوب

پاسبانی می‌کرد و دوست و دشمن را می‌شناخت و چه دندان سفیدی دارد...»

۲. فقط بدی‌ها و زشتی‌ها را نباید دید. با هر چه روبه‌رو می‌شوید، خوبی‌هایش را

نیز ببینید.

۳. مثل آینه باشیم، نه مثل ذره بین؛ عیب مردم را بزرگ‌تر از آنچه هست، نبینیم.

۴. مثل آینه باشیم، نه مثل شانه. آینه روبه‌رو عیب‌ها را می‌گوید؛ ولی شانه پشت

سر رفته و در میان موها می‌گوید.<sup>۱</sup>

۵. آینه، زمانی می‌تواند کارایی داشته باشد که غبار نگرفته و صاف و صیقلی باشد.

انسان نیز زمانی می‌تواند انتقاد سازنده داشته باشد که خودش تلاش می‌کند

عیب‌هایش را برطرف کند.<sup>۲</sup>

۶. شکستن آینه به این دلیل که عیب ما را نشان می‌دهد، خطا است؛ آزردن کسانی

که انتقاد می‌کنند نیز ناروا است.<sup>۳</sup>

۷. آینه، عیب ما را در خود نگه نمی‌دارد. همین که از برابر آن کنار برویم، عیب ما

از صفحه آن پاک می‌شود. مؤمن نیز باید روبه‌رو عیب را تذکر دهد و چون از او

جدا شدیم، عیب ما را در دل خود نگه ندارد.<sup>۱</sup>

۱. «دوست دارم که دوست عیب مرا / هم‌چو آینه پیش رو گوید \* نه که چون شانه با هزار زبان / پشت سر رفته مو

به مو گوید».

۲. چشم فرو بسته‌ای از عیب خویش / عیب کسان را شده آینه پیش (مخزن الاسرار، نظامی).

۳. آینه از نقش تو بنمود راست / خود شکن، آینه شکستن خطا است (مخزن الاسرار، نظامی).

## ۲. خودانتقادی یا انتقاد ما به خود:

این افراد، نه تنها اگر دیگران نقاط ضعف آن‌ها را بگویند، ناراحت نمی‌شوند، بلکه خودشان نیز همیشه از خودشان انتقاد می‌کنند.

چنین افرادی به سرعت به نقاط ضعف و عیوب و یا اخلاق‌های بد خود پی می‌برند و به دنبال برطرف کردن آن‌ها هستند. بنابراین، هر روز نسبت به روز قبل دارای رشد بیشتری می‌شوند. این حالت، عالی‌ترین روحیه و بلندترین فرهنگ زندگی ساز است.

### پرسش و تمرین:

۱. معیارها و عوامل رشد یک انسان چیست؟
۲. مهم‌ترین میکروب بهداشت روح و روان انسان چیست؟
۳. محاسبه و مراقبه در زندگی را تعریف نمایید.
۴. ویژگی‌های انسان انتقادپذیر را بیان کنید.

---

۱. صورت نسبت در دل ما کینه کسی / آینه هرچه دید فراموش می‌کند (سلیم تهرانی)؛ ز یاران کینه هرگز در دل یاران نمی‌ماند / به روی آب جای قطره باران نمی‌ماند (بیدل).



## درس پانزدهم: من بزرگ شدم – قسمت دوم

### موضوع

نشانه‌های رشد انسان (پرهیز از خودخواهی).

### هدف کلی

دانش‌آموزان در این درس، با پرهیز از خودخواهی به عنوان یکی از نشانه‌های رشد آشنا می‌شوند.

### هدف رفتاری

از دانش‌آموز انتظار می‌رود که در پایان درس، با برخی از مصادیق خودخواهی آشنا شده و تلاش کند تا با پرهیز از آن‌ها، گامی در جهت رشد خود بردارد.

### روش‌های مناسب تدریس

توضیحی (استفاده از داستان و روایت)؛ روش فعال (پرسش و پاسخ).

### رسانه‌های آموزشی

تخته سیاه یا وایت‌برد.

### داستان

در درس گذشته در باره محاسبه، مراقبه و انتقادپذیری که سه تا از نشانه‌های رشد انسان است، گفت‌وگو کردیم؛ اما امروز می‌خواهیم از یک نشانه دیگر صحبت کنیم. اجازه بدهید با یک داستان از یکی از علامت‌های کوچک بودن شروع کنم تا معلوم بشود که علامت بزرگ شدن چیست؟

در زمان‌های گذشته، یک کشتی در سفری دریایی در میان طوفان در دریا شکست و غرق شد و تنها دو مرد توانستند نجات یابند و شناکان خود را به جزیره کوچکی برسانند. دو نجات‌یافته هیچ چاره‌ای به جز دعا کردن و کمک خواستن از خدا نداشتند. چون هر کدامشان ادعا می‌کردند که به خدا نزدیک‌ترند و خدا دعایشان را زودتر استجاب می‌کند، تصمیم گرفتند که جزیره را به دو قسمت تقسیم کنند و هر کدام در قسمت متعلق به خودش دست به دعا بردارند تا ببینند کدام زودتر به خواسته‌هایش می‌رسد.

نخستین چیزی که هر دو از خدا خواستند، غذا بود. صبح روز بعد، مرد اول میوه‌ای را بالای درختی در قسمت خودش دید و با آن گرسنگی‌اش را بر طرف کرد؛ اما سرزمین مرد دوم، هنوز خالی از هر گیاه و نعمتی بود.

هفته بعد، دو جزیره‌نشین، احساس تنهایی کردند. مرد اول، دست به دعا برداشت و از خدا طلب یک دوست کرد. روز بعد، کشتی دیگری شکست و غرق شد و تنها نجات‌یافته آن، یک مرد بود که به طرف بخشی که مرد اول قرار داشت، شنا کرد. در سمت دیگر، مرد دوم هنوز هیچ همراه و دوستی نداشت.

به‌زودی، مرد اول از خداوند طلب خانه و لباس کرد و اتفاقاً در روز بعد، یک غار در قسمت خودش پیدا کرد که وسایل زیادی در آن بود؛ اما مرد دوم، هنوز هیچ چیز نداشت.

سرانجام، مرد اول از خدا طلب یک کشتی نمود تا او و همراهش آن جزیره را ترک کنند. صبح روز بعد، مرد، یک کشتی که در قسمت او در کناره جزیره لنگر انداخته بود، پیدا کرد. مرد با همراهش سوار کشتی شد و تصمیم گرفت جزیره را با مرد دوم که تنها ساکن آن جزیره دور افتاده بود، ترک کند. اما با خودش فکر کرد که دیگری شایسته دریافت نعمت‌های الهی نیست؛ چرا که هیچ کدام از درخواست‌های او از طرف پروردگار پاسخ داده نشده بود.

هنگامی که کشتی آماده ترک جزیره بود، سراغ مرد اول رفت تا از او خداحافظی کند؛ اما دید مرد اول در حال دعا و مناجات با خدا است. کم‌کم به دوستش نزدیک شد تا ببیند دوستش از خدا چه خواسته و چرا دعاهایش مستجاب نشده است. با کمال



تعجب دید که دوستش با آرامش دستش را به سوی خدا بلند کرده و می‌گوید: خدایا! دوست من را در این جزیره رها نکن. خدایا! تمام دعاهای دوستم را مستجاب کن. مرد اول، بسیار شرمند شد و فهمید تمام نعمت‌هایی که به او رسیده، از دعای دوستش بوده و خدا به برکت صفای دل او، دعاهایش را مستجاب کرده است. بچه‌ها! از این داستان چه نتیجه‌ای می‌گیریم؟ چه کسی می‌تواند بگوید که علامت کوچک بودن انسان‌ها چیست؟

بچه‌ها! جواب ما، یک کلمه هشت حرفی است که شما باید مرتبش کنید:

### و خ ا د ی ه خ و

اجازه بدهید که کمکتان کنم؛ سه حرف اول جواب، خود است.

بله. خودخواهی، از نشانه‌ها آدم‌های کوچک است.

افرادی که تنها به فکر خود هستند، همه چیز را برای خودشان می‌خواهند. پس یکی

از نشانه‌های بزرگ شدن آدم‌ها، توجه و محبت به دیگران است.

آیا شما با بچه‌کوچک‌ها آشنا هستید. اگر آشنا باشید، می‌دانید که همه چیز را برای

خودشان می‌خواهند. وقتی بچه‌ای به همراهی پدر و مادرش به خانه این بچه بیاید،

می‌بینی حاضر نیست که هیچ کدام از اسباب‌بازی‌های خودش را به مهمانش بدهد و یا

اگر خوراکی داشته باشد، حاضر نیست خوراکی‌اش را تقسیم کند. حتی اگر در خانه

کسی دیگر مهمان شود، دوست دارد تمام اسباب‌بازی‌های صاحب‌خانه مال خودش

باشد و حاضر نیست آن‌ها را نیز تقسیم کند.

بله، از نشانه‌های بچگی، خودخواهی است. بعضی‌ها، تنها به فکر خودشان هستند.

### خاطره

حدود هجده سال پیش، برای شرکت در نماز جمعه در شهر ری به حرم حضرت

عبدالعظیم مشرف شدم. جمعیت زیادی آمده بود و جا برای نشستن در صحن برای

نماز پیدا نمی‌کردم. داشتم این پا و آن پا می‌کردم که چه کار کنم. ناگه یک نوجوان

حدوداً دوازده ساله از جایش بلند شد و اشاره کرد که در جایش بنشینم. اول قبول

نکردم؛ اما نمی‌توانستم از دستش فرار کنم. بالاخره، من را سر جای خودش نشانند و

بعد چفیه‌ای را که دستش بود، پهن کرد و خودش روی آن نشست. من هم بعد از نماز، برای این که تشکر کرده باشم یک قرآن کوچک به دوست جدیدم هدیه دادم. این قضیه آن قدر شیرین بود که بعد از حدود هجده سال، هنوز از ذهن من پاک نشده است. بله رفقا! خودخواهی صفت خطرناکی است. برای همین است که بزرگان دین به ما یاد داده‌اند که خطرناک‌ترین کلمه، ... بله، درست است؛ «من» است. «من»، یعنی این که انسان فقط به فکر خودش باشد و همه چیز را برای خودش بخواند.

### اولین کسی که گفت «من»

آیا می‌دانید اولین موجودی که گفت «من»، چه کسی بود؟ بله، «شیطان». در قرآن آمده است: خداوند وقتی انسان را آفرید، به فرشته‌ها گفت: من این انسان را آفریدم و شما به آن سجده کنید. همه سجده کردند؛ به جز شیطان. از این رو، خدا خطاب به شیطان فرمود: «مَا مَنَعَكَ أَلَّا تَسْجُدَ إِذْ أَمَرْتُكَ قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَ خَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ»<sup>۱</sup> زمانی که امر کردم، چه چیز تو را واداشت که سجده نکنی. شیطان گفت: من از او (انسان) بهترم؛ من را از آتش و او را از گل آفریدی.» به دلیل همین غرور و خودخواهی شیطان بود که او از بهشت رانده شد. پس دیگر هیچ وقت «من، من» نمی‌گوییم؛ چون شاید نیم‌من هم نباشیم. بچه بیاید از امروز سعی کنیم یک کلمه دیگری به جای «من» قرار بدهیم تا پیرو شیطان نباشیم.

چه کسی می‌تواند یک کلمه جایگزین برای «من» به کار ببرد که دیگه هیچ وقت از «من» استفاده نکنیم؟ این کلمه چهار حرف دارد.

---

۱. اعراف، آیه ۱۲.

درس چهاردهم: من بزرگ شده‌ام - قسمت دوم ■ ۱۶۳

بله، «بنده». بنده یعنی چه؟ یعنی مطیع خدا، رفیق خدا. ان شاء الله همه بنده خوبی برای خدا باشیم.<sup>۱</sup>

## اقسام خود خواهی

ما دو نوع خودخواهی داریم:

### الف. خودخواهی منفی

#### ۱. خودخواهی شکمی:

تصور کنید یک جایی غذای نذری یا چیزی پخش می‌کنند و مقدار کمی از آن مانده است. آیا تا حالا شده برای دیگران از این غذا صرف نظر کنید؟ تصور کنید مقداری خوردنی به مدرسه آوردید. بعضی‌ها جایی غذایشان را می‌خورند که کسی نبیند. برخی هم اصلاً تنهاخوری را دوست ندارند.

#### ۲. خودخواهی ورزشی:

فکر کنید که بچه‌ها یارکشی کردند و می‌خواهند فوتبال بازی کنند؛ اما یک یار زیاد آوردند. آیا شما حاضرید بیرون بایستید و دوستانتان اول بازی کنند؟ آیا حاضرید برای رفیق‌تان که خیلی دوست دارد خط حمله بایستد، برای چند دقیقه شما به جایش داخل دروازه بایستید؟

#### ۳. خودخواهی تلویزیونی:

تا حالا شده با خواهر یا برادرتان سر این‌که کدام کانال تلویزیون را نگاه کنیم، جر و بحث کنید؟ یا خدایی نکرده از آن افرادی هستید که با مادر یا پدرتان برای این موضوع مشاجره می‌کنید؟

#### ۴. خودخواهی نانوایی:

البته این نوع از خودخواهی‌ها، برای تمام صف‌ها و مکان‌هایی است که باید انسان

---

۱. نگارنده به یاد دارد: حضرت آیت‌الله انصاری شیرازی از بزرگان و علمای برجسته قم که چندین سال در همسایگی منزل ایشان زندگی می‌کردم، هرگاه درب منزل را می‌زد و از پشت درب سؤال می‌شد: کیست؟ ایشان جواب می‌دادند: بنده و مراقب بودند که هیچ‌گاه کلمه «من» را استفاده نکنند.

نوبت را رعایت کند. رعایت نوبت در صف نانوايي، خريد بليط، خريد از مغازه، حتى سر کلاس و سؤال پرسيدن از معلم عزيزتان

#### ۵. خودخواهي اتوبوسي:

بچه تا حالا شده که داخل اتوبوس برای ديگران از جا بلند شويد تا آقا، خانم يا بچه کوچک‌تر و يا حتى دوست‌تان به جای شما بنشينند؟ تو مراسم‌ها و مهمانی‌ها و يا جاهایی که جا يا صندلی کم است، اين نوع از خودخواهي خودش را زياد نشان می‌دهد.

#### ۶. خودخواهي دوچرخه‌اي:

افرادى اين خودخواهي را دارند که حاضر نيستند به هيچ وجه وسايل‌شان را در اختيار ديگران قرار دهند. دوستي آمده و می‌گويد: آيا می‌شود چند دقيقه اين مثلاً دوربينت را بدهی که عکس بگیرم يا با موبايلت يک زنگ بزnm و... . جواب اين آدم‌ها، يک کلمه است؛ «نه».

#### ۷. خودخواهي دعایی:

بعضی از دوستان ما، موقع دعا کردن، فقط به فکر خودشان هستند و می‌گویند: خدايا! به من سلامتی بده، به من روزی بده، من را سعادت‌مند کن، من را ببخش، من را به بهشت ببر و... .

اما بعضی‌ها، هنگام دعا به فکر خیلی‌های ديگر هستند.

امام باقر علیه‌السلام می‌فرماید: «سريع‌ترین دعا برای اجابت، دعا برای برادر دینی است که هم دعا در غياب او باشد و هم اول برای او دعا کند. در اين صورت، فرشته‌ای که بر او گمارده شده، به اين دعا آمين گوید و به دعاکننده گوید: برای تو باد دو برابرش.»<sup>۱</sup>

حضرت امام حسن مجتبی علیه‌السلام می‌فرماید: «شبی مادرم را دیدم که تا نزدیکی‌های سحر مشغول نماز و دعا بود. من در بستر بودم و می‌شنيدم که او برای آشنایان و همسایگان دعا می‌کرد و يک‌يک آن‌ها را نام می‌برد. اما هر چه گوش کردم، هيچ

---

۱. امام صادق علیه‌السلام: «دعاء المؤمن للمؤمن يدفع عنه البلاء و يُدرُّ عليه الرزق؛ دعای مؤمن در حق مؤمن، بلا را از او دور می‌کند و روزی‌اش را زياد می‌گرداند.»

دعایی برای خودش نکرد.

سحر که شد، پرسیدم: مادر! چرا برای خود دعا نکردی؟ فرمود: یا بنی الجار ثم الدار؛ پسرم! اول همسایه، بعد خانه.»  
چند نمونه از خودخواهی‌های منفی برای شما گفته شد. بچه‌ها شما می‌توانید چند تا دیگر از این خودخواهی‌ها را نام ببرید؟

### **ب. خودخواهی مثبت**

بچه‌ها! ما یک خودخواهی مثبت هم داریم؛ یعنی مواردی که باید به دیگران نه بگویم و یا از خودمان نگذریم. البته به این دیگر خودخواهی نمی‌گویند؛ بلکه اگر اسم آن را جرئت «نه» گفتن به درخواست‌های بی‌جای دیگران بگذاریم، بهتر است. اما اجازه بدین چند نمونه از این «نه» گفتن‌ها را اسم ببریم:

#### **۱. نه گفتن برنامه‌ای:**

گاهی دوستانمان از ما می‌خواهند که برنامه‌هایمان را تغییر بدهیم؛ مثلاً الآن زمان مطالعه و درس خواندن ما است و کسی آمده می‌گوید برویم بازی. این‌جا باید آدم جرئت نه گفتن را داشته باشد و بگوید ببخشید، الآن درس دارم. درس که تمام شد، می‌آیم. گاهی هم موقع نماز است؛ اما وسط بازی فوتبال، آدمی که شخصیت مستقلی دارد، اگر صدای اذان را بشنود، خیلی راحت می‌گوید: بازی بست است؛ موقع نماز است.

#### **۲. نه گفتن به زشتی‌ها:**

منظورم از نه گفتن به زشتی‌ها این است که اگر کسی ما را به کاری بد دعوت کرد، جرئت نه گفتن داشته باشیم؛ مثلاً اگر کسی گفت: بیا فلانی را اذیت کنیم، بگوییم: نه، این کار درستی نیست. خلاصه، هرگز در کارهای زشت شرکت نکنیم.

#### **۳. نه گفتن تعارفی:**

گاهی بعضی از آدم‌ها از انسان می‌خواهند غذاهایی بخورد که سالم نیست یا میل به خوردن آن غذا ندارد یا این‌که سیر است، اما با اصرار دیگران می‌خواهد بخورد، در این موارد، البته با رعایت ادب و بدون این‌که دیگران ناراحت بشوند، باید عذرخواهی کنیم

و بگوییم میل نداریم.

#### ۴. نه گفتن مغازه‌ای:

گاهی انسان برای خرید به مغازه می‌رود؛ اما جنس موجود در آن مغازه را نمی‌پسندد یا فکر می‌کند که قیمت آن زیاد است؛ اما چون نمی‌تواند به مغازه‌دار نه بگوید، آن کالا را می‌خرد؛ اما باید یاد بگیریم که هنگام خرید، هیچ وقت خجالت نکشیم و راحت و با ادب بگوییم: نه.

بچه‌ها! حالا شما هم چند مورد از نه گفتن دیگر برای ما بیان می‌کنید؟

#### قانون طلایی آدم‌بزرگ‌ها

بچه یک قانون بسیار مهم است که نشانه بزرگ شدن آدم‌ها است. اگر می‌خواهیم ببینیم کجا باید خودخواه باشیم و کجا نه، این قانون را باید رعایت کرد: «آنچه را برای خود دوست داری، برای دیگری دوست بدار و آنچه را برای خود نمی‌پسندی و بد می‌دانی، بر دیگران نیز مپسند.»

این قانون را امیر مؤمنان، حضرت علی علیه السلام در سفارش به فرزند عزیزشان امام حسن علیه السلام هنگام بازگشت از «صفین» بیان فرموده‌اند:

«وصیتی است به فرزندم حسن بن علی. پسر، خودت را بین خویشان و مردم، میزان قرار ده. پس آنچه را برای خود دوست داری، برای دیگری دوست بدار و آنچه را برای خود نمی‌پسندی و بد می‌دانی، برای دیگران نیز مپسند. ظلم مکن؛ چنان‌که نمی‌خواهی ستمی بر تو روا داشته شود.»

و نیکی نما، همان‌گونه که دوست داری به تو خوبی کنند و آنچه را که از دیگران زشت می‌پنداری، از خویشان نیز زشت بدان. آنچه را که نمی‌دانی، مگو؛ حتی اگر آنچه می‌دانی، اندک باشد و آنچه را که نمی‌خواهی، در باره‌ات گفته شود، درباره دیگری مگو.<sup>۱</sup>

درس چهاردهم: من بزرگ شده‌ام - قسمت دوم ■ ۱۶۷

بچه‌ها! چه کسی می‌تواند یک ضرب المثل فارسی متناسب با این حدیث برای ما بگوید؟

بله، «اول یک سوزن به خودت بزن، بعد یک جوال دوز<sup>۱</sup> به دیگران.»

سعدی شاعر شیرین‌سخن شیراز نیز در این باره می‌گوید:

هر بد که به خود نمی‌پسندی      با کس مکن ای برادرِ من

### پرسش و تمرین:

۱. نمونه‌هایی از خودخواهی را که با آن برخورد کرده‌اید، بیان کنید.
۲. قانون طلایی آدم بزرگ‌ها چیست؟ حدیثی در مورد آن بیان نمایید.
۳. مواردی را که لازم است به دیگران نه بگوییم، بیان کنید.
۴. سرانجام خودخواهان کجا است؟

---

۱. سوزن بزرگی که برای دوختن جوال و پارچه‌های ضخیم به کار می‌رود. (فرهنگ فارسی معین)

